

کتابشناسی توصیفی تاریخ های محلی

(منابع و متون)

○ نصرالله صالحی

درآمدی بر تاریخ و جغرافیا و نگاری محلی:

مدخل:

تاریخ نگاری محلی درحقیقت جزئی از سنت عظیم تاریخ نگاری (و جغرافی نگاری) اسلامی است که در قرن سوم هجری تکوین یافت. تا پایان این قرن شماری از آثار عمده و مهم در حوزه تاریخ و جغرافیا در چهار شکل و گونه متفاوت اما مرتبط، تدوین یافت:

۱- تاریخ های عمومی (اخبارالطوال، تاریخ یعقوبی و طبری)

۲- تاریخ های سلسله ای - دودمانی (اخبار الدولة العباسیة)

۳- تاریخ های محلی (تاریخ مرو - از دو مؤلف)

۴- جغرافیای تاریخی (المسالک والممالک - از دو مؤلف)

اگرچه قرن سوم هجری آغاز تاریخ نگاری محلی محسوب می شود اما متأسفانه تاریخ های محلی در این قرن برخلاف آثار همسنگ خود، یعنی منابع جغرافیای تاریخی، نه تنها اندک شمارند بلکه اکنون در دست نیز نیستند و تنها گزارش هایی از آنها به واسطه منابع دیگر به دست ما رسیده است.* در علت قوت تاریخ های محلی در این قرن شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که در قرن مزبور هنوز احساسات و تعلقات جهان وطنی اسلامی جای خود را به وطن دوستی محلی و منطقه ای که انگیزه اساسی نگارش تاریخ های محلی محسوب می شد، نداده بود. منابع متعدد جغرافیای تاریخی^۲ باقی مانده از همان قرن به خوبی مبین نگرش غیرمحلی جغرافی نگاران و مورخان مسلمانی است که به سراسر قلمرو اسلامی به عنوان یک کلیت واحد و یکپارچه می نگریستند و درست از زمانی که این نگرش به ویژه در سرزمین های دور از مرکز خلافت - محض نمونه: ماورالنهر - رو به سستی نهاد، زمینه های اساسی برای تدوین تاریخ های محلی ایجاد شد.^۳ این امر از قرن چهارم به بعد به گونه ای جدی نمود یافت. از نمونه های بارز می توان به تاریخ بخارا، تاریخ قم، تاریخ جرجان [گرگان] و تاریخ اصفهان اشاره کرد.

مؤلف تاریخ قم که تنها سه دهه دیرتر از تاریخ بخارا یعنی در سال ۳۷۸ هجری قمری آن را تألیف کرده است در خصوص انگیزه و قصد خود از نگارش این اثر می نویسد: «غرض و مقصود من ذکر شهر خود و

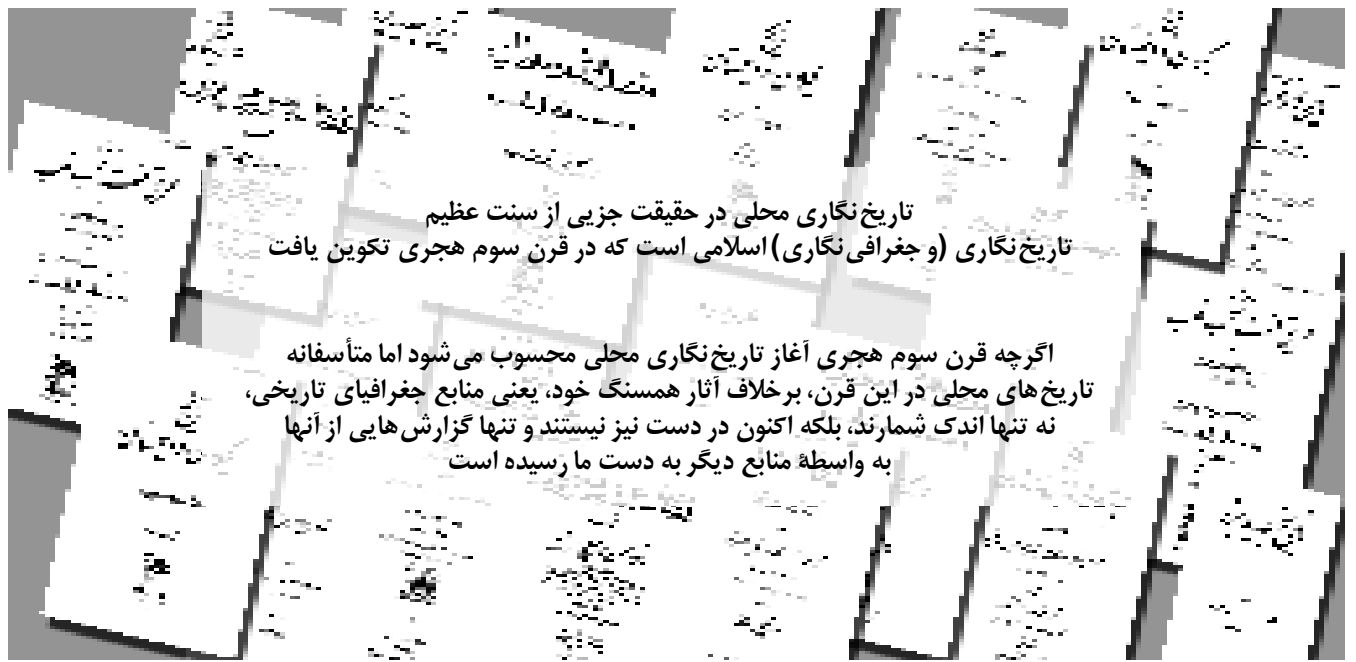
همشهریان خود و ذکر مناقب و مفاخر و مآثر ایشان است...»^۴. سَهْمی که تاریخ جرجان را در اوائل قرن پنجم نوشته است علت تصنیف کتاب را صرفاً پاسخ گویی به نیاز برخاسته از تعصب به زادگاهش برمی شمارد.^۵ مافروخی، مؤلف کتاب محاسن اصفهان که در نیمه دوم قرن پنجم آن را تألیف کرده است به صراحت از حب الوطن به منزله انگیزه نگارش کتابی در تاریخ محلی یاد می کند.^۶

چنان که پیداست از سده سوم هجری به بعد یکی از انگیزه های اساسی در روی آوردن مورخان به تألیف تاریخ های محلی، گرایشات و تمایلات زادبوم ستایانه آن ها بوده است. این گرایشات در قرون بعد چنان شدت یافت که احمد سلامی که در قرن دهم در خراسان می زیسته و کتابی با نام اخبار ولایة خراسان تألیف نموده به سان ابن حزم در اسپانیا، عدم وجود آثاری در مورد تاریخ محلی را رسوایی می شمرد. او می گوید: «اهل خراسان بیش از دیگران، در بسیاری از وقایع مهم دست داشتند. بنابراین، علمای خراسان موظفند تاریخ (انباء - ایام) سرزمین و امیران خود را بدانند و حفظ کنند. هیچ چیزی برای آنها شرم آورتر از این نمی تواند باشد که در عین پرداختن به مطالعه اخبار دیگران، از اخبار دیار خود غفلت ورزند، این به آن ماند که واجبات را ترک گویند و مستحیات و نوافل را پی گیرند.»^۸ شکوه و شکایت سلامی از مورخان در عدم عنایت به تدوین تواریخ محلی در قرن دهم، بی جهت و ناروا نبوده است زیرا چنان که در همین کتابشناسی ملاحظه می شود - در قرن مزبور کمترین تألیف درخصوص تاریخ های محلی صورت گرفته است، یعنی در حد یک یا دو مورد، آن هم در تاریخ کرمان و گیلان و نه تاریخ شهرهای خراسان بزرگ. درحالی که اصولاً نخستین تاریخ های محلی در ابتدا در برخی از شهرهای خراسان تألیف یافته بود. بنا به عقیده روزنتال «مشرق ایران دارای تاریخ نگاری دنیوی شکوفایی بود که سنگ بنای حفظ میهن پرستی ایرانیان به شمار می آمد. دانشمندان ایرانی الاصل که آتش عشق به سرزمین بومی و حب الوطن در دل آنان زبانه می کشید. در ستایش بلخ و خراسان نغمه سرایی کردند.»^۹

ارزش و اهمیت تاریخ های محلی:

برای تعیین ارزش و اعتبار تاریخ های محلی در میان دیگر منابع و مأخذ تاریخی از جنبه های مختلف می توان به سنجش و ارزیابی پرداخت. به نظر می رسد که پیش از هر چیز تاریخ های محلی از آن جهت حائز اهمیت اند که آگاهی های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند، به همین جهت در قیاس با تاریخ های عمومی، عمدتاً حاوی آگاهی های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند. درست است که همین جهت است که هر یک از تاریخ های محلی را می باید درحکم پایه و ستونی فرض کرد که تنها با وجود آنها می توان خیمه تاریخ عمومی کشوری را بر فراز آن افراشت. یا به تعبیر دیگر میتوان تاریخ عمومی یک کشور را در حکم جدولی دانست که خانه های آن را، تاریخ های محلی می سازند.^{۱۰} صرف نظر از این ارزیابی کلی، می توان ارزش و اعتبار تاریخ های محلی را از این منظرها نیز برآورد کرد:

- ۱- حاوی جزئیات اند. در این باب ذکر نظر یکی از شرق شناسان سرشناس نافع است. استاد ایرج افشار می نویسد: «وقتی که با ایلرس (W. Eilers) صحبت از تواریخ محلی و اعتبار آنها بود تعبیر خوبی درباره خصوصیت و اهمیت آنها کرد. نکته وار گفت که فایده عظیم این نوع کتب ازین حیث است که «بوی جزئیات» دارند.»^{۱۱}
- ۲- پر از مواد و مطالب کم یاب و نادرند. مرحوم احمد کسروی در این باب سخن درخور توجهی دارد. می گوید: «این گونه تاریخ ها [تاریخ های محلی] که از وقایع جداگانه یک سرزمین یا از حوادث خاص یک خاندان سخن می رانند از این حیث اهمیت دارند که آنچه آنها می نگارند در کتابهای دیگر پیدا شدنی نیست.»^{۱۲}
- ۳- متضمن اطلاعات فراوان در تراجم احوال اند و نیز نویسندگان آنها بیش و بهتر از دیگران بر احوال شهر و دیار خود واقف اند.
- ۴- حاوی آگاهی های ذیقیمت درباره سلسله های محلی اند. در این باب سخن زنده یاد مرحوم زرین کوب چنین است: «در بین مأخذ عمده تحقیق در تاریخ ایران، مخصوصاً در دوره قبل از صفویه، از تاریخ های محلی نباید غافل بود.



تاریخ نگاری (و جغرافی نگاری) اسلامی است که در قرن سوم هجری تکوین یافت تاریخ نگاری محلی در حقیقت جزیی از سنت عظیم

اگرچه قرن سوم هجری آغاز تاریخ نگاری محلی محسوب می شود اما متأسفانه تاریخ های محلی در این قرن، برخلاف آثار همسنگ خود، یعنی منابع جغرافیای تاریخی، نه تنها اندک شمارند، بلکه اکنون در دست نیز نیستند و تنها گزارش هایی از آنها به واسطه منابع دیگر به دست ما رسیده است

شرح عجایب و غرایب.

○ شرح شورش ها و طغیان های واقع شده در شهرها، ذکر جنگ ها و کشمکش های روی داده بین مناطق و شهرها، قتل و غارت ها، کشتارها و دیگر رویدادهای تلخ و ناگوار.

○ شرح احوال رجال اعم از: فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امراء، وزراء، بزرگان علم و ادب، دانشمندان، شعراء و ادباء، اقطاب و مشایخ صوفیه، محدثان، فقیهان، قضات و...

○ شرح آداب و رسوم و فرهنگ عامه که گاه به کلی در طول زمان منسوخ شده اند...

○ بیان اختلافات و کشمکش های مذهبی و فرقه ای و نحوه ظهور آئین ها و فرقی مذهبی

○ شرح وقایع و حوادث سیاسی، گاه ذکر قساوت ها و بی رحمی های دولتمردان و صاحبان قدرت.

○ ذکر انواع مالیات و خراج، بیان باج خواهی ها و باج دهی ها، وصف اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر و دیاری خاص در دوره ای مشخص، اشاره به وضع طبقات مختلف جامعه، گاه شرح زندگی طبقات متوسط و فرودست جامعه.

بیشتر موارد بالا و به ویژه مورد اخیر مبین آن است که تواریخ محلی عمدتاً متضمن مواد و مطالبی هستند که به مدد آنها می توان در احوال اجتماعی و اقتصادی گذشته به جستجو و پژوهش پرداخت. موضوع و مساله ای که از چند دهه پیش به طور جدی در حوزه پژوهش مورخان غربی، به ویژه بانیان و پیروان مکتب تاریخ نگاری آنال (Annales) در فرانسه بوده است. پیتر گوبرت (Pierre Goubert)

در مقاله ارزشمند "Local History" درباره این رویکرد و علت آن می نویسد:

«تنها در دو دهه اخیر^{۱۷} نوع تازه ای از تاریخ محلی صورت عینی یافته است... این گرایش تازه حاصل ناخشنودی موجود نسبت به روش های تاریخی جاری و نیز حاصل دلنگرانی نسبت به [امکان] طرح و جایگزین کردن انواعی از مساله های تاریخی جدید بوده است. مورخان نسل پیشین عمدتاً به مسائل مربوط به طبقات بالای جامعه می پرداختند. برای مثال در مکتب قدیم تاریخ نگاری فرانسه به قانونگذاران و نه به اجرای قانون، به حاکمان و نه به مردم تحت حاکمیت،

زیرا در باب سلسله های مستقل محلی که قسمت عمده تاریخ ایران قبل از صفویه حاوی آن است مهمترین مرجع درواقع همین تاریخ های محلی خواهد بود...»^{۱۴}

۵ - حاوی آگاهی های ارزشمند درباره نظام زمین داری، اقتصاد زراعی، شیوه های آبیاری و کشاورزی و وضع اوقاف اند.

در این باب نظر ایران شناس معروف و نویسنده اثر کم نظیر مالک و زارع در ایران چنین است: «تاریخ های محلی گاهی از تاریخ های سلسله های پادشاهان سودمندتر است، از جهت احتوای مطالب مربوط به عطایای ارضی، اوقاف، روش های آبیاری و کشاورزی»^{۱۵}

۶ - مشحون از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی اند. در این باب باز هم به نظر لمیتون که در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران بعد از اسلام تحقیقات و پژوهش های گسترده و عمیقی انجام داده است، اشاره می کنیم: «هرچند مورخان عموماً برعکس رغبتی که به تألیف تاریخ سیاسی داشته اند به نوشتن تاریخ اجتماعی توجه نکرده اند با این همه در میان تاریخ های محلی کتبی دیده می شود که از این قاعده مستثنی و حائز اهمیت است.»^{۱۶}

مطالبی که آورده شد تنها از برخی جنبه ها به ارزش و اهمیت تاریخ های محلی اشاره داشت. لذا در اینجا فهرست وار به عمده ترین مواد و مطالب موجود در تواریخ محلی اشاره می کنیم تا بر اعتبار و ارزش این منابع از جنبه های دیگر نیز اشاره گردد.

○ ذکر بیان داستان بنیان و بنای شهر و دیار و گاه ذکر وجه تسمیه آن.

○ شرح ویژگی های جغرافیایی و طبیعی، بیان مساحت و وسعت شهر و دیار، بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات. و صف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فرآورده ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه سارها و چمن زارها و...

○ ذکر محاسن و فضائل منطقه، بیان احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه

○ وصف مساجد، مدارس، خانقاه ها، مزارات بزرگان، کتابخانه ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه ها، قنات، بَقاع،

شرح و ویژگی های جغرافیایی و طبیعی، بیان مساحت و وسعت شهر و دیار، بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات. و صف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فرآورده ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه سارها و چمن زارها و...

○ ذکر محاسن و فضائل منطقه، بیان احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه

○ وصف مساجد، مدارس، خانقاه ها، مزارات بزرگان، کتابخانه ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه ها، قنات، بَقاع،

شرح و ویژگی های جغرافیایی و طبیعی، بیان مساحت و وسعت شهر و دیار، بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات. و صف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فرآورده ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه سارها و چمن زارها و...

○ ذکر محاسن و فضائل منطقه، بیان احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه

○ وصف مساجد، مدارس، خانقاه ها، مزارات بزرگان، کتابخانه ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه ها، قنات، بَقاع،

به رؤسای دین و نه به توده مؤمنین، به شرح وقایع اهل قلم که به وصف کشورشان پرداخته اند و نه به واقعیت های موجود در خود کشور، علاقه و توجه نشان داده می شد. رویکرد به تاریخ محلی از علاقه جدیدی که به تاریخ اجتماعی (Social history) ابراز شد، نشأت گرفت. در تاریخ اجتماعی نظر به کل اجزای جامعه یعنی عموم انسانهایی است که فارغ از مراتب، طبقات و شأن و منزلت اجتماعی با یکدیگر زندگی می کنند، و نه فقط قلیل مردمان سعادت مندی که در جامعه حکم رانده اند، قضاوت نموده اند، سرکوب کرده اند و یا به تعلیم پرداخته اند.»^{۱۸}

تقسیم بندی تاریخ های محلی:

از محتوای بسیار متنوع تاریخ های محلی چنین برمی آید که نمی توان همه آنها را در یک رده و گونه خاص گنجانند. از این رو برخی محققین بنا بر برخی مشابهت ها و همسانی های موجود در این قبیل کتب قائل به تقسیم بندی آنها شده اند. از جمله روزنتال در یک تقسیم بندی کلی، از تاریخ های محلی دینی و تاریخ های محلی دنیوی سخن گفته است.^{۱۹}

قسمت نخست اغلب مشتمل بر تاریخ مناطق و شهرهای مقدس و مذهبی بوده است. نظیر: اخبار مکه اثر ابولید محمد بن عبد الله ارزقی (م ۲۴۴). تاریخ المدینة المنوره اثر ابوزید عمر بن شُه نُمیری بصری (م ۲۶۲). قسمت دوم اغلب شامل تاریخ مناطق و شهرهای غیر مذهبی بوده است. از قدیمی ترین اینها می توان به تاریخ بغداد اثر احمد بن ابی طاهر طیفور (م ۲۸۰)، تاریخ الموصل اثر ابوزکریا بن محمد بن ایاس آزدی (م ۳۳۴) و تاریخ بخارا اثر نرشخی (م ۳۴۸) اشاره کرد. اگرچه این تقسیم بندی، شاید تا حد زیادی، در خصوص برخی از تاریخ های محلی درست و صحیح به نظر آید اما تاریخ های محلی از چنان محتوای متنوعی برخوردارند که نمی توان آن ها را در یک تقسیم بندی قاطع و مطلق گنجانند. محض نمونه، کتاب تاریخ قم اگرچه درباره یک شهر مذهبی به نگارش درآمده است و برخی فصول آن نیز حاوی مباحث دقیقاً مذهبی است اما در همان کتاب فصولی وجود دارد که حاوی مباحث

در علت قلت تاریخ‌های محلی در قرن سوم هجری، شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که در قرن مزبور هنوز احساسات و تعلقات جهان وطنی اسلامی جای خود را به وطن دوستی محلی و منطقه‌ای که انگیزه اساسی نگارش تاریخ‌های محلی محسوب می‌شد، نداده بود

از سده سوم هجری به بعد، یکی از انگیزه‌های اساسی در روی آوردن مورخان به تألیف تاریخ‌های محلی، گرایش‌ها و تمایلات زاد بوم ستایانه آنها بوده است

بلکه از رساله‌های کوچک و گاه حجیم که در نشریات ادواری انتشار یافته نیز نباید غافل بود. برای نمونه: «کتابچه موقوفات یزد» اثر عبدالوهاب طراز (تألیف ۱۲۵۷ ق)، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۰، سال ۱۳۴۱ ش، (ص ۱-۱۲۳)؛ «جغرافیا و تاریخ بلوچستان» به کوشش خالقداد آریا و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۸، سال ۱۳۶۸ (ص ۲۷۸-۲۰۲)؛ «نسخه‌های ناشناخته در تاریخ کرمان»، به کوشش اصغر منتظر صاحب (شیراز)، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، سال ۱۳۴۳ (ص ۳۲۲-۳۰۲)؛ «اخبار فارس در عصر ناصری» (۱- شیراز در ایام عاشورای ۱۲۷۶ ق، ۲- اخبارات و وقایع مملکت فارس در ۱۲۸۸ ق) (مؤلف؟) به کوشش کرامت رعناحسینی، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶، سال ۱۳۶۵ (ص ۳۷۰-۳۶۲)؛ «تاریخ مختصر اصفهان»، اثر حیدرعلی ندیم‌الملک اصفهانی، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، سال ۱۳۴۳ (ص ۱۷۳-۱۴۵)؛ و نیز رساله‌ها و کتابچه‌های مضبوط در برخی مجموعه‌ها. برای نمونه: «تاریخ اصفهان» اثر عبدالحسین کاشانی ملک‌المورخین، به کوشش رسول جعفریان، میراث اسلامی ایران، دفتر چهارم، سال ۱۳۷۶، (ص ۵۲۸-۴۴۷)؛ «علما و مزارات سمرقند» (مؤلف؟) به کوشش م. ارجمند، میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم، سال ۱۳۷۷ (ص ۶۵۱-۶۲۷)؛ و چند کتابچه در تاریخ قم و کاشان بدین شرح: «کتابچه طوائف و ایالات دارالایمان قم»، «کتابچه تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوت و بلوکات دارالایمان قم»، «کتابچه اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم»، «کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان» اینها و چند مورد دیگر در این کتاب مضبوط‌اند: قم‌نامه، نگارش سیدحسین مدرسی طباطبایی، کتابخانه مرعشی (قم، ۱۳۶۴) ۴۱۳ ص.

گذشته از اینها از برخی منابع و مأخذ تواریخ محلی که هنوز به شکل نسخه‌های خطی یا چاپ سنگی هستند، نباید غافل بود. از جمله بضاعة مزاجه (در تاریخ شوشتر و دزفول)، «آثار جعفری» (در تاریخ و جغرافیای فارس) و...

در خاتمه این گفتار نباید از یادآوری یک نکته مهم درباره

فارسنامه ناصری (قرن ۱۴).

آرشیوهای محلی و منابع مکمل:

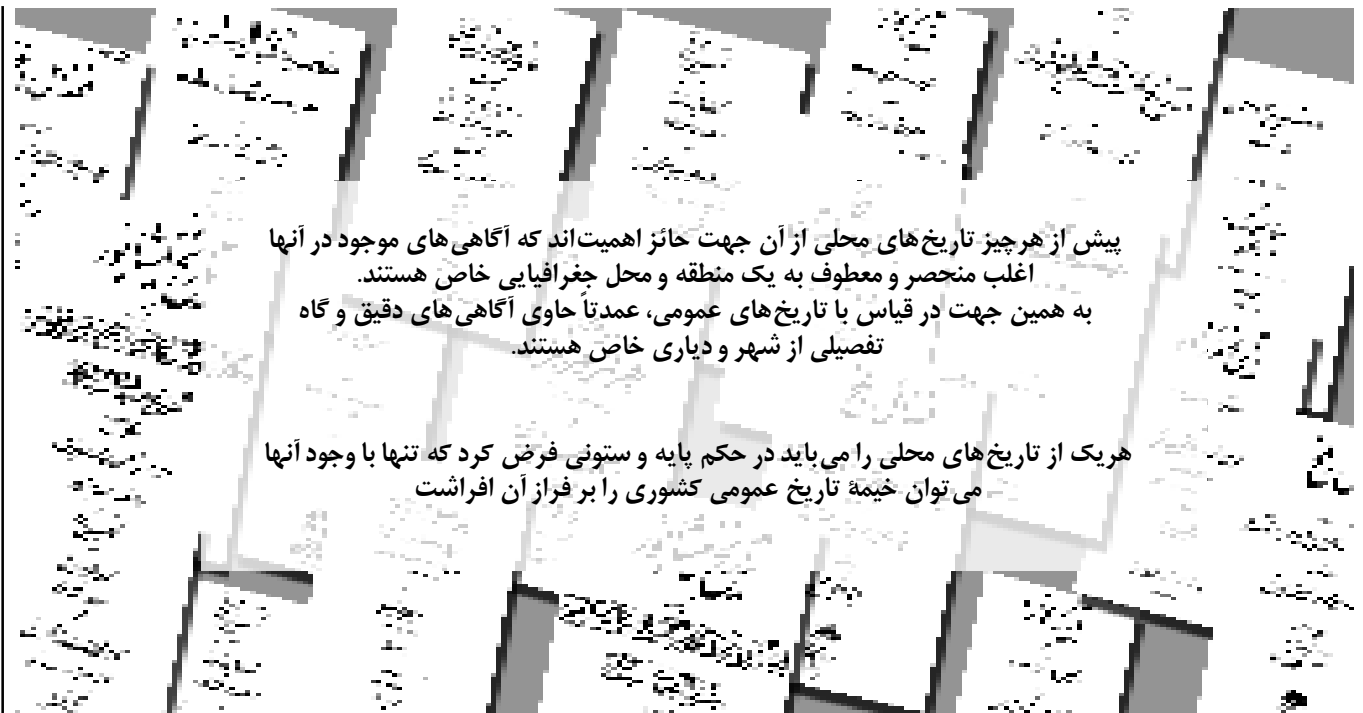
اگرچه تواریخ محلی منابع سودمندی برای کسب آگاهی‌های محلی - منطقه‌ای محسوب می‌شوند ولی با این حال رجوع صرف به آنها برای محقق وافی به مقصود نخواهد بود. به نظر می‌رسد که برای نیل به مقصود از دو دسته منابع دیگر که نقش مکمل دارند نباید غفلت ورزید. یکی منابع «جغرافیای تاریخی» که تقریباً همزاد و همسنگ تاریخ‌های محلی‌اند و دیگر «سفرنامه‌ها» که از قرن چهارم نخستین نمونه‌های آنها به رشته نگارش درآمدند. اگر بپذیریم که «سفرنامه‌ها جزء منابع جغرافیایی به حساب می‌آیند.»^{۲۳} و از طرف دیگر «تواریخ محلی به منزله متون جغرافیایی از اهمیت شایانی برخوردارند.»^{۲۴} و همچنین منابع جغرافیای تاریخی نیز به نوبه خود حاوی آگاهی‌های درخور توجه تاریخی‌اند، بنابراین می‌توان، دقیقاً از مکمل بودن این سه دسته منابع سخن گفت و بر این امر تأکید ورزید که کسب آگاهی‌های همه‌جانبه از تاریخ منطقه، ناحیه و شهری خاص عمدتاً مستلزم بهره‌گیری از این سه دسته منابع است.^{۲۴}

در پایان این گفتار، اشاره به این نکته ضروری است که کتابشناسی حاضر به هیچ‌رو دربرگیرنده تمام منابع مربوط به تاریخ‌های محلی نیست،^{۲۵} بلکه گزیده امهات منابع مذکور است. برای نمونه در این کتابشناسی از کتب «مزارات» که گونه‌ای از انواع تواریخ محلی به شمار می‌روند، تنها به پنج مورد اکتفاء شده و یا از تواریخ مربوط به خراسان بزرگ یا کردستان، به چند مورد بسنده شده است. با این حال از آنجا که منابع، بنابر موضوعی واحد و مشخص و با رعایت ترتیب قرون هجری، تنظیم یافته است شاید بتواند تاحدی اهمیت و جایگاه منابع مربوط به تواریخ محلی را، در میان دیگر منابع و مأخذ تاریخی روشن سازد.

باز هم اشاره به نکته‌ای دیگر خالی از فایده نیست و آن این که منابع تواریخ محلی را نباید تنها به کتابها محدود کرد

ارزشمندی درخصوص اقتصاد زراعی، ملک‌داری، نظام آبیاری، و نیز فصولی درباره روند مهاجرت اعراب و استقرار آنها در این شهر و از این قبیل مسائل است یا تاریخ نیشابور اگرچه درباره یک شهر غیرمذهبی به نگارش درآمده است اما با این حال جز بخش کمی از آن که به تاریخ و جغرافیای شهر مربوط است، عمده مطالب دیگر آن حول محور رجال و بزرگان دین است. مؤلف در این کتاب اسامی ۲۶۸۰ تن از بزرگان و عالمان دین را که از نیشابور برخاسته‌اند در هشت طبقه یا گروه دسته‌بندی کرده است که با جمع صحابه آغاز می‌شود و به دانشمندان هم عصر مؤلف ختم می‌شود. بی‌جهت نیست که این اثر را در زمره «کُتب طبقات» خوانده‌اند.^{۲۶} باز برای نمونه‌های دیگر می‌توان به تاریخ بیهق اشاره کرد که از جهت تنوع محتوایی، اثری است بسیار جالب و درخور توجه. کتاب با بیان ارزش و فواید علم تاریخ آغاز می‌شود. به ارائه مختصر کلیات تاریخ دین می‌پردازد و سپس گزارش‌های خود را با ذکر رویدادهای مهم شهر بیهق و افزودن پاره‌ای تأملات فلسفی - اخلاقی در باب فساد و تباهی دنیا، به پایان می‌برد. و چون به تبار عربی خود تفاخر می‌کند به دسته‌بندی افراد عرب تبار بیهق می‌پردازد. چون بیهق سرزمین شعر و ادب بوده است، از آوردن افرادی از این شهر که به فارسی شعر سروده‌اند خودداری نمی‌کند و همچنین به ذکر تک تک اسامی بزرگانی که از این شهر برخاسته‌اند می‌پردازد. بنابراین چنان که پیداست تاریخ بیهق به لحاظ تنوع محتوایی که واجد آن است، به هیچ‌رو در تقسیم‌بندی پیش گفته نمی‌گنجد. درست به همین دلیل است که روزنتال درباره این کتاب می‌نویسد: «تاریخ بیهق کتابی پرپار و غنی است و به سادگی نمی‌توان آن را در ده‌های خاص جای داد.»^{۲۷}

البته چنین ویژگی تنها محدود و منحصر به تواریخ محلی قرون متقدم نیست چرا که تواریخ محلی قرون دیرتر، حتی قرون متأخر نیز دقیقاً واجد چنین ویژگی‌اند. محض نمونه: کتاب فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن (قرن ۱۱)، جامع مفیدی (قرن ۱۱)، مطلع‌الشمس یا تاریخ ارض اقدس (قرن ۱۳) و (۱۱)



پیش از هر چیز تاریخ‌های محلی از آن جهت حائز اهمیت‌اند که آگاهی‌های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند. به همین جهت در قیاس با تاریخ‌های عمومی، عمدتاً حاوی آگاهی‌های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

هریک از تاریخ‌های محلی را می‌باید در حکم پایه و ستونی فرض کرد که تنها با وجود آنها می‌توان خیمه تاریخ عمومی کشوری را بر فراز آن افراشت

را به انگلیسی ترجمه کرد و در سال ۱۹۷۲ م. منتشر ساخت. پاره‌ای از محققان و ایران‌شناسان هندی نیز در سده نوزدهم به تصحیح و انتشار تاریخ‌های محلی توجه خاص نشان دادند. از چند موردی که در کتابشناسی حاضر ذکر آنها رفته است یکی کتاب تذکره شوشتر است که در سال ۱۸۴۸ م. توسط خان بهادر مولی‌بخش و محمد هدایت حسین تصحیح و از سوی جامعه آسیایی بنگال چاپ شده است.

ایران‌شناسان ایرانی و تاریخ‌های محلی:

چنان‌که از کتابشناسی حاضر برمی‌آید، محققان تاریخ و ادب این مرز و بوم تنها از دهه ۱۳۱۰ شمسی به تصحیح و انتشار تاریخ‌های محلی اهتمام ورزیده‌اند. از نخستین کسانی که به تصحیح تواریخ محلی همت گماشتند از سه استاد در گذشته - که رحمت خدا بر آنها باد، یاد باید کرد: بهمن کریمی (تصحیح شیرازنامه، ۱۳۱۰ ش) سیدجلال‌الدین طهرانی (تصحیح تاریخ قم، ۱۳۱۳)، ملک‌الشعرای بهار (تصحیح تاریخ سیستان، ۱۳۱۴). بعد از این سه تن که در دهه ۱۳۱۰ با انتشار آثار یاد شده پرداختند، عمدتاً از دهه ۲۰ به بعد توجه به تصحیح تواریخ محلی بیشتر شد. مرحومان علامه قزوینی و عباس اقبال و تنی چند از استادان دیگر که نامشان در این کتابشناسی آمده است، در امر تصحیح تاریخ‌های محلی کوشا بوده‌اند. از استادان دانشمندی که اکنون در قید حیات‌اند و انشاءالله خداوند بر عمر آنها بیفزاید، چهار تن بیش از دیگران به تصحیح و نشر تواریخ محلی اهتمام ورزیده‌اند. استادان دانشمند ایرج افشار، باستانی پاریزی، احمد اقتداری و منوچهر ستوده. این مقاله ناچیز را به رسم ادب و تواضع به محضر این اساتید بزرگوار که به حق از خادمان واقعی تاریخ این مرز و بوم بوده‌اند تقدیم می‌کنم.

* * *

و رویان و مازندران را در سال ۱۸۵۰ م. تاریخ خانی را در ۱۸۵۷ م. تاریخ گیلان را در ۱۸۵۸ م. تصحیح و بامقدمه و حواشی به زبان آلمانی در پترزبورگ منتشر کرد؛ تاریخ بخارا را در سال ۱۸۸۳ م. توسط شارل شفر (Charles Schefer) و در سال ۱۸۹۷ م. توسط لیکوشین تصحیح و به فرانسه و روسی ترجمه شد. همین کتاب در سال ۱۹۵۴ م. توسط ریچارد فرای (Richard Frey) به انگلیسی ترجمه و انتشار یافت. شرفنامه بدلیسی در سال ۱۸۶۰ م. توسط ولیامینوف زرنوف (Veliaminof Zernof) تصحیح و به روسی ترجمه شد و بعد از او مستشرقان دیگری نظیر ولوکف (Volkov) شفر (Schefer)، مورلی (Morlay) و بارب (Barb) کتاب مزبور را به زبانهای مختلف اروپایی ترجمه و منتشر ساختند. همچنین ادوارد براون (E.G. Browne) قسمت‌هایی از ترجمه محاسن اصفهان را در سال ۱۹۰۱ م. و تاریخ طبرستان را در سال ۱۹۰۵ م. به انگلیسی ترجمه و منتشر ساخت. مستشرق و اسلام‌شناس سوئیسی - ددرینگ (Dedering) - کتاب ذکر اخبار اصفهان را در سال ۱۹۳۱ م. در دو جلد همراه با پیشگفتاری به آلمانی در لیدن منتشر ساخت. ولادیمیر مینورسکی (V.F. Minorsky) نیز در سال ۱۹۵۸ م. تاریخ شروان و دربند (نقل از کتاب جامع الدول منجم باشی) را چاپ کرد. وی در سال ۱۹۵۵ م. پژوهش‌هایی درباره تاریخ قفقاز به همراه بحثی درباره تاریخ گنجه و مطالبی از جامع‌الدول منجم‌باشی منتشر ساخته بود.

باربیه دومینار (Barbier De meynard) نیز برای نخستین بار به ارزش و اهمیت روایات الجنات فی اوصاف مدینه هرات پی برد و آن را در مجله آسیایی معرفی کرد و سپس بعضی مطالب آن را به فرانسه ترجمه و دو فصل از آن را چاپ کرد. چارلز ریو (Charles Rieu) نیز در فهرست مخطوطات فارسی موزه بریتانیا شرحی در معرفی کتاب و شمه‌ای در احوال مؤلف نوشت. هوتسما (Houtsma) تواریخ آل سلجوق را تصحیح و به فرانسه ترجمه و در لیدن منتشر ساخت. هربرت بوسه (Herbert Buse) متن کامل فارسنامه ناصری

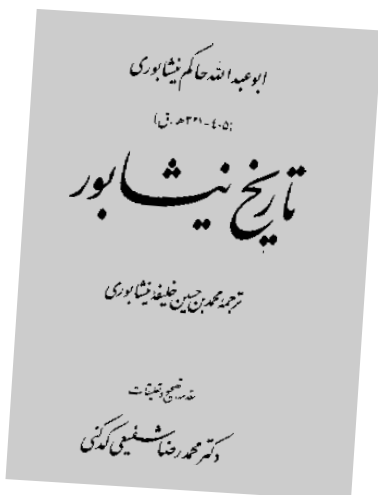
برخی از تاریخ‌های عمومی که گاه محتوی بر پاره‌ای اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به شهر و دیاری خاص هستند غفلت ورزید، چرا که در لابه‌لای برخی از تواریخ عمومی بعضاً اطلاعات سودمندی از سنخ آنچه که در تواریخ محلی می‌توان یافت، بدست می‌آید. چنان‌که مرحوم زنده‌یاد زرین‌کوب، درباره یکی از تاریخ‌های عمومی - تاریخ سنی ملوک‌الارض والانبیاء - اثر حمزه اصفهانی (متوفی ۳۶۰) اظهار داشته‌اند که این اثر به جهت اشتمال بر معلومات سودمند در باب تاریخ خراسان و طبرستان در تحقیق تاریخ ایران بعد از اسلام اهمیت دارد. (ر. ک: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸).

همچنین نباید از برخی تاریخ‌های دودمانی - سلسله‌ای که بعضاً حاوی اطلاعاتی پراکنده در باره قلمرو جغرافیایی تحت حاکمیت سلسله‌ای خاص هستند غفلت ورزید (نظیر تاریخ آل مظفر از کتبی، مواهب الهی در تاریخ آل مظفر از معلم یزدی، تاریخ ملوک شایانکاره از معین‌الدین نطنزی).

ایران‌شناسان اروپایی و تاریخ‌های محلی:

راقم این سطور پیش از این در مقدمه «کتابشناسی جغرافیای تاریخی اسلام و ایران» (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۱) یادآور شده بود که از اوایل قرن نوزدهم میلادی خاورشناسان اروپایی اقبال زائدالوصفی به شناسایی، تصحیح، ترجمه و انتشار منابع جغرافیای تاریخی اسلام و ایران از خود نشان دادند، و درست پیش از یک سده بعد از آنان، آنهم در برخی از کشورهای اسلامی، محققان و مصححان مسلمان به فکر شناسایی، تصحیح و انتشار منابع مذکور افتادند، همین امر در خصوص تصحیح، ترجمه و انتشار منابع و متون تاریخ‌های محلی هم صدق می‌کند، چنان‌که از همین کتابشناسی حاضر نیز برمی‌آید نخست مستشرقان اروپایی امهات منابع و متون تاریخ‌های محلی را شناسایی و تصحیح کردند و با مقدمه و حواشی و تعلیقات عالمانه و مفید منتشر ساختند و حتی برخی از آنها را به پاره‌ای از زبان‌های اروپایی نیز ترجمه کردند محض نمونه: برنهارد دارن (Bernhard Dorn) تاریخ طبرستان





الطبعة الاولى، حیدرآبادالدکن، ۱۳۶۹ ق = ۱۹۵۰ م، لد [=] ۲۸ ص [۵۱۷ + ۲۱۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل مصحح (الف - لد [=] ۲۸ ص). متن کتاب (ص ۵۱۷-۱)، فهرست اعلام علماء جرجان والواردین علیها (ص ۱۱۶-۲)، فهرست بقيةالاعلام فی تاریخ جرجان (ص ۲۱۹-۱۱۷).

توضیح: سهمی (تولد در حدود ۳۴۵ - درگذشت ۴۲۷ ق) از دانشمندان بزرگ قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری قمری است که تألیفات متعددی از خود بجا گذاشته است. یکی از معروفترین آثار او تاریخ جرجان [گرگان] است.

کتاب متضمن دو مبحث اصلی است: ۱ - مطالب و وقایع تاریخی، ۲ - تراجم یا شرح حالها. بخش اخیر قسمت عمده کتاب را شامل می‌شود. در این قسمت حدود ۱۰۲۰ شرح حال از علماء، فقها، روایان حدیث، مفسرین، مصنفین، حافظان بزرگ قرآن، و تعداد زیادی احادیث، حکایات و روایات از کسانی که وارد جرجان شده و به تدریج جرجانی شده‌اند و از اهالی خود جرجان و یا از کسانی که جرجانی بوده و به بلاد دیگر رفته‌اند ارائه شده است که همه این

تراجم به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. «سهمی از ذکر تراجم زنان غفلت نکرده و «شرح مجملی از زندگی زنان نام‌آور و دانشمند جرجان را ارائه می‌دهد.» (عطاران، ص ۲۱) کتاب علاوه بر آگاهی‌های فراوان راجع به تراجم احوال، دربردارنده اطلاعات ارزشمندی از تاریخ گرگان در

قرون نخستین اسلامی است. از جمله: ذکر فتح گرگان، ذکر ورود اصحاب پیامبر (ص) و تابعین به گرگان، ذکر نسب یزیدبن مهلب و اولاد او، ذکر عمال بنی‌امیه و ... کتاب حاضر علیرغم ارزش و اهمیت زیاد و فواید بسیار متأسفانه هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است. مصحح محترم، کتاب حاضر را از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه بودلیان دانشگاه آکسفورد تصحیح و در حیدرآباد

هند منتشر کرده است. ۵ - ابونعیم، احمدبن عبدالله (مشهور به حافظ ابونعیم اصفهانی): ذکر اخبار اصفهان^۱، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ۸۳۶ ص. کتاب حاضر مشتمل است بر مقدمه‌ای بسیار مفصل در

سه بخش (ص ۱۱۰-۱۳)، متن کتاب (ص ۸۰۷-۱۱۱)، مأخذ مترجم و فهرست تفصیلی اسامی رجال (ص ۸۳۶-۸۰۸). توضیح: سراسر زندگی دیرپای حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰-۳۳۶ ق) با طووع و اقول سلسله ایرانی نژاد و شیعی مذهب آل بویه (۴۴۸-۳۲۲ ق) مقارن بوده است. او از دانشمندان برجسته علوم دینی و نویسنده معروف احوال صوفیان و محدثان در نیمه دوم سده چهارم و نیمه نخست

سده پنجم هجری است که برای تحصیل دانش‌های رایج روزگار به عراق و حجاز و خراسان و گرگان سفرها کرده و از حلقه درس عالمان بلاد بهره‌ها برده و در بازگشت به

نیشابور آمده‌اند... (ص ۱۷ و ۱۶). مؤلف در این کتاب اسامی ۲۶۸۰ تن از بزرگان برخاسته از نیشابور راه در هشت طبقه یا گروه دسته‌بندی کرده که با جمع صحابه آغاز و به دانشمندان هم عصر مؤلف ختم می‌شود. (ص ۱۹)

بعد از بخش رجالی کتاب، بخش بسیار مهم و ارزشمند تاریخی و جغرافیائی آن آمده است. این بخش حاوی بیشترین اطلاعات موجود درباره پیشینه نیشابور قبل از اسلام و ساختار شهر و رستاق‌ها و دیه‌های پیرامون آن و میدان‌ها و محلات و کوچه‌ها و مقابر و مساجد و دیگر ابنیه آن است (ص ۲۱-۲۰).

این اثر نخستین بار با سعی و اهتمام مرحوم دکتر بهمن کریمی در سال ۱۳۳۹ شمسی انتشار یافت. این چاپ علیرغم زحمات بسیار مصحح آن، اشکالات عدیده‌ای داشت که استاد شفیع کدکنی بر برخی از آنها اشاره کرده است (ص ۵۲)

همچنین ریچارد فرای در سال ۱۹۶۵ این کتاب را همراه با دو اثر دیگر درباره نیشابور (السیاق عبدالغافر فارسی و منتخب کتاب السیاق صریفینی) به صورت عکسی منتشر کرده است. گفتنی است که مبنای این هر سه چاپ، نسخه عکسی محفوظ در کتابخانه بورسای ترکیه بوده است. چاپ حاضر با

دقت و وسواس فراوان و در طول چند سال کار صعب و طاقت‌فرسا به شایسته‌ترین شکل ممکن فراهم آمده است. مصحح دانشمند این اثر در بخشی از مقدمه به ذیل‌هایی که بر تاریخ نیشابور نوشته شده نیز اشاره کرده‌اند. از جمله دو

ذیل که خوشبختانه یکی از آنها به تمامی و دیگری به گونه ناقص باقی مانده است. این دو عبارتند از: السیاق یا سیاق التاريخ یا السیاق التاريخ نیشابور^۲ از عبدالغافر فارسی (۵۲۹-۴۵۱ ق) و تلخیص آن به عنوان المنتخب من السیاق که تقی‌الدین ابواسحاق ابراهیم الصریفینی (۶۴۱-۵۸۱ ق) آن را فراهم آورده است. از اصل نوشته عبدالغافر بخشی که شامل زندگی‌نامه کسانی است که نامشان حسن است تا آخر کتاب باقی مانده است و از تلخیص یا منتخب آن که تألیف صریفینی است نسخه‌ای کامل موجود است که تصحیح و

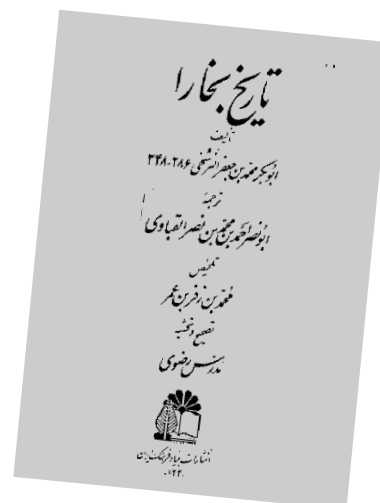
انتشار یافته است (ر. ک: اعداد: محمدکاظم المحمودی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش / ۱۴۰۳ ق. پانزده + ۸۶۳ ص)

این هر دو کتاب تماماً به زبان عربی است و فقط شامل زندگینامه دانشمندان است که از نیشابور برخاسته‌اند یا در نیشابور بوده‌اند (ص ۵۴).

۴ - السهمی، حمزه‌بن یوسف: تاریخ جرجان او کتاب معرفة علماء اهل جرجان^۳، به تصحیح شیخ عبدالرحمان الیمانی، مطبوعه مجلس دائرة المعارف العثمانیه،

کتابهای پیشنهادی:

۱ - ابونعیم، احمدبن عبدالله (مشهور به حافظ ابونعیم اصفهانی): ذکر اخبار اصفهان^۱، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ۸۳۶ ص. کتاب حاضر مشتمل است بر مقدمه‌ای بسیار مفصل در سه بخش (ص ۱۱۰-۱۳)، متن کتاب (ص ۸۰۷-۱۱۱)، مأخذ مترجم و فهرست تفصیلی اسامی رجال (ص ۸۳۶-۸۰۸). توضیح: سراسر زندگی دیرپای حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰-۳۳۶ ق) با طووع و اقول سلسله ایرانی نژاد و شیعی مذهب آل بویه (۴۴۸-۳۲۲ ق) مقارن بوده است. او از دانشمندان برجسته علوم دینی و نویسنده معروف احوال صوفیان و محدثان در نیمه دوم سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم هجری است که برای تحصیل دانش‌های رایج روزگار به عراق و حجاز و خراسان و گرگان سفرها کرده و از حلقه درس عالمان بلاد بهره‌ها برده و در بازگشت به



{الیفات قرن چهارم

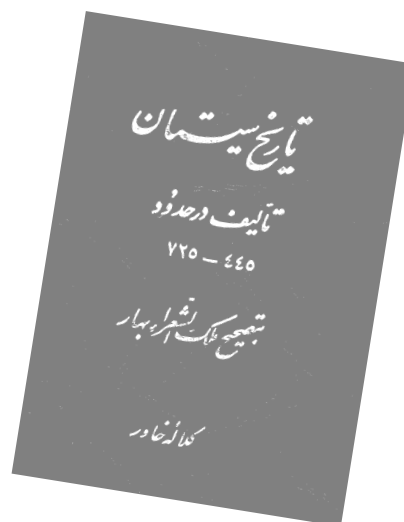
۱ - نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر: تاریخ بخارا، ۳۷ ترجمه: ابونصر احمدبن محمدبن نصرالقبای، تلخیص: محمدبن زفر بن عمر، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، [چاپ دوم]، تهران، ۱۳۵۱، سی و یک + ۴۴۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص. سیزده - سی و یک)، متن کتاب (ص ۱۳۷-۳)، حواشی و تعلیقات (ص ۳۸۵-۱۴۱)، فهرست لغات نادر و فهرست اعلام (ص ۴۴۵-۲۸۹).

توضیح: درباره زندگی نرشخی (۳۴۸-۲۸۶ ق) و چگونگی زندگانی او اطلاع بسیار اندکی در دست است. او معاصر شاهان سامانی بوده و تا پس از وفات ابومحمد نوح بن نصر سامانی (حکومت: ۳۴۳-۳۳۱ ق) در قید حیات بوده و کتاب خود را به امیر نوح تقدیم کرده است. (ص. پانزده). کتاب تاریخ بخارا در اصل عربی بوده، اما تقریباً دو قرن پس از تألیف، یعنی در سال ۵۲۲ ق با تصرفاتی به فارسی ترجمه شده است. مترجم «قسمتی از مطالب کتاب را که ملالت آور و بی‌اصل می‌پنداشته، و در ذکر آن سودی نمی‌دیده است در ترجمه کتاب انداخته است. و به جای آن اطلاعات و اخبار مفیدی از دیگر کتب مانند کتاب خزائن العلوم نیشابوری و کتب دیگر بر ترجمه خویش افزوده است.» و باز در سال ۵۷۴ (یعنی پنجاه و دو سال بعد) محمدبن زفر بن عمر ترجمه قبای را تلخیص کرده است. نسخ متعدد همین تلخیص است که اکنون موجود است و مبنای تصحیح و تحقیق، مصححان و محققان بوده است.

کتاب تاریخ بخارا از جمله مهمترین و معروفترین تاریخ‌های محلی ایرانی است که نکات تاریخی آن برای روشن شدن گذشته قسمتی از ایران سودمند، و شامل حقایقی چند از اوضاع و احوال پایتخت سامانیان است که کمتر در جای دیگر آنها را می‌توان یافت.

تاریخ بخارا نخستین بار توسط شارل شفر (Charles Schefer) با حواشی دقیقی به فرانسه ترجمه و در ۱۸۸۳ (بخشی از آن) و در ۱۸۹۲ میلادی به طور کامل به چاپ رسیده است (۲۹۱ ص. متن کتاب + I - IV (= ۴) صفحه مقدمه به فرانسه). در سال ۱۸۹۷ میلادی مستشرق روسی، ن لیکوشین در تاشکند آن را به روسی ترجمه و منتشر نمود. در سال ۱۹۵۴ میلادی مستشرق معروف ریچارد. ن. فرای آن را به انگلیسی ترجمه و با یادداشت‌های سودمند منتشر ساخت. استاد مدرس رضوی بار اول در سال ۱۳۱۷ شمسی با بهره‌گیری از سه نسخه و بار دوم در ۱۳۵۱ با استفاده از سه نسخه دیگر مبادرت به تصحیح این اثر نمود و با حواشی و تعلیقات مفصل (تقریباً دو برابر



متن اصلی کتاب) آن را منتشر ساخت.
۲ - قمی، حسن بن محمدبن حسن: تاریخ قم (تألیف ۳۷۸ ق)، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به تصحیح سیدجلال‌الدین طهرانی، مطبعه مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۱۳، چاپ دوم، توس، تهران، ۱۳۶۱، ۳۵۱ ص.
کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه مصحح، مقدمه مترجم و مؤلف (ص ۱۹-۲)، متن کتاب (ص ۳۰۵-۲۰) فهرست‌های راهنما (ص ۳۵۱-۳۰۷).

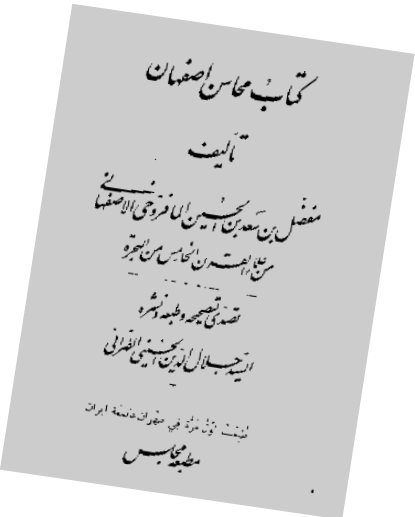
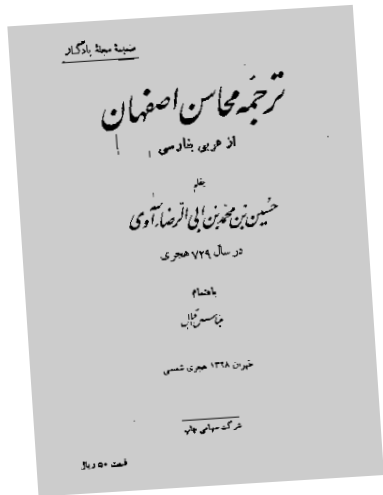
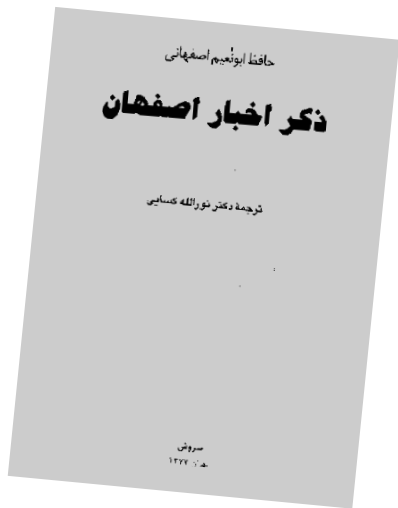
توضیح: مؤلف کتاب حاضر که از شاگردان شیخ صدوق و برادرش، حسین بن علی بن بابویه قمی بوده، در زمره نویسندگان قرن چهارم هجری قمری است که در نیمه اول این قرن در قم به دنیا آمده است. وی مردی دانشمند بوده و در دستگاه صاحب‌بن عبّاد، وزیر آل بویه راه داشته و برادرش نیز از کاتبان دیوان بوده است. مؤلف، این اثر را در سال ۳۷۸ ق به تشویق صاحب‌بن عبّاد اسمعیل کافی الکفاة، در عصر فخرالدوله دیلمی به عربی تألیف نموده که در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ ق به فارسی ترجمه شده است. اصل متن عربی کتاب مشتمل بر بیست و پنج باب و پنجاه فصل بوده که از میان رفته و تنها پنج باب از ترجمه آن در دست است. با این حال، این اثر از نفایس کتب تاریخ محلی است که مشتمل بر فوائد بسیاری می‌باشد، بویژه از جهت اشتمال بر اطلاعات مهم درباره اقتصاد زراعی، نظام زمین‌داری، شیوه آبیاری، میزان خراج و نحوه مهاجرت اعراب به قم و استقرار آنها در آن شهر و حوالی آن.

۳ - ابوعبدالله حاکم نیشابوری: تاریخ نیشابور، ترجمه و تلخیص محمدبن حسین خلیفه نیشابوری، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ۴۱۰ ص

کتاب مشتمل بر پیشگفتار و مقدمه مصحح (ص ۵۸-۱۳)، متن کتاب (ص ۲۳۴-۶۱) تعلیقات (ص ۳۳۲-۲۳۵)، فهرست‌ها (شامل ۸ مورد) و مشخصات مراجع مصحح (ص ۴۱۰-۳۳۶).

توضیح: حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱ ه. ق) - چنان که شهرت دارد - بیش از هفتاد سال از عمر خود را صرف تحصیل، تدریس و تألیف نموده است. او آثار متعددی داشته، از جمله تاریخ نیشابور که ظاهراً در ۱۲ جلد تألیف نموده است. اگرچه اصل این اثر به دست نیامده؛ اما استفاده مؤلفان بعد از او از این کتاب نشان می‌دهد که اثرش از شهرت و اعتبار به‌سزایی برخوردار بوده است. امروزه آنچه از این اثر بزرگ باجمانده ترجمه و تلخیصی است که در قرن هشتم صورت گرفته است.

بخشی از این کتاب، تاریخ نیشابور است به معنی دقیق کلمه و بخشی نیز مشتمل است بر احوال جمعی از دانشمندان نیشابور در چهار قرن اول عصر اسلامی و نیز دانشمندان که از نقاط مختلف ایران بزرگ، برای تحصیل یا تدریس به



اصفهان: تصحیح سید جلال‌الدین الحسینی الطهرانی، مطبوعه مجلس، د + ۱۴۳ + رساله‌الارشاد فی احوال الصحاب الکافی اسمعیل بن عبّاد (المتوفی ۳۸۵ ق)، السید الجلیل ابی القاسم احمد بن محمد الحسنی الحسینی القوبائی الاصفهانی، الفهافی سنة ۱۲۵۹ القمریه و تصدی لتصحیها و طبعها و نشرها السید جلال‌الدین الطهرانی، طهران عاصمة ایران، طبع في مطبعة المجلس (ص ۱-۵۶)

تصحیح حاضر، ترجمه آزادی است از متن رساله محاسن اصفهان با اضافات بسیار و جرح و تعدیلات کثیری که از طرف مترجم در متن عربی صورت گرفته است. ترجمه در سال ۷۲۹ ق پایان یافته و از طرف مترجم به وزیر معروف سلطان ابوسعید بهادرخان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی تقدیم شده است. مترجم ترتیب اصلی متن محاسن را در ترجمه رعایت نکرده بلکه مطالب آن کتاب را به میل خود در طی هشت باب مرتب ساخته و هر مطلب از آن کتاب را که خواسته پس و پیش کرده و از خود نیز فواید بسیاری، بخصوص راجع به دوره آخری حکومت ایلخانان بر ایران، افزوده است (ص.ه)

مرحوم اقبال هدف از نشر این کتاب را چنین دانسته است: «اقدام به نشر این کتاب از طرف ما البته از آن نظر نبوده است که یکی از نمونه‌های خوب انشاء فارسی را در دسترس خوانندگان گرامی قرار دهیم، بلکه بیشتر ترجمه به این کتاب از بابت احتوای آن بر مطالب تاریخی و جغرافیایی مهمی است که عین یا نظیر آنها در هیچ کتاب دیگر به دست نمی‌آید...» (ص.ه) همان‌گونه که مرحوم اقبال نیز در مقدمه اشاره کرده است، نخستین کسی که به اهمیت ترجمه محاسن اصفهانی پی برد و آن را معرفی کرد پروفسور براون بود که در سال ۱۹۰۱ م. با بهره‌گیری از دو نسخه از این کتاب که در لندن و پاریس موجود بود، ترجمه خلاصه‌مانندی از آن به زبان انگلیسی منتشر کرد (ص.و) مشخصات این چاپ چنین است:

Account of a rare manuscript: History of Presented to the Royal Asiatic Society ۱۸۲۷, By Sir John Malcolm, And now Isfahan. by Edward G. Browne. PP ۴۱۱-۴۴۶: on May ۱۹. ۶۶۱-۷۰۴. described

[Extract from the Journal of the Royal Asiatic Society october, ۱۹۰۱.]

۷- مؤلف گمنام: تاریخ سیستان^{۳۳} (تالیف در حدود ۴۴۵-۷۲۵ ه.ق.) به تصحیح ملک الشعراء بهار، موسسه خاور، تهران، ۱۳۱۴، لو + ۴۸۷ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل مصحح (الف) - لو [= ۳۶ص.]، متن اصلی کتاب (ص ۳۸۲-۱) بخش

اصفهان تا دیرگاهی که در قید حیات بوده، به تألیف آثار بسیار و تعلیم انبوه شاگردان پرداخته است (ص ۱۳) او اثر حاضر را در حدود سال‌های ۴۲۰-۴۱۹ قمری به پایان رسانیده است (ص ۴۹) این اثر در واقع نمونه تقلیدگونه اما مفصل و بدیع‌تر از کتاب طبقات المحدثین باصفهان والواردین علیها تألیف ابوالشیخ اصفهانی (م ۳۶۹ ق)، از مشایخ حدیثی ابونعیم است (ص ۵۰) چنان که پیداست کتاب حاضر علیرغم عنوان آن، کتابی سراسر تاریخی نیست. «بخش عمده مطالب، ذکر محدثان و روایت حدیث یا احادیث از کسانی است که اصفهانی بوده یا به اصفهان آمده و در این شهر حدیث گفته یا حدیث شنیده‌اند، و تنها بخش کوتاهی از آغاز کتاب به ذکر اخبار جغرافیایی - تاریخی، فضائل، فتح اصفهان به دست نومسلمانان عرب و نیز صحابه‌ای که از اصفهان دیدن کرده‌اند، اختصاص یافته است» (ص ۱۰۹).

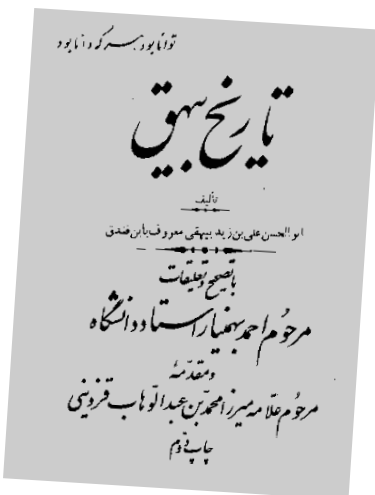
برای آگاهی از فواید تاریخی، جغرافیایی و زبان‌شناختی این اثر بنگرید به مقاله مفصل علی اشرف صادقی تحت عنوان مقایسه و رابطه کتاب ذکر اخبار اصفهان با کتاب طبقات المحدثین تألیف ابوالشیخ اصفهان، که به صورت بخش دوم مقدمه همین اثر آورده شده است (صص ۱۰۰-۵۹).

گفتنی است که کتاب حاضر نخستین بار به کوشش یکی از اسلام‌شناسان و مستشرقان سوئیسی به نام ددرینگ (Dedering) در سال ۱۹۳۱ میلادی در لیدن هلند در دو مجلد انتشار یافته است. پیشگفتار آلمانی ددرینگ بر این کتاب توسط استاد محمد مجتهد شبستری ترجمه و در مقدمه چاپ حاضر آورده شده است (صص ۵۸-۵۲).

۶- مافرّوخی اصفهانی، مفضل بن سعد: ترجمه محاسن اصفهان (تألیف بین سالهای ۴۸۵-۴۶۵ ق)، ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضا آوی (در سال ۷۲۹ ق)، به اهتمام عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، تهران، ۱۳۲۸، ز + ۱۶۸ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه عباس اقبال (الف) - ز [= ۵ص.]، متن کتاب (ص ۱۴۶-۱)، فهرست‌های متعدد و حواشی و ملاحظاتی (ص ۱۶۸-۱۴۷).

توضیح: مؤلف این اثر از نویسندگان عصر جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (حکومت: ۴۸۵-۴۶۵ ق) و روزگار حکمرانی پسر ارشد خواجه نظام‌الملک، نصره‌الدین ابوالفتح فخرالملک (۴۳۴-۵۰۰ ق) بر اصفهان بوده است. محاسن اصفهان، کتابچه‌ای است به زبان عربی در وصف اصفهان و ذکر محاسن پاره‌ای از فواید تاریخی و جغرافیایی و ادبی زادگاه نویسنده که به ضمیمه رساله‌الارشاد در احوال صاحب‌بن عبّاد انتشار یافته است. (ر.ک: کتاب محاسن



از این اثر تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: تاریخ بیہقی، به تصحیح و مقدمه انگلیسی قاری سیدکلیم اللہ حسینی، چاپخانه دایرة المعارف العثمانیہ (حیدرآباد، ۱۹۶۸م)، کو + ۶۱۰ ص، ... پیشگفتار و مقدمه انگلیسی.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - کو = ۲۶ ص)، متن کتاب (ص ۵۱۴-۱)، فهرست های راهنما شامل سه مورد (ص ۶۱۰-۵۱۵)، پیشگفتار و مقدمه انگلیسی (۱-۶۵+ IX - I)

توضیح: ابن فندق (۵۶۵-۴۹۰ ه.ق) در زمره یکی از دانشمندان بزرگ قرن ششم به شمار می رود که از میان تالیفات بسیار زیاد او (برای فهرست دهها اثر او بنگرید به پایان مقدمه انگلیسی مذکور (۶۵-۶۲ P) متأسفانه تنها دو سه مورد باقی مانده است. یکی از آنها همین تاریخ بسیار معروف او یعنی تاریخ بیہقی است.

بیہقی نام قدیم ناحیہ ای است از خراسان که سبزوار حالیہ شهر عمدہ آن است. کتاب حاضر تاریخ این ناحیہ از ایران و تراجم مشاہیر رجالی است کہ بدانجا منسوبند و نیز تا اندازہ ای در بردارندہ جغرافیای این ناحیہ است. برای آگاهی بیشتر از کم و کیف مطالب این اثر عناوین برخی از ابواب ذکر می شود: در فواید تاریخ، در بیان حاجتمندی ملوک و امرا بہ علم تاریخ، در بیان ولایات جهان، در فضایل بیہقی، در اشتقاق لفظ بیہقی و حدود و بخش های (ارباع) آن و دیہ های ہر بخش، در بیان بنای سبزوار و وقایع عظام کہ اینجا افتادہ است، در ذکر خاندان های قدیم و شریف در این ناحیت، در اسامی بزرگانی کہ از ناحیت بیہقی برخاستہ اند، در وقایع دو سال اخیر مقارن ختم کتاب و ... گفتنی است کہ تصحیح استاد بہمنیار از روی عکس دو نسخہ موجود در کتابخانہ موزہ لندن و کتابخانہ برلین انجام گرفته است اما قاری سیدکلیم اللہ علاوہ بر این دو نسخہ، از نسخہ دیگری کہ در کتابخانہ تاشکند موجود بودہ نیز بہرہ بردہ و با مقابلہ سہ نسخہ اثر حاضر را تصحیح نمودہ است علاوہ بر این مزیت و فایدہ مہم دیگر این چاپ، مقدمہ ارزشمند و مفصلی است کہ مصحح بہ زبان انگلیسی راجع بہ مولف و کتاب نوشتہ و بہ نوبہ خود واجد آگاهی های سودمندی است.

اثر دیگری از ابن فندق بہ نام تتمہ صوان الحکمہ کہ در شرح احوال جمعی از مشاہیر علماء و حکماء معتبر است. توسط محمد شفیع لاہوری تصحیح و در سال ۱۹۳۵ چاپ شدہ است.

۹- افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد: عقد العلی للموقوف الاعلی^{۳۳}، بہ تصحیح علیمحمد عامری نائینی، مقدمہ از: محمد ابراہیم باستانی پاریزی، ضمیمہ رسالہ موسوم بہ صلاح الصحاح فی طب انتشارات روزنہان، چاپ

الحاقی (ص ۴۱۷-۳۸۳)، فهرست های راهنما (ص ۴۸۶-۴۱۸).

توضیح: تاریخ سیستان سرگذشت این سرزمین را از روزگاران باستانی و دوران افسانہ ای آغاز می کند و درباره شهرها و آبادی های سیستان، بزرگان آن دیار، فضایل و خصایص آنجا، خراج آنجا در ادوار مختلف، مذهب مردم آنجا در دورہ قبل از اسلام، فتح سیستان بدست مسلمانان و حکام سیستان اطلاعاتی بہ دست می دہد و فی الجملہ از اسناد مہم تاریخ ہفتصد سالہ ایران جنوبی و شرقی بہ شمار می رود. و البتہ برای پارہ ای اطلاعات مربوط بہ قبل از ظہور اسلام ہم خالی از فایدہ نیست. (ر.ک: تاریخ در ایران، ص ۱۸۸).

زندہ یاد استاد بہار بر این اعتقاد بود کہ تاریخ سیستان را دو یا سہ نفر در حدود سال های ۴۴۵ و ۷۲۵ بہ نوبت نوشتہ اند (ص. و) یگانہ نسخہ خطی و منحصر بہ فرد این اثر در تصرف استاد بہار بودہ کہ با سعی و اہتمام بسیار زیاد بہ تصحیح انتقادی آن پرداختہ است.

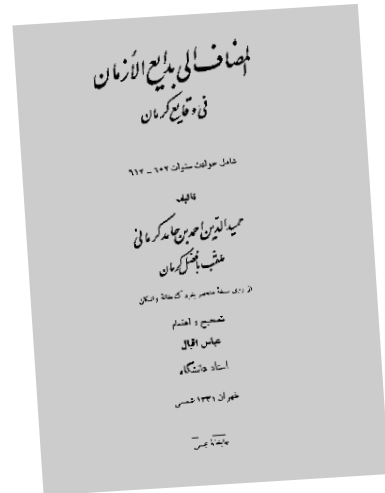
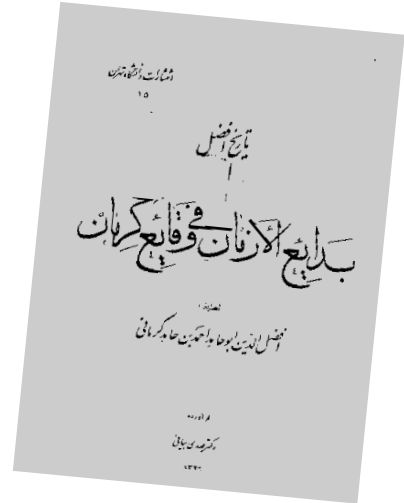
ایشان در مقدمہ بہ تفصیل از مزیت ها و ویژگی های ادبی این اثر سخن گفتہ، سپس بہ فواید و مزایای تاریخی آن پرداختہ است.

گفتنی است کہ تاریخ سیستان یک بار دیگر در سال های اخیر با ویرایشی جدید بہ کوشش جعفر مدرس صادقی جزء مجموعہ «بازخوانی متون» انتشار یافته است. ایشان در این چاپ تنها همان بخش اصلی متن کتاب را کہ واجد ارزش ادبی است آورده و از آوردن بخش الحاقی کہ تنها در بردارندہ ارزش تاریخی است، خودداری کردہ اند، مشخصات این چاپ چنین است: تاریخ سیستان (نوشته بہ نیمہ ی قرن پنجم ہجری)، ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، چاپ اول (تہران ۱۳۷۳)، پیشگفتار و مقدمہ ویرایشگر (صفحہ نہ - بیست و چہار)، متن اصلی کتاب (ص ۲۱۳-۱)، واژہ نامہ و نامنامہ (ص ۲۵۳-۲۱۶).

{الیفات قرن ششم:

۸- بیہقی، ظہیرالدین ابو الحسن علی بن زید (معروف بہ ابن فندق): تاریخ بیہقی^{۳۳}، بہ تصحیح احمد بہمنیار و مقدمہ علامہ قزوینی، کتابفروشی فروغی، چاپ دوم، بی جی، بی تا، کج + ۳۵۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمہ مصحح (الف - ط = ۹ ص)، مقدمہ علامہ قزوینی (ی - کج = ۱۴ ص)، متن کتاب (ص ۲۹۲-۱) تعلیقات (ص ۳۱۵-۲۹۳)، شرح و توضیح بعضی کلمات و عبارات (ص ۳۵۳-۳۲۶)، فهرست مطالب کتاب (ص ۳۵۹-۳۵۴).



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / خرداد و تیر ماه ۱۳۸۰

دوم، تهران، ۱۳۵۶، ۱۸۲ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل استاد باستانی پاریزی (ص ۴۲-۵)، متن رساله موسوم به صلاح الصحاح فی طب (ص ۵۵-۴۳) متن کتاب عقدالعلی (ص ۱۶۶-۵۹)، اضافات و فهرست راهنما (ص ۱۸۲-۱۶۷).

توضیح: افضل الدین کرمانی پیش از تالیف بدایع الازمان در ماه صفر ۵۸۴ قمری کتابی کوچکتر تحت عنوان عقدالعلی للموقف الاعلی به نام ملک دینار، از امرای غز که در تاریخ اول رجب ۵۸۳ بر کرمان استیلا یافته بود در شرح وقایع دوره آخری سلطنت سلاجقه کرمان و شرح تسلط قوم غز و امیر ایشان، ملک دینار در این سرزمین نوشته است. (از مقدمه عباس اقبال بر المضافات، صفحه «ب»).

اثر حاضر در واقع قدیمی ترین تاریخ مربوط به حوادث کرمان در عهد سلاجقه است. مولف سه کتاب در تاریخ کرمان تالیف کرده که عقدالعلی نخستین آنها است. این کتاب فقط متضمن تاریخ استیلای ملک عمادالدین دینار بن محمدغز (۵۹۱-۵۸۳ ق) بر کرمان و قسمتی از شرح دوران سلطنت اوست... کتاب از لحاظ ادبی نیز حائز اهمیت است و از امهات کتب فارسی به شمار می رود (ص ۲۷).

عقدالعلی نخستین بار در سال ۱۳۱۱ شمسی توسط علی محمد عامری نائینی با حواشی و توضیحات کافی (ولی بدون مقدمه) از روی نسخه خطی که ظاهراً در سال ۱۰۷۵ ق نوشته شده بوده است، با حروف سربی به چاپ رسید. (ص ۲۸) مولف از ذکر اسامی ولات و حکام و سرداران غفلت نکرده، همچنین به بیان سختی ها و مرارت های مردم و قحطی ها و اثرات اقتصادی جنگ های دوران بیست ساله فترت سلاجقه کرمان که عصر زندگی مولف بوده است به دقت و صحت و شیوایی پرداخته و چنان داستان را باز نموده که گویی انسان در زمان او زندگی می کند و وقایع را به چشم می بیند. (ص ۳۲)

{الیفات قرن هفدهم:

۱۰- افضل الدین کرمانی، احمدبن حامد: تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تالیف ۶۰۶ ق) فراهم آورنده: مهدی بیانی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۶، سی و هشت + ۱۱۸ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه فراهم آورنده (یک-سی)، متن کتاب (ص ۱۰۹-۳) و فهرست ها (ص ۱۱۸-۱۰۹) توضیح: افضل کرمانی قبل از آن که دست به تالیف کتاب مفصل و مبسوط خود یعنی بدایع الزمان... بزند در ماه صفر سال ۵۸۴ ق کتابی کوچکتر تحت عنوان عقد

العلی للموقف الاعلی در شرح وقایع دوره آخری سلطنت سلاجقه کرمان و شرح تسلط قوم غز و امیر ایشان، ملک دینار بر این سرزمین نوشته است. سپس بدایع الازمان... را در ۶۰۶ ق و بعد از ده - دوازده سال ذیلی بر آن تحت عنوان المضاف فی بدایع الازمان به رشته تحریر در آورده است. (ر.ک: مقدمه اقبال بر المضاف فی بدایع الازمان).

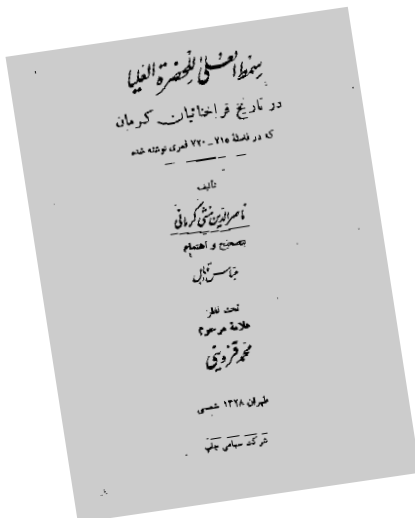
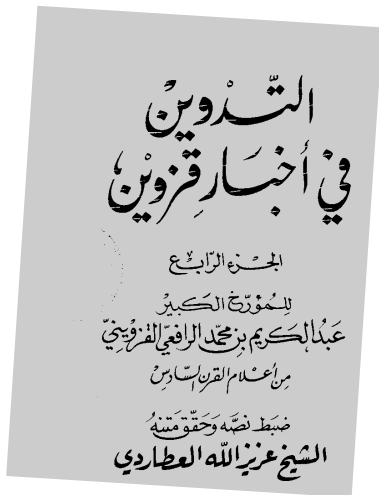
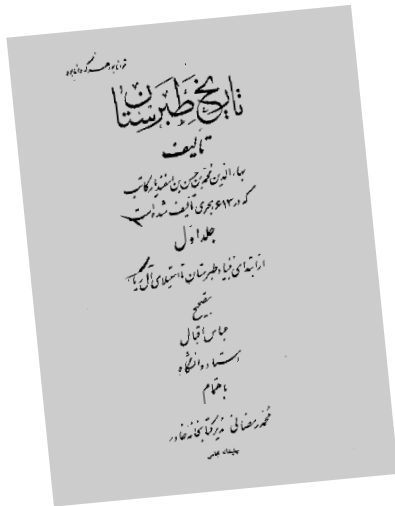
چنانکه پیداست کتاب حاضر اثر دیگری است از مولف کتاب معرف عقدالعلی... با این تفاوت که این اثر اگر چه مورد استفاده مکرر مورخان متعدد قرار گرفته، اما متأسفانه در طول زمان از بین رفته است. در اهمیت این کتاب همین بس که «تا پیش از تصنیف سمط العلّی... بدایع الازمان...، تاریخی درباره وقایع سرزمین کرمان تصنیف نشده است.» (صفحه: بیست و پنج) اما باید دانست که کتاب حاضر تا اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری که ابوحامد محمدبن ابراهیم در تالیف اثر خود - تاریخ آل سلجوق - از آن بهره بسیار برده موجود بوده ولی بعد از آن از میان رفته است. چنین اثر مهمی یک بار دیگر - البته با تلاش و همت والای فراهم آورنده - مجدداً احیاء شده است.

استاد مهدی بیانی در مقدمه مفصل خود به خوبی نشان داده اند که چهار مورخ در قرون بعدی در آثار خود به کرات - گاه به صراحت و گاه به تلویح - از بدایع الازمان اقتباس کرده اند: ابوحامد محمدبن ابراهیم (زندگی: اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ ق). در تاریخ آل سلجوق، ابن شهاب یزدی (قرن ۹) در مجمع التواریخ و ابوالقاسم کاشانی (قرن ۹) در زبدة التواریخ. استاد بیانی در پایان مقدمه خود، شیوه استنساخ و تنظیم و تنسیق عبارات کتاب بدایع الازمان را از لایبای این آثار توضیح داده اند.

۱۱- افضل الدین کرمانی، احمدبن حامد: المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان (شامل حوادث سنوات ۶۱۲-۶۰۲ ق)، به تصحیح عباس اقبال چاپخانه مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۱ ه، ۶۰ + ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ه [۵=ص]، متن کتاب (ص ۵۲-۱)، بعضی حواشی، ملاحظات و فهرست های راهنما (ص ۶۰-۵۳).

توضیح: افضل کرمانی ده دوازده سال بعد از تالیف اثر مفصل و مبسوط خود، یعنی بدایع الزمان فی وقایع کرمان (تالیف ۶۰۶ ق) اقدام به نوشتن ذیلی تحت عنوان المضاف الی... بر کتاب مزبور نمود. این اثر عمدتاً متضمن وقایع سال های مذکور، به ویژه ذکر دو تن از رجالی است که در حین نگارش بدایع الازمان به علل سیاسی از ایشان نمی توانسته نام برد. (ص ج،)



طبرستان همت گماشته است. برای آگاهی از محتوای کتاب به ابواب آن اشاره می‌شود: باب اول: در ترجمه سخن ابن مقفع (ص ۵۵-۱۲)؛ باب دوم: ابتدای بنیاد طبرستان و بقای عمارت شهرهای وی (ص ۵۷-۵۶)؛ باب سوم: در خصایص و عجایب طبرستان (ص ۸۹-۷۶)؛ باب چهارم: در ذکر ملوک و اکابر و علما و زهاد و عارف و کتاب و اطبا و اهل نجوم و حکما و شعرا (ص ۱۴۱-۹۰)؛ از ابتدای صفحه ۱۴۱ تا پایان باب چهارم (ص ۳۰۲) متضمن مهمترین مطالب در تاریخ سیاسی و نظامی طبرستان است. از جمله: ذکر «آل و شگمیرین زیار ملوک گیلان»، ذکر «حکام و ولایة که از دارالخلافه بعد از استیصال اولاد جیلان شاه به طبرستان می‌فرستادند»، ذکر «تغلب سادات طالبیه به ایالت طبرستان».

قسمت دوم کتاب: «در ابتدای دولت آل و شگمیر و آل بویه و مدت استیلای ایشان بر طبرستان» (ص ۱-۲۹). مرحوم اقبال معتقد است که «تمام مطالب این قسمت، الحاقاتی است از دیگران بر تاریخ طبرستان به جای قسمت‌های گم شده این کتاب، بنابراین نباید آن را از مولف اصلی دانست.» قسمت سوم کتاب: «زابتدای آل باوند دوم نوبت» (ص ۱۷۵-۳۲).

کتاب حاضر به جهت اشمال بر مواد و مطالب بسیار سودمند و مهم تقریباً از یک قرن پیش مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است. کسانی چون دارمستتر (Darmesteter)، ریو (Rieu)، دارن (Dorn)، براون (Browne) قسمت‌هایی از آن را ترجمه و منتشر کرده‌اند. ادوارد براون در سال ۱۹۰۵ م. خلاصه‌ای از آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و در لیدن (Leyden) چاپ نمود. کسروی ضمن تمجید و تحسین از کارهای براون ترجمه یاد شده را نقد و بررسی کرده و ایرادات متعددی بر آن گرفته است. (بنگرید به مقدمه کسروی بر «تاریخ طبرستان» سیدظهیرالدین مرعشی از صفحه پنجاه و سه تا هفتاد و هفت، همین مقدمه در چهل مقاله کسروی نیز درج شده است).

مرحوم عباس اقبال کتاب حاضر را بر اساس دو نسخه خطی که به آقای تقی کیانی مازندرانی (معتصم الملک) متعلق بوده، تصحیح نموده است.

۱۴- عبدالکریم بن محمدالرفعی القزوینی: (متوفی ۶۲۳ ق.)، التذوین فی اخبار قزوین، تصحیح و تحقیق از عزیزالله عطاردی، انتشارات عطارد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ۳ جلد، چاپ بیروت ۱۳۶۶ = ۱۹۸۷ در ۴ جلد. کتاب حاضر توسط همین مصحح نخستین بار در هند انتشار یافته است.

محتوا و مطالب سه جلد بدین شرح است: جلد اول:

از این ذیل تا پیش از کشف نسخه منحصر به فرد آن توسط مرحوم اقبال در کتابخانه واتیکان در رم، هیچ ذکری در میان نبود. اما با دست یابی وی بدان نسخه، زمینه تصحیح و انتشار آن فراهم آمد. با چاپ این اثر می‌توان گفت که اطلاعات و آگاهی‌های مبتنی بر منابع دست اول درباره تاریخ کرمان در دوران پیش از مغول غنای بیشتری یافت.

۱۲- صفی‌الدین بلخی، عبدالله بن عمر: فضایل بلخ،^{۳۵} (تالیف ۶۱۰ ق) ترجمه عبدالله محمدبن حسینی بلخی، به تصحیح عبدالحی حبیبی بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰ سی و دو + ۳۹۶ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (یک - سی و دو)، متن کتاب (ص ۳۹۰-۱)، تعلیقات مصحح (ص ۴۶۲-۳۹۳)، فهرست‌های راهنما (ص ۴۸۸-۴۶۳).

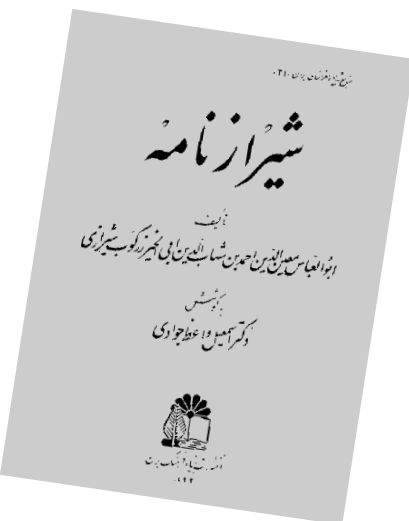
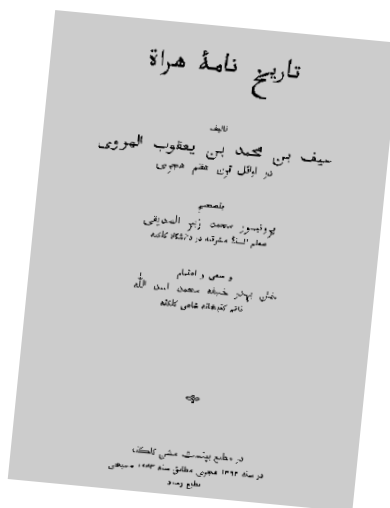
توضیح: در خصوص مولف و مترجم کتاب آگاهی اندکی باقی است جز آن که متن عربی کتاب - که اکنون هیچ نسخه‌ای از آن باقی نمانده است - در سال ۶۱۰ ق. در شهر بلخ تحریر یافته و عبدالله حسینی بلخی آن را در سال ۶۷۶ ق. به تشویق حکمران بلخ به فارسی ترجمه کرده است (ص. بیست و یک).

به اعتقاد مصحح محترم، یکی از ارزش‌های کتاب فضائل بلخ این است که حدود یک دهه پیش از غلبه مغولان و هزیمت مسلمانان، به تشریح وضع اسف بار جامعه اسلامی پرداخته و در حقیقت عوامل سقوط و انحطاط را به روشنی بیان کرده است (ص. یازده) همچنین ارزش دیگر کتاب در این است که در مدت ۵ قرن پیش از خروج مغول، موقعیت بلخ را از جنبه پایگاه مهم قضا و فقه و حدیث در این بخش شرقی خلافت اسلامی روشن می‌سازد، و مخصوصاً بازگوی احوال و آثار و اعمال بسیاری از رجال علمی، صوفیان، متشرعان، محدثان و وقایع تاریخی است که در تحقیق اوضاع فکری و اجتماعی این زمان به کار محققان تاریخ می‌آید (ص. دوازده).

۱۳- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب: تاریخ طبرستان^{۳۶} (تالیف ۹۱۳ ق) به تصحیح عباس اقبال، چاپخانه مجلس، تهران، تاریخ مقدمه، ۱۳۲۰ ش قسمت اول: یب + ۳۳۲ ص، قسمت دوم و سوم: ۱۷۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف-یب [= ۱۳ ص])، قسمت اول از متن کتاب (ص ۳۰۲-۱)، فهرست اعلام (۳۰۳-۳۳۲)، قسمت دوم کتاب (ص ۱-۲۹) قسمت سوم: (ص ۱۷۵-۳۲).

توضیح: ابن اسفندیار از اهالی امل بوده، زیر نظر پدری دانشمند پرورش یافته و در سال ۶۱۳ ق. به تالیف تاریخ



قمری در یزد به دنیا آمد و در جوانی عازم کرمان شد و در سال ۶۹۴ ق به ریاست دیوان انشاء صفوة‌الدین پادشاه خاتون قراختائی نایل آمد. در سال ۷۱۵ ق. به خدمت امیر بزرگ ایسن قتلغ نویان از امرای بزرگ اولجایتوو و وابوسعید پیوست و سمط العلی را در اواخر همان سال به نام او شروع کرد و در ظرف یکماه در اوایل ۷۱۶ ق به انجام رساند. (صفحه: و).

مولف در تالیف این اثر، کتاب تاریخ شاهی خواجه شهاب‌الدین ابوسعید - که ظاهراً امروز به کلی مفقود شده - را بنای کار خود قرار داده است. البته علامه قزوینی نظری جز این دارد. وی می‌نویسد: «مولف کتاب را به طرز و اسلوب کتاب معروف عقدا لعی للموقف الاعلی (تالیف ۵۸۴ ق) نگاشته و در حقیقت ذیل همان کتاب است.» (ر.ک: یادنامه علامه قزوینی، ص ۴۰۸).

اثر حاضر از آن جهت که خلاصه‌ای از تاریخ کرمان و حوادث عصرملوک قراختائیان کرمان (حکومت: ۷۰۳-۶۱۹ ق) را تا زمان حکومت ناصرالدین محمد غوری، متضمن است از هر حیث حائز اهمیت است.

مرحوم عباس اقبال این اثر را براساس دو نسخه خطی موجود در موزه لندن و کتابخانه ایاصوفیه در ترکیه تحت نظر علامه قزوینی تصحیح کرده است.

۱۶- سیف بن محمد بن یعقوب الهروی (معروف به سیفی): تاریخ نامه هراة^{۳۸} (تالیف ۷۱۸ تا ۷۲۱ ق)، به تصحیح محمدزبیر الصدیقی (استاد زبان‌های شرقی در دانشگاه کلکته)، و سعی و اهتمام خان بهادر خلیفه محمد اسدالله (ناظم کتابخانه شاهی کلکته) مطبع. بیتست مشن کلکته، ۱۳۶۲ قمری = ۱۹۴۳ م.

کتاب مشتمل است بر ترجمه مقدمه مصحح (ص ۱-۲۸)، متن کتاب (۱-۷۸۶)، فهرست راهنما (ص ۸۲۲-۷۸۷)، پیشگفتار و مقدمه مصحح به زبان انگلیسی I-XXXVI.

توضیح: سیفی در سال ۶۸۱ قمری در هرات زاده شد. بعد از کسب علوم رایج زمانه به کمک استاد خود - حکیم سعدالدین منجم غوری - به دربار ملک فخرالدین کرت (م ۷۰۶ ق) راه یافت. سیفی تاریخ هرات را به فرمان ملک غیاث‌الدین کرت در مدت دو سال و نیم (از ۷۱۸ تا ۷۲۱ ق) تالیف کرده از آنجا که غیاث‌الدین می‌خواست تاریخی صحیح و عاری از غیب و نقص تالیف گردد و به وزراء و پیشکاران خود دستور داد تا کلیه اسناد و مدارک رسمی را در اختیار مولف قرار دهند. تحقق این خواسته از متن کتاب پیداست زیرا در جاهایی رونوشت ابلاغیه و قرارداد و پیمان و معاهدات چنان حرف به حرف نقل شده که اگر اصل اسناد در اختیار مولف نبود هرگز چنین دقتی صورت عمل نمی‌یافت. (ص ۱۳)

سخن محقق کتاب و ذکر مشخصات سه نسخه خطی کتاب (ص ۲) چند عکس از نمونه‌های نسخه خطی، متن کتاب (ص ۹-۵۵۰)، فهرست عناوین (ص ۵۶۸-۵۵۲)؛ جلد دوم: متن کتاب (ص ۵۴۹-۵)، فهرست عناوین (ص ۵۸۴-۵۵۲)؛ جلد سوم: متن کتاب (ص ۵۴۳-۵)، تعلیقات (ص ۶۶۲-۵۷۹)، محقق کتاب در قسم نخست تعلیقات به تفصیل راجع به مولف و ارزش کتاب او سخن گفته است. فهرست راویان احادیث در کتاب (ص ۶۷۵-۶۶۵)، فهرست کتب مذکور در التدوین (ص ۶۹۴-۶۷۹).

توضیح: رافعی قزوینی (۶۲۳-۵۵۵ ق) از فقها، عرفا و مورخین بزرگ قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و به دلیل برخورداری از دانشی وسیع و آگاهی‌های علمی عمیق در طول عمر خود آثار متعددی در زمینه فقه، حدیث و رجال تالیف نمود. (برای فهرست آثار او بنگرید به: ج ۳، ص ۵۹۵-۵۹۶). کتاب حاضر که از جمله آثار پر ارج اوست یکی از مهمترین منابع در زمینه جغرافیای تاریخی و نیز تاریخ محلی به حساب می‌آید. کتاب متضمن اخبار و اطلاعات متنوع و وسیع درباره قزوین از عهد صحابه و تابعین تا قرن ششم و اوایل قرن هفتم است، مطالبی همچون بیان روایات وارده در فضایل قزوین، اشاراتی به وضع قزوین در قبل از اسلام، و گزارش‌های تفصیلی از وضع قزوین بعد از اسلام. کتاب حاوی اطلاعاتی پیرامون مساجد، مدارس، مزارات، رباط‌ها، خانقاه‌ها، قنات‌ها، باغ‌ها، راه‌ها، روستاها و غیره است. همچنین اسامی افرادی از صحابه و تابعین که به قزوین وارد شده و یا در آنجا اقامت گزیده‌اند ذکر شده است. کتاب حاضر علیرغم اهمیت بسیاری که دارد متأسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده است. خلاصه‌ای از مطالب این کتاب را (پیش از چاپ حاضر) مرحوم جلال‌الدین محدث (آرموی) استخراج و به نام فهرست اسماء الرجال مذکوره احوالهم فی کتاب التدوین در سری انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ در تهران انتشار دادند.

{الیفات قرن هشتم:

۱۵- ناصرالدین منشی کرمانی (یزدی الاصل): سمط العلی للحضرة العلیا (در تاریخ قراختائیان کرمان که در فاصله ۷۲۰-۷۱۵ قمری نوشته شده است) به تصحیح عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، تهران - ۱۳۲۸، ل ۱۵۰ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ل [۱۳])، متن کتاب (ص ۱-۱۰۶)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۱۶-۱۰۷)، بعضی حواشی و ملاحظات (ص ۱۴۸-۱۱۷).

توضیح: ناصرالدین منشی در حوالی ۶۶۰ یا ۶۶۸



کتاب دارای یک مقدمه و چند فصل در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز است. فصل اول مشتمل است بر ذکر مزیت اقلیم فارس بر اقلیم دیگر. حدود فارس... و در فصل دوم به ذکر شهر شیراز و خصوصیات و مزایای آن می‌پردازد و تاریخ فارس را از دوره آل بویه تا زمان امیرمبارزالدین باز می‌گوید و در فصل آخر به شرح حال علما و مشایخ فارس بخصوص شیراز می‌پردازد. (فارسانه ناصری، ج ۱، ص ۱۲۵). مطالب فصل دوم کتاب که جنبه سرگذشتنامه و تذکره‌ای دارد متضمن اطلاعات نادری است که در این کتاب می‌توان به آنها دست یافت. این فصل از این لحاظ که یک جا و به طور جمعی شرح عرفا و علما و شیراز تا قرن هشتم را به زبان فارسی شامل است شایان اهمیت می‌باشد. (واعظ جوادی، ص، چهارده)

هر دو تصحیح براساس نسخه‌های خطی متعدد موجود کتاب صورت گرفته است. ضمن آن که تصحیح استاد واعظ جوادی چهار دهه بعد و با نسخه‌های افزون تری انجام شده است.

۱۹- مولانا اولیاءالله آملی: تاریخ رویان، (تالیف ۷۶۴ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۸، بیست و هشت + ۲۶۱ ص.

کتاب مشتمل بر مقدمه مصحح (پنج - بیست و هشت)، سرآغاز (ص ۲۹-۲۰) مقدمه مولف [در فواید علم تاریخ] (ص ۱۴-۱۱) و هشت باب (ص ۲۰۵-۱۵)، تعلیقات و فهرست‌های متعدد (۲۶۱-۲۰۷).

توضیح: مولف در این کتاب، سوانح ناحیه رویان را از قدیمی‌ترین ایام تا سال ۷۶۴ق نوشته است. تاریخ رویان پس از تاریخ طبرستان ابن اسفندیار مهمترین کتاب تاریخ این سرزمین است. (ص: پنج). اولیاءالله آملی اگر چه مقداری از مطالب کتاب خود را از تاریخ طبرستان نقل کرده اما با دقت به نقد و تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته است. (ص: بیست و شش)

مصحح از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به تصحیح این اثر پرداخته است. البته این اثر پیش از این چاپ، یک بار نیز از سوی آقای عباس خلیلی با تصحیحی مغلوط و غیرانتقادی نشر شده بود. (ص: هیجده)

مشخصات چاپ خلیلی چنین است: تاریخ رویان: مولانا اولیاءالله، به تصحیح عباس خلیلی، کتابخانه اقبال، تهران، ۱۲۸۳ ق، مشتمل بر مقدمه کوتاه مرحوم سیداحمدکسروی (ص ۵-۳). مقدمه خلیلی (ص ۷-۶)، متن کتاب (صص ۱۳۹-۹). کسروی در بخش از مقدمه خود راجع به اهمیت کتاب می‌نویسد: «این تاریخ

تاریخ هرات در واقع اثر مهمی است برای شناخت وقایع مربوط به سلسله آل کرت (۷۸۳-۶۴۳ ق) که بر هرات فرمانروایی داشته‌اند. مصحح محترم درباره ارزش کتاب می‌نویسد: «درباره اهمیت و ارزش ادبی و تاریخی این کتاب هرچه بگوییم کم است زیرا در آن عصر و دوره دهشتناک که مولف می‌زیسته بسیاری از حوادث در هم و پیچیده و جریان‌های تاریخی شمال خاوری ایران را به چشم خود دیده است.» (ص ۱۸) باید افزود که نقل پاره‌ای قطعات و اشعار از منابع مربوط به پیش از تالیف این کتاب که اکنون در دست نیستند، برارزش آن هر چه بیشتر افزوده است.

گفتنی است که کتاب حاضر از روی نسخه منحصر به فردی که به شعبه بوهار کتابخانه شاهنشاهی هندوستان در کلکته تعلق داشته تصحیح شده است.

۱۷- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین: جامع الخیرات (وقفنامه سیدرکن‌الدین) به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، (تهران، ۱۳۴۱) چهار + ۲۳۱ ص.

کتاب مشتمل است بر دیباچه کوتاه استاد ایرج افشار مقدمه مختصر مرحوم دانش‌پژوه، (چهار صفحه)، متن کتاب به عربی (ص ۲۰۹-۱)، فهرست‌های اعلام (ص. ۲۳۱-۲۱۳)

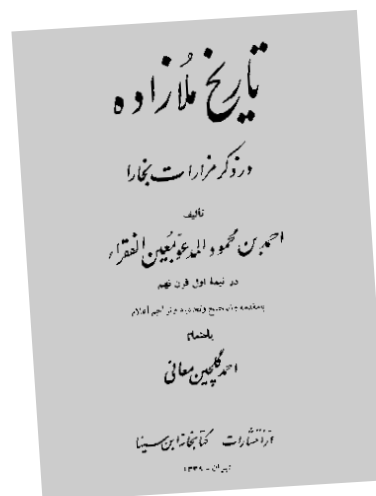
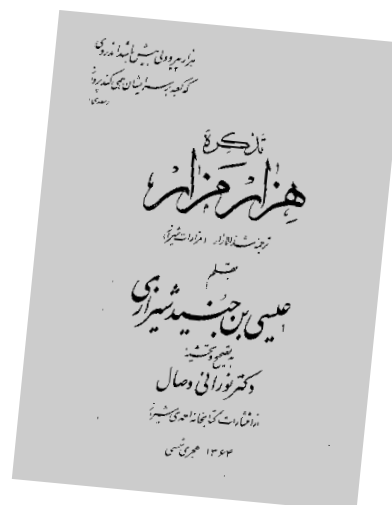
توضیح: سیدرکن‌الدین (متوفی ۷۳۲ ق) از رجال و بزرگان یزد و از بنیان خیر و صاحب ابنیه و آثار در یزد بوده است. وقفنامه او در واقع یکی از اسناد تاریخی مربوط به شهر یزد و مشتمل بر نکات و دقایقی در تاریخ وقف و متضمن فوایدی از جهت جغرافیای تاریخی منطقه مذکور و متضمن اطلاعات اجتماعی و اسامی عده‌ای از رجال قرون هفتم و هشتم هجری است. این کتاب نخستین بار جزو مجموعه «فرهنگ ایران زمین» سال نهم (۱۳۴۰) نشر شده است.

۱۸- زرکوب شیرازی، احمدبن ابی‌الخیر: شیرازنامه، (تالیف ۷۴۴ق)، به تصحیح بهمن کریمی، مطبعه روشنایی، تهران، ۱۳۱۰، لز + ۱۷۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ج ۱- ۳۵ ص) [ص ۱۶۳-۱۰]، متن کتاب (ص ۱۶۲-۱۰)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۷۹-۱۶۳).

از این اثر تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: شیرازنامه^۳، به تصحیح اسمعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰ بیست و پنج + ۲۶۳ ص.

توضیح: زرکوب شیرازی (۷۸۹-۶۷۰ ق) در سال ۷۴۴ق به تقلید از کتاب بغدادنامه که در سفر به بغداد با آن آشنا شده بود، مبادرت به تالیف کتاب شیرازنامه نمود.



مولانا ولیاء الله نیز چنان که از نام آن «تاریخ رویان» پیداست منتها از حوادث رویان که بخش غربی مازندران مقصود است گفتگو می‌نماید و خاندانی را که از آغاز اسلام تا زمان مولف در آن بخش جداگانه حکمرانی داشته‌اند نشان می‌دهد و این خبرها را جز در کتاب این مولف در جای دیگری پیدا نتوان کرد و این است که ما برای تکمیل تاریخ مازندران حاجت به داشتن این کتاب داشته‌ایم.» (ص ۵).

۲۰- جنید شیرازی، معین‌الدین جنیدبن محمود: شدالازاری حطّ الأوزار عن زوار المزار، معروف به المزارات یا مزارات شیراز (تالیف ۷۹۱ قمری)، به تصحیح علامه محمدقزوینی و عباس اقبال، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۸، هـ + ۶۲۱ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - هـ [۴ص]). متن کتاب (ص ۱-۴۶۳)، حواشی و اضافات به قلم علامه قزوینی (ص ۵۶۶-۴۶۵)، فهرست‌های راهنما (ص ۶۲۱-۵۶۹).

توضیح: مولف که از وعظ و شعرای شیراز بوده، کتاب حاضر را در حدود سال ۷۹۱ قمری در شرح احوال و تعیین محل قبر جمع کثیری از زهاد و علماء و امراء و سلاطینی که در شیراز دفن شده بودند به عربی نوشته است. مولف مجموعاً شرح حال ۳۱۵ نفر را عنوان کرده است. مرحوم اقبال در باب ارزش بی‌همتای کتاب چنین متذکر شده‌اند: «هرچه در باب اهمیت شدالازار از جهت احتوای آن بر مطالب تاریخی و رجالی و معرفة الکتبی نوشته شود زائد است زیرا که مولف این کتاب با اینکه مورخ نبوده و به همین جهت اغلاط و مسامحات زیاد بر زبان و قلم او جاری شده باز به علت قدمت زمان و دسترسی داشتن به یک عده کتبی که حالیه دیگر اثری از آنها بر جا نیست و معاصر بودن با پاره‌ای از اشخاص و وقایعی که در این کتاب به ذکر آنها پرداخته معلومات گرانبهایی به دست داده است که سایر ماخذ تاریخی موجود از آنها خالی است و این جمله به روشن کردن بسیاری از حوادث تاریخی مربوط به فارس و نواحی مجاور آن و ترجمه احوال جمعی از رجال منتسب به آن سرزمین‌ها کمکی شایان می‌نماید.» (صفحه ۲ ج)

کتاب حاضر براساس سه نسخه خطی موجود در کتابخانه موزه بریتانیا، مجلس شورای ملی و نسخه شخصی دکتر تقی بهرامی که صحیح‌تر از دو نسخه قبل بوده با نهایت وسواس و دقت نظر علمی تصحیح شده است. مرحوم اقبال در پایان مقدمه خود یادآور این نکته شده‌اند که چون تصحیح شدالازار و نوشتن حواشی بر آن آخرین کار مهم علامه فقید مرحوم قزوینی یعنی

آخرین نمونه کار دقیق علمی توام با انتقاد درست آن بزرگوار است به همین جهت می‌توان آن را کامل‌ترین و دقیق‌ترین یادگار عمر و از آثار جاوید آن مرحوم دانست. (صفحه: هـ) همین نظر را مرحوم زرین کوب نیز نسبت به تصحیح حاضر ابراز نموده است. (ر.ک: یادنامه علامه قزوینی، به کوشش علی دهباشی، کتاب و فرهنگ (تهران، ۱۳۷۸، ص ۹).

گفتنی است که در سال ۱۳۲۰ دیوان قصائد و غزلیات فارسی جنید شیرازی نیز به اهتمام مرحوم سعید نفیسی با مقدمه در شرح احوال او و خاندانش منتشر شده است. ۲۱- عیسی بن جنید شیرازی: تذکره هزار مزار (ترجمه شدالازار - مزارات شیراز)، به تصحیح نورانی وصال، انتشارات کتابخانه احمدی شیراز، شیراز، ۱۳۶۴، ۵۲۰ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۱-۲۸)، متن کتاب (ص ۲۹-۴۷۸)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۲۰-۴۷۹) و تصاویر (۱۹ مورد).

توضیح: مرحوم علامه قزوینی که نخستین بار متن عربی شدالازار را تصحیح نموده‌است در خصوص وجود ترجمه‌ای از این کتاب می‌نویسد: «گویا ترجمه‌ای از شدالازار با اسم ملتتمس الاحیاء به توسط پسر مولف در بریتیش میوزیوم موجود است...» (یادداشت‌های آقای قزوینی، ج ۵، ص ۲۰۲). مصحح اثر حاضر به نسخه مورد اشاره علامه قزوینی دست نیافته اما از روی نسخه مطبوع کتابخانه احمدی و جهان نما که در سال ۱۳۲۰ در شیراز انتشار یافته است و نیز نسخه موجود در کتابخانه مدرسه سپهسالار برای تصحیح اثر حاضر استفاده کرده است. البته در هر جا که دو نسخه مزبور وافی به مقصود نبوده مصحح بامراجعه به شدالازار و حواشی علامه قزوینی تا حدی مشکل را حل کرده است. (ص ۴)

مصحح در خصوص محاسن و معایب کتاب می‌نویسد: «محبوبیت مترجم چندان نبوده است که بتواند من جمیع جهات از عهده ترجمه چنین کتابی برآید و بیشتر مشکلات را به تسامح برگذار کرده... معهداً ترجمه مذکور با همه منقصتی که دارد باز بسیار شایان توجه و درخور امان نظر است چه اولاً متنی از اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری مشتمل بر مطالب بسیار مهم و شایسته ملاحظه است ثانیاً بسا نکات جالب و گوناگون در تلو ترجمه آمده که در متن شدالازار از آن ذکری نیست و بیشتر متضمن مشاهدات شخص مترجم یا ملاقات‌ها و مصاحبت‌های وی با رجال و مشاهیر عرفاست...» (ص ۴).

الفیات قرن نهم:

۲۲. احمدین محمود المدعو به معین الفقراء: تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا، به اهتمام احمد گلچین معانی، کتابفروشی ابن سینا، تهران، ۱۳۳۹، شانزده + ۱۱۱ ص. کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص. یک - شانزده)، متن کتاب (ص ۷۵-۱)، تکمله حواشی (ص ۹۱-۷۷)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۱۱-۹۲).
توضیح: مصحح دانشمند زنده یاد مرحوم گلچین معانی در مقدمه کتاب درباره مؤلف یادآور شده‌اند که «متأسفانه از احوال وی و آثار دیگرش اطلاعی در دست نیست» با این حال از آنچه که از محتوای کتاب او برمی‌آید اجمالاً این است که وی دانشمندی عارف و محقق و از خاندانی بزرگ بوده است، در تصوف سلسله طریقتش به خواجگان نقشبندی که حنفی مذهب هستند می‌رسد و خود مرید خواجه محمد پارسا (متوفی ۸۲۲ ق.) بوده است. (ص. دو)

شهر بخارا که زمانی تختگاه سامانیان بوده و بعد از آن نیز در سده‌های متوالی از جمله مراکز نشو و نمای فرهنگ ایرانی و زبان و ادب پارسی بوده است، از جمله شهرهای ماوراءالنهر است که مطالعه تاریخ و جغرافیای آن برای شناخت تاریخ شرق ایران به ویژه خراسان بزرگ از جهات عدیده ضروری است. خوشبختانه آثار ارزشمندی نظیر تاریخ بخارای نرشخی و همین کتاب حاضر در طول قرون از گزند حوادث در امان مانده و به عنوان سند مهمی مکرر محل رجوع اهل ادب و تاریخ بوده است. استاد ایرج افشار در بررسی اجمالی این اثر (در راهنمای کتاب، ش ۳، س ۳، شهریور ۱۳۳۹) نوشته‌اند: «تردید نیست که این کتاب مختصر فواید کثیر و عظیم را محتوی است و در تحقیق و تتبع راجع به احوال رجال مدفون در بخارا و تدوین جغرافیای تاریخی بخارا مورد استفاده خواهد بود.» (ص ۳۴۳). همچنین در جای دیگر متذکر شده‌اند که «تاریخ ملازاده اگر چه رساله‌ای نسبتاً جدید و اثر ربع اول قرن نهم است اما به سبب اطلاعات مفید در احوال یکصد و شصت تن از عالمان و فقیهان و مشایخ صوفیه و پادشاهان و قضات و بزرگان دیوانی مجموعه‌ای است که طبع مجدد آن با تعلیقات و توضیحات و تصحیحات لازم می‌نمود...» (ص ۳۴۲).

مؤلف کتاب را به دو قسم منقسم ساخته‌است: یک قسم محتوی است بر ذکر مقابر درون شهر و قسم دیگر شامل اسامی مزارات حوالی و نواحی شهر است. مصحح دانشمند برای تصحیح اثر حاضر از سه نسخه خطی: سیهسالار (به عنوان اصل)، مجلس و ملک و نسخه چاپی

ناقص، بهره گرفته‌اند، و با افزودن حواشی و توضیحات مفصل و مفید بر ارزش و کارآیی تحقیقی آن بیش از پیش افزوده‌اند.

۲۳. جعفری، جعفرین محمدبن حسن: تاریخ یزد^۴، به تصحیح ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۸، سیزده + ۲۵۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (نه - سیزده)، متن کتاب (ص ۱۶۰-۱)، تعلیقات، توضیحات و استدرکات (ص ۲۲۴-۱۶۳)، فهرست مأخذ و فهرست‌های راهنما (ص ۲۵۴-۲۲۷).

توضیح: مؤلف در کتاب حاضر از مورخان قرن نهم است. وی تاریخ عمومی عالم را در سال ۸۱۷ ق تألیف کرده که به تاریخ جعفری معروف است و سپس حوادث زمان خود را نیز تا حدود سال ۸۵۰ ق بر آن افزوده و کتاب را مجدداً به قلم آورده است. کتاب دیگر وی تاریخ یزد نام دارد که از تواریخ موثق و مفید این خطه از ایران است. (ر.ک: تاریخ در ایران، ص ۹۰).

به اعتقاد مصحح دانشمند، تاریخ یزد نخستین کتابی است که در باب یزد و اخبار آن در قرن نهم هجری صورت تألیف پذیرفته و مأخذ کتب دیگری بوده است که در قرون بعد راجع به این شهر نوشته‌اند. (ص نه) در این کتاب مطالب و اطلاعات دست اول راجع به دوره‌ای مختلف تاریخ یزد به دست داده می‌شود. اطلاعاتی که راجع به مدرسه‌ها و مسجدها و باغها و آبها و دیگر آثار یزد در این کتاب هست همه مفید و تازه و در حد خود دقیق است. (ص ۵۰).

مصحح محترم، کتاب حاضر را براساس سه نسخه خطی - متعلق به کتابخانه ملی، سعید نفیسی و سیدعلی محمودزیری - تصحیح و منتشر ساخته‌اند.

۲۴. سید اصیل‌الدین عبدالله واعظ: مقصد الاقبال و مرصد الامل خاقانیه، به کوشش [نجیب] مایل هروی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱، بیست و هشت + ۱۷۶ ص. مصور

کتاب مشتمل است بر فهرست مطالب (یک صفحه)، پیشگفتار کوشنده (نه - بیست و هشت)، متن کتاب (ص ۹۶-۳)، تعلیق بر مقصد الاقبال یا رساله دوم مزارات هرات از عبیدالله بن ابوسعید هروی (ص ۱۴۱-۹۹)، حواشی و تعلیقات (ص ۱۵۶-۱۴۵)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۷۶-۱۵۹)، تصاویر متعدد از مقابر، زیارتگاهها، رواق‌ها، گنبدها و سنگ قبرهای موجود در هرات و اطراف آن.

توضیح: مؤلف که از وعاظ هرات بوده در دوره تیموریان (۹۱۲-۸۰۷ ق.) در این شهر می‌زیسته است.

مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامل خاقانیه

سید اصیل‌الدین عبدالله واعظ
بر کوشش
مایل هروی



تاریخ جدید یزد

تألیف
احمد بن حسن، یزد طبعی کتاب
(پس از سال ۸۱۷ هجری)

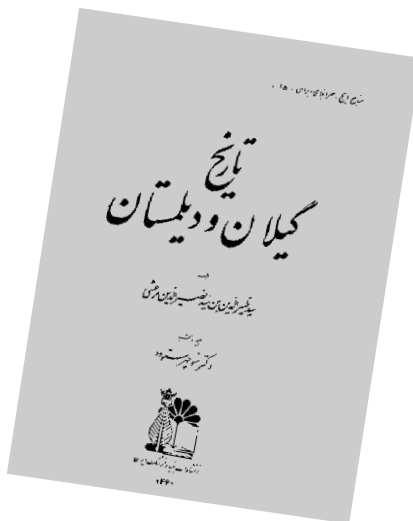
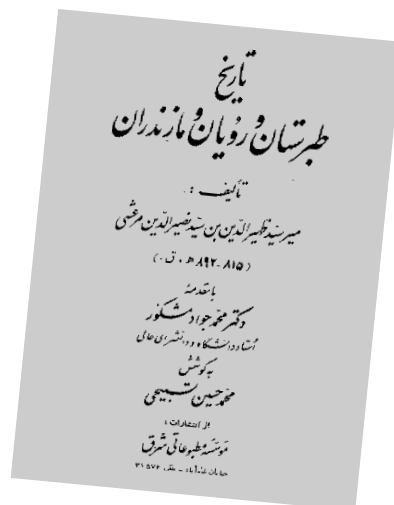
بر کوشش
ایرج افشار

تاریخ طبرستان و روایت و مازندران

سید غنیمت‌الدین عروسی

به اهتمام
ابریارد دارکون

مقدمه از:
یعقوب آرزو



وی کتاب را بنا به اشارت سلطان ابوسعید گورکانی که به عرفا و صوفیان وقت اخلاص زیادی داشته نوشته است. (سلطان ابوسعید بعد از وفات میرزا ابوالقاسم بابر از ماوراءالنهر به عزم تسخیر هرات شتافت و به سال ۸۶۳ق. آن شهر را فتح کرد و دوازده سال (دو سال در ماوراءالنهر و ده سال در هرات) حکم راند و در نهایت به سال ۸۷۳ق. در آذربایجان به فرمان اوزن حسن ترکمان کشته شد. [ص. ۵])

مؤلف کتاب را در یک مقدمه و سه باب تالیف کرده است. باب اول: در ذکر مراقد جمعی از اکابر اولیاء که در عرصه قبه الاسلام هرات و توابع آن مدفونند... از ابتدای فتح اسلام تا امیر تیمور گورکان؛ باب دوم: در ذکر جماعتی که در اندرون قبه الاسلام هرات به اسم و لقب شهرت دارند، و همواره حاجتمندان و سالکان به زیارت ایشان توسل می‌جویند و...؛ باب سوم: در ذکر جماعتی از اولیاء و اکابر و علماء و عرفاء که بعد از وفات... امیر تیمور گورکان که در خطه میمونه هرات... و توابع آن به جوار رحمت قاضی الحاجات انتقال فرموده‌اند. بعد از این سه باب «رساله دوم مزارات هرات» که تعلیقی است بر مقصد الاقبال، به قلم عبیدالله بن ابوسعید هروی، آمده است.

کتاب حاضر که در باب مزارات است به جهت اشمال بر آگاهی‌های فراوان در تاریخ و جغرافیای هرات در زمره منابع مهم تواریخ محلی به شمار می‌آید. استاد مایل هروی در خصوص مزایای آن چنین مرقوم داشته‌اند: «این رساله محاسن و مزایای زیادی دارد که برای تاریخ و شناسایی هرات چه از نگاه جغرافیا و شناسایی برخی مواضع و دهات هرات و چه از نگاه رجال‌شناسی و انبوه عارفان و مشیخت مآبانی که از آنها نام برده می‌شود سودمند می‌نماید. از جانبی تعدادی حظایر و باغ‌ها را نیز نام می‌برد و جای آنها را تعیین می‌کند که شناسایی آن بدون این کتاب مشکل می‌نمود و همچنین تعدادی خانقاه‌هایی که در قرن هفتم تا نهم هجری در هرات بوده و عارفان در آنجا ریاضت کشی داشته‌اند و عده زیاد واعظان در ادوار مختلفه...» (ص. بیست و هشت). کتاب حاضر علیرغم مزایای فراوان در محتوی از جهت ادبی قدری ضعیف و فاقد انشاء پخته است، «شاید از لحاظ اینکه اصیل‌الدین، کار واعظی می‌کرده و سر و کارش با مردم عوام الناس بوده به عبارت آرائی مترسلانه که در قرن نهم هجری رواج داشته بی‌اعتنا بوده است.» (همانجا)

کوشنده محترم، کتاب را براساس سه نسخه چاپی و یک نسخه خطی ناقص دیگر که مجموعاً چهار نسخه می‌شود به اضافه نسخه وسیله الشفاعات قلمی انجمن تاریخ، با افزودن حواشی و توضیحات مفید منتشر ساخته است.

۲۵ - کاتب، احمدبن حسین بن علی کاتب تبریزی: تاریخ جدید یزد، (تالیف پس از سال ۸۶۲ ق) به تصحیح ایرج افشار، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵، ۳۲۵ ص، مصور. کتاب مشتمل است بر یادداشت مصحح (ص ۱۴-۸)، متن کتاب (ص. ۲۸۷-۳)، چند توضیح و فهرست‌های راهنما (۳۲۵-۲۸۹).

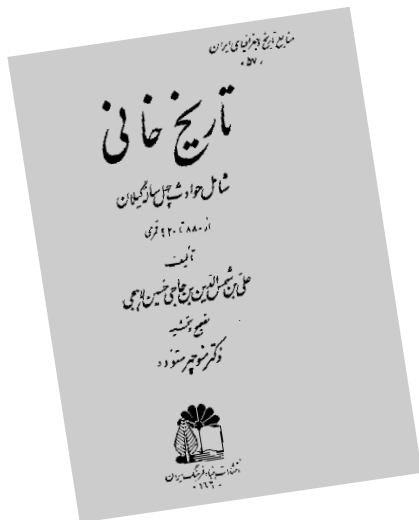
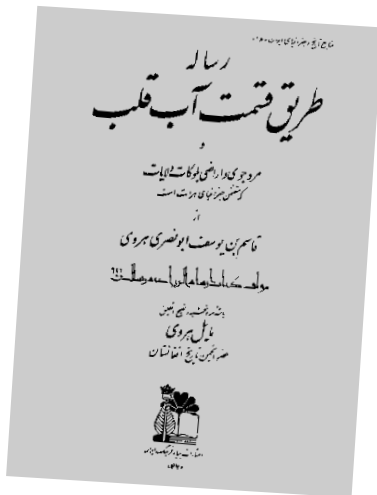
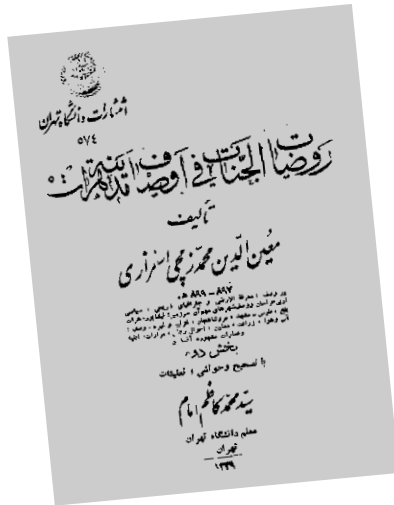
توضیح: کاتب یزدی از مورخین قرن نهم است که در یزد متولد شده و به خدمت امیرجهانشاه قره‌قویونلو (حکومت: ۸۷۲-۸۴۱) پیوسته و سمت کتابت داشته است. مولف در سال ۸۶۱ تاریخ جدید یزد را تالیف و به مخدوم خود امیر جهانشاه - تقدیم داشته است. (ر.ک: تاریخ در ایران ص ۱۲۵).

بنا به اعتقاد مصحح محترم کتاب حاضر براساس تاریخ یزد جعفری تالیف شده و در بعضی جاها حتی از حیث لفظ و عبارت، منقول از آن است. (ص ۱۱) با این وصف این اثر از حیث شمول بر حوادث عصر مولف حائز کمال اهمیت است. استاد ایرج افشار این کتاب را واجد فوائد چندی دانسته است. از جمله: وجود لغات و اصطلاحات مربوط به عمارات و ساختمانها... وجود اطلاعاتی درباره نحوه دیوانی کردن و پرداختن موجب و اخذ سرشمار و خانه‌شمار و تحصیل و تمنا و نعل بها و تنقاص، این آگاهی‌ها از لحاظ تحقیق در تاریخ اجتماعی و مالی اهمیت خاصی دارد و نیز وجود اطلاعات بسیار مبسوط در باب مدارس یزد را ایام حکومت آل مظفر و دوران تیموری چنانکه از چهل مدرسه نام رفته است. (ص ۸)

کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۳۱۷ ش. به صورت مغلوط و غیرانتقادی انتشار یافته است. چاپ حاضر با بهره‌گیری از چند نسخه خطی معتبر و با سعی و اهتمام بسیار به نحوی اصولی تصحیح شده است.

۲۶ - مرعشی، سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، موسسه مطبوعاتی شرق تهران، ۱۳۴۵، صد و دوازده + ۳۹۳ ص.

کتاب مشتمل است بر پیشگفتار کوشنده (سه - شش)، مقدمه محققانه مرحوم مشکور (درباره لفظ طبرستان و مازندران و رویان و اصل و نسب پادشاهان و سازمان حکومتی آنان، و سادات آن دیار از قدیمی‌ترین ایام تا عصر صفوی از صفحه هفت تا سی و هشت)، مقدمه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (درباره شرح و حال و اسلاف سیدظهیرالدین مرعشی از صفحه سی و نه تا چهل و سه)، مقدمه محققانه مرحوم کسروی (درباره تواریخ طبرستان از قدیمی‌ترین ایام تا امروز از صفحه چهل و چهار تا صد و دوازده)



مؤلف ضمن تالیف گردآوری‌های پدر، خود نیز مطالبی بدان افزود. کتاب دارای یک مقدمه، شش باب و هر باب چند فصل است. کتاب با ذکر وقایع سال ۸۹۴ق پایان می‌یابد. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا حوادث سال ۸۸۱ق را شامل است. کتاب متضمن تاریخ سادات کیایی گیلان است. در لابلای آن آگاهی‌ها و اطلاعات فراوان راجع به آداب و رسوم منطقه یافت می‌شود که از جهت تاریخ اجتماعی بسیار سودمند به حساب می‌آید. کتاب بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که مؤلف آنچنان که خود می‌گوید آن چه نوشته خود مشاهده کرده است. «از دیده نوشته است نه از شنیده» (ص ۱۱۳).

نسخه اصلی کتاب حاضر در موزه لندن در بریتانیا است. مصحح محترم از روی میکرو فیلم آن مبادرت به تصحیح اثر نموده است. البته نخستین بار رابینو از روی همین نسخه خطی آنرا تصحیح و انتشار نمود که مشخصات چاپ مزبور چنین است: تاریخ گیلان و دیلمستان، به سعی و اهتمام ه.ل. رابینو (ویس کنسول انگلیس در ولایات دارالمرز) مطبعه عروه الوثقی، چاپ اول (رشت، ۱۳۳۰ ق) ۴۷۵+۲۱ ص. این چاپ فاقد مقدمه و توضیحات و حواشی است.

۲۸- اسفزاری، معین‌الدین محمدزاده: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، (تالیف ۹۹-۸۹۷ق)، به تصحیح سیدمحمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ دو بخش: بخش یکم: ک + ۶۴۲ص؛ بخش دوم: ۵۲۹ ص. کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ک [= ۱۹ ص]، متن بخش اول کتاب (ص ۵۲۲-۱)، حواشی (ص ۵۲۳-۵۲۳)، فهرست اعلام (ص ۶۳۶-۵۳۹)؛ بخش دوم مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۴۷-۱)، متن کتاب (ص ۳۷۶-۱)، حواشی و فرهنگ لغات مغولی و ترکی (ص ۴۳۶-۳۷۷)، فهرست اعلام (ص ۵۱۲-۴۳۷) فهرست ابواب و فصول بخش دوم و تکمله حواشی (ص ۵۲۳-۵۱۳).

توضیح: مؤلف کتاب حاضر یکی از افاضل نویسندگان نامدار خراسان در سده نهم، و از سخنندان و منشیان زبردست دربار سلطان حسین میرزابایقرا، و از استادان مدرسه هرات، در فنون ادبی به شمار می‌رفته است. اسفزاری از جمله چند تن از مورخین با اطلاع هرات است که تاریخ آن شهر را نوشته‌اند. و تاریخ او یعنی همین کتاب حاضر کامل‌ترین و جامع‌ترین تواریخ هرات می‌باشد. (ص الف) در این کتاب شرح مبسوطی از محاسن و فضائل خراسان، عموماً و محاسن و فضائل شهر هرات، خصوصاً آمده است. همچنین مشتمل است بر آگاهی‌های سودمندی از جمله در باب جغرافیای تاریخی سرزمین خراسان و

توضیح: سیدظهیرالدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ ق) همانند پدرانش در ماجراجویی خلف صدقی بود. چنان که در ۸۴۰ ق با حکمران ساری به ستیزه پرداخت و بعد از ناکامی به گیلان بازگشت و پس از چندی از طرف کارکیا سلطان محمد به امارت سیاکله رود منصوب شد. (ر.ک: تاریخ در ایران، ص ۱۳۷) سیدظهیرالدین دو کتاب دارد یکی تاریخ طبرستان... یعنی همین کتاب که تا حوادث سال ۸۸۱ق را شامل است. و دیگر تاریخ گیلان و دیلمستان (با دو تصحیح: رابینو، ستوده). تاریخ طبرستان مرعشی مؤلف است از تالیف مولانا اولیاءالله آملی و تالیف علی بن جمال‌الدین رویانی، و فقط در آخر کتاب دو فصل - یکی در ذکر حکمرانی ملک کیومرث رستمدراری و فرزندان او و دیگری در بیان خروج سیدقوام‌الدین مرعشی و استیلای اخلاف او - از خود افزوده است. (مقدمه کسروی: ص. هشتاد). مرعشی را مورخی امین، منصف و با شرافت دانسته‌اند (همان: ص. هشتاد و دو و نیز تاریخ در ایران، ص ۱۳۷).

تاریخ طبرستان مرعشی نخستین بار توسط خاورشناس معروف - برنهارد دارن (Bernhard Dorn) تصحیح و همراه با مقدمه‌ای (در ۴۶ صفحه) به زبان آلمانی در سال ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۶ ق در مطبعه پترزبورگ به چاپ رسیده است. (۴۴۳+۴۶ ص). در سال‌های اخیر، از این اثر در تهران چاپ دیگری با این مشخصات صورت گرفته است: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهارد دارن، مقدمه از یعقوب آژند، نشر گستره، چ اول (تهران، ۱۳۶۳) بیست و چهار + ۶۴۳ + ۴۶ ص.

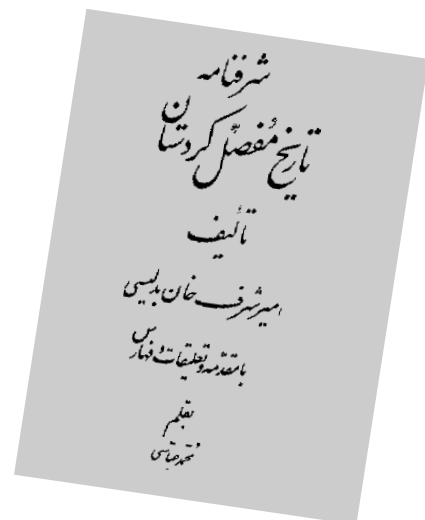
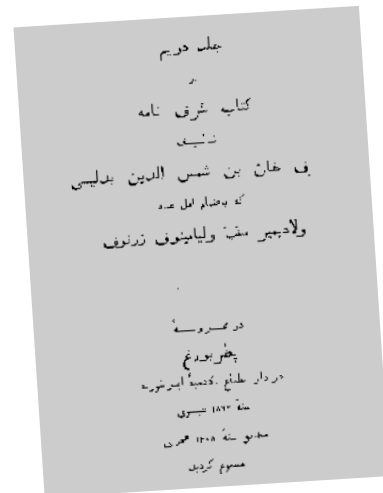
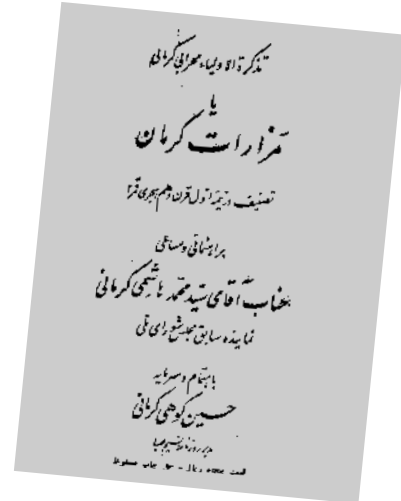
از همین اثر چاپ دیگری نیز توسط عباس شایان با مقابله چند نسخه خطی و حواشی و فهارس متعدد در سال ۱۳۳۳ شمسی در ۴۳۹ صفحه انتشار یافته است.

چاپ تسیبچی براساس نسخه‌ای صورت گرفته که از روی نسخه مطبوع برنهارد دارن استنساخ شده است.

۲۷- مرعشی، سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین: تاریخ گیلان و دیلمستان^۳، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۷، نه + ۵۵۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - نه [= ۴۷ ص]، متن کتاب (ص ۴۷۸-۱)، تعلیقات (ص ۴۹۵-۴۷۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۵۶-۴۹۷).

توضیح: سیدظهیرالدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ق) در غره ذیقعه ۸۸۰ هجری قمری شروع به تالیف این کتاب کرده است. پیش از او، پدرش به دستور کارکیاسلطان علی میرزا سوانح و اتفاقاتی را که قبل از خروج سیدامیر کیایی ملاطی و پس از خروج او روی داده بود، گرد آورده بود.



وی در اثر دیگر خود - ارشاد الزراعہ - جستہ گریخته بیان داشته است، آقای ذوقی در مجله ادبی هرات چند سطر ی در شرح حال مؤلف با استناد به کتاب یاد شده قلمی کرده اند: «ادیب طیب کامل، مولانا محمد فاضل هروی [قاسم بن یوسف ابونصری هروی] یکی از ادیبان نامی در اواخر عصر تیموری هرات است. در هرات عمر شریف را به سر می برده طبعش بلند و نظمش مرغوب طبایع بوده است، این فرزند نیک اختر هرات اهمیت فن زراعت را به تجربیات دریافته کتابی موسوم به ارشاد الزارعین تألیف و بر هفت روضه منقسم ساخته و اصطلاحات زراعت را به طور صحیح در آن نشان داده است...» (صفحه: لط) گفتنی است که کتاب یاد شده در سال ۹۲۱ ق. تألیف شده و متن مصحح آن در سال ۱۳۴۶ از سوی دانشگاه تهران انتشار یافته است.

و اما رساله حاضر که برای نخستین بار توسط استاد ایرج افشار در فرهنگ ایران زمین (شماره ۱۳) قسمتی حروفی و بخشی به صورت افست انتشار یافته است، یکی دیگر از تألیفات مهم فاضل هروی است که عمدتاً به نحوه تقسیم آب زراعی در هرات و قراء و بلوکات آن می پردازد. چنان که پیداست این رساله هم متنی است در جغرافیا و هم اثری است در تاریخ محلی و از آن جهت که حاوی آگاهی های ذیقیمت در خصوص نحوه تقسیم آب زراعی، نحوه حل و فصل اختلاف زارعین بر سر حقآبه و مساحی اراضی و از این قبیل مطالب است، در نوع خود اثری است ممتاز برای شناخت اقتصاد زراعی و ملک داری و شیوه آبیاری در هرات در قرن نهم و اوایل قرن دهم. استاد مایل هروی در خصوص ارزش و فواید رساله حاضر چنین مرقوم داشته اند: «همین اثر طریق قسمت آب، از قلب است که اثر خیلی با ارزش بوده و ارتباط دارد به شهر و بلوکات نه گانه، هرات از طرفی متضمن جغرافیای عمومی هرات است که هیچ یک قریه ای در آن روزگار بیرون ازین رساله نیست از جانب دیگر از لحاظ آبادی های آن وقت و تاریخ مسجد جامع و تاریخ آب بخشی رساله آموزنده ای است و هم محصول و مالیات قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری را بیان می دارد که می توان مطالب سود بخش، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی را از آن بحق نتیجه گرفت.» (ص:مج)

مصحح محترم بعد از بازنویسی نسخه خطی کتاب برای تکمیل اطلاعات خود در خصوص مطالب کتاب و نیز تصحیح هر چه بهتر کتاب سفری ۱۵ روزه به هرات کرده و در مدت توقف در آن شهر با تحقیق و تفحص ابهامات را تا حد زیادی روشن ساخته اند. ایشان در این سفر از «کتاب آب بخشی که در دفتر زراعت هرات موجود» بوده استفاده کرده اند همچنین از کتاب دیگری در تاریخ

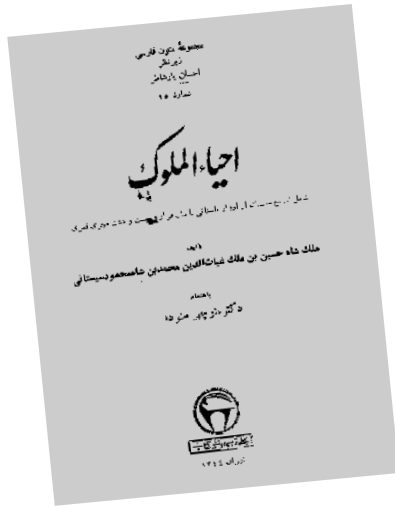
شهرهای بزرگ و نواحی نامور، وصف زراعت، هنرها و مذاهب سکنه، شرح احوال رجال، وصف مدارس، کتابخانه ها، مساجد، خانقاه ها... شرح وقایع و حوادث و تاریخ سیاسی خراسان و ولات هرات و مطالب بسیار دیگر. اهمیت و ارزش این کتاب از دید خورشناسان پنهان نمانده است. نخستین بار، باربییه دو مینار (Barbier De meynard) بود که به اهمیت این کتاب پی برد و آن را در مجله آسیائی معرفی کرد و سپس بعضی مطالب آن را به فرانسه ترجمه و دو فصل از آن را چاپ کرد. چارلز ریو (charlse Rieu) نیز در فهرست مخطوطات فارسی موزه بریتانیا شرحی در معرفی کتاب و شمه ای در احوال مؤلف نوشت. (ص: یو) مصحح محترم، این اثر را از روی پنج نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه ملک (دو نسخه)، مجلس شورای ملی و مسجد سپهسالار به طرز انتقادی و محققانه تصحیح کرده است.

گفتنی است که از روضات الجنات تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نخستین بخش به انضمام مقدمه و حواشی و فهرست های چهارگانه به سعی و اهتمام محمد اسحاق (استاد دانشگاه کلکته در رشته عربی و فارسی)، مطبعه دو پاسری، کلکته ۱۳۸۰ ق، ۱۹۶۱ م. تصحیح حاضر مشتمل است بر فهرست مندرجات (ص: پنجم - هفتم)، فهرست مأخذ و مدارک تصحیح (ص: هشتم - یازدهم) مقدمه مصحح (الف - م =] ۴۰ ص)، متن کتاب (ص ۲۷۷-۱)، فهرست های راهنما (ص ۳۱۵-۲۸۱)، دو تصویر از صفحات نسخه خطی کتاب. مصحح شش نسخه خطی این اثر را در اختیار داشته که کتاب را بر مبنای دو مورد که از صحت و اعتبار بیشتری برخوردار بوده تصحیح کرده است.

{الیفات قرن دهم:

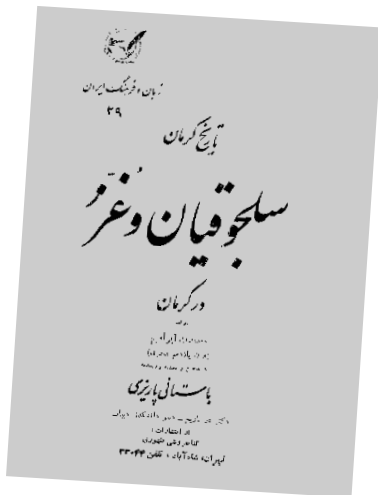
۲۹- قاسم بن یوسف ابونصری هروی (فاضل هروی): رساله طریق قسمت آب [از] قلب (و مردجوی و اراضی بلوکات ولایات که متضمن جغرافیای هرات است)، به تصحیح [نجیب] مایل هروی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۷، مج + ۱۷۵ ص. مصور. کتاب مشتمل است بر فهرست مطالب (دو صفحه)، سرآغاز و مقدمه مصحح (صفحه: ح - مج =] ۴۰ ص)) متن کتاب (ص ۱۹۷-۱)، حواشی و تعلیقات (ص ۱۵۵-۱۰۱)، شرح لغات و اصطلاحات متن کتاب (ص ۱۵۹-۱۵۷)، فهرست اعلام (ص ۱۷۵-۱۶۱).

توضیح: آگاهی ما از مؤلف اندک است، جز آنچه که



تذکره الاولیاء محرابی یا مزارات کرمان، (تالیف ۹۲۵ ق) به اهتمام حسین کوهی کرمانی و به راهنمایی و مساعی سیدمحمد هاشمی کرمانی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۰، بیست و هشت + ۲۱۶ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوهی کرمانی و هاشمی کرمانی (دو - بیست و هشت)، متن کتاب (ص ۲۰۷-۱)، فهرست اعلام (ص ۲۱۶-۲۰۸)، تصاویر.

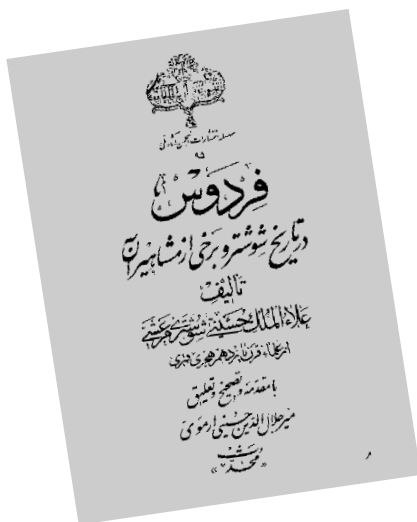


توضیح: کتب مزارات - که یکی دو نمونه دیگر از آن پیشتر معرفی شد - از جمله منابع مهمی هستند که گونه‌ای از تواریخ محلی به شمار می‌آیند. این دسته کتب بنا به موضوعشان - مزارات - عمدتاً حاوی مواد و مطالبی هستند که حتی در دیگر اقسام تواریخ محلی نیز قابل دسترسی نیستند. به ویژه این کتاب که «با وجود اشمال بر قصص و مبالغات و مسامحات بسیار برای معرفت احوال اجتماعی کرمان در آن ایام ماخذی مفید است.» (زرین کوب: ص ۹۳) مصحح نیز در مقدمه خود در خصوص اهمیت آن می‌نویسد: «این کتاب ارزش یک اثر تاریخی را دارد و چون در آن بعضی موضوعات و مطالب تازه دیده می‌شود که در جایی دیگر نیست و گاهی کمک به توضیح بعضی مطالب مهم دیگر کتب می‌کند همین بر ارزش این اثر تاریخی افزوده و می‌افزاید...» (ص بیستم).

کالیفات قرن یازدهم:

۳۲- بدلیسی، امیر شرف‌خان: شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، به تصحیح محمد عباسی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۴۳، صدودوازده + ۹۱۷ ص.

کتاب مشتمل بر مقدمه مفصل مصحح (شش - صدو دوازده)، متن کتاب (ص ۵۹۲-۱)، تعلیقات و ضامم (ص ۷۴۷-۵۹۵)، فهارس راهنمایی (ص ۷۵۰-۹۰۹).



توضیح: شرف‌الدین بدلیسی در سال ۹۴۹ ق در که هردو (نزدیک قم) متولد شد. خانواده‌اش در کنف حمایت شاه طهماسب صفوی (سلطنت: ۹۸۴-۹۳۰ ق.) می‌زیست. بدلیسی در دربار وی پرورش یافت. شاه اسماعیل دوم صفوی (سلطنت: ۹۸۵-۹۸۴ ق.) او را حکومت نخجوان و شیروان و عنوان امیرالامرای اکراد داد. در حمله عثمانی‌ها به این نواحی در سال ۹۸۶ ق در زمان سلطان مراد سوم، بدلیسی به سپاهیان خسرو پاشا که بر ایرانیان پیروز شده بود پیوست، و در نتیجه فرمانروایی بدلیس یافت. در ۱۰۰۵ ق به نفع پسرش کناره گرفت و به نوشتن کتاب شرفنامه، در تاریخ اکراد پرداخت. (ر. ک. دایرةالمعارف فارسی، ج ۱، ص ۳۹۶) شرفنامه از لحاظ تاریخ عمومی کرد و کردستان در نوع خود بی‌همتاست. به علاوه در مورد اعلام و اسامی

آب بخشی هرات از تالیفات میرعبدالحکیم باد مرغانی نیز بهره فراوان برده‌اند. همچنین از حاجی عبدالرحمن مساح هروی در تعیین بعد مسافت برخی دهات هرات بهره‌مند شده‌اند. (ص: وز) تصحیح دقیق، حواشی و تعلیقات مفید و شرح لغات و اصطلاحات متن کتاب، از ویژگی‌های چاپ حاضر است.

۳۰- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین: تاریخ خانی (شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ ه.ق.)، (تالیف ۲۲-۹۲۱ ه.ق) به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۲، سی و شش + ۴۲۵ ص.

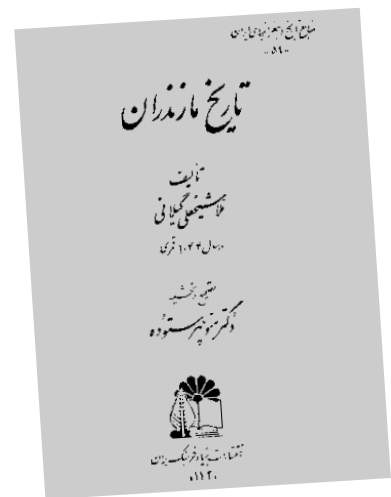
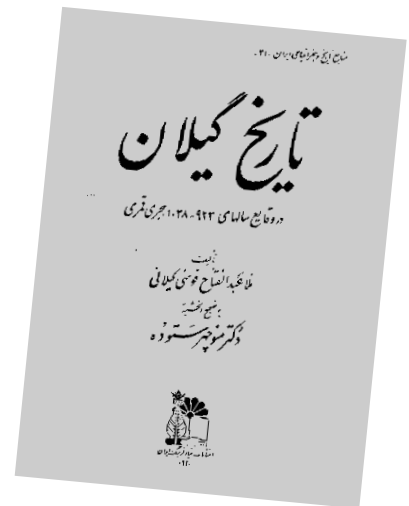
کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص یازده - سی و شش)، متن کتاب (ص ۳۹۲-۳)، تعلیقات، تصحیحات و فهرست‌ها (ص ۴۲۵-۳۹۵).

توضیح: کتاب حاضر به امر سلطان احمدخان اول - از سلاطین کیائی گیلان (۹۴۳-۹۱۱ ق) - به دست یکی از مردمان دانشمند و اهل قلم لاهیجان تالیف و تصنیف شده است. به نوشته مصحح محترم آخرین حوادثی که در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین مرعشی از آنها یاد شده، حوادث سال ۸۹۴ قمری است و با این که چهارده سال قمری شرح سوانح این دو کتاب همزمان و موازی یکدیگرند، اما شباهت زیادی میان آنها نیست و بیست و شش سال دیگر از حوادث تاریخ خانی را باید دنباله تاریخ سیدظهیرالدین دانست. (ص. چهارده).

این کتاب علاوه بر اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی - نظامی خطه گیلان، بیشتر از آن جهت که در بردارنده مطالب مردم‌شناسی و احوال اجتماعی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم گیلان است، از جمله آداب جنگ و لشگرکشی و حفاظت نواحی، ذکر نوع تحف و هدایا و پیشکش‌ها، بیان نوع آداب و سنن منطقه گیلان و... به دلایل وجود این قبیل آگاهی‌ها، اثر حاضر از درجه اهمیت زیادی برخوردار است.

این اثر نخستین بار توسط برنهارد دارن (Bernhard Dorn) در سال ۱۲۷۴ ق (۱۸۵۷ م) در «دارالسلطنه پترزبورگ» در ۴۰۴ صفحه انتشار یافته است. دارن مقدمه‌ای در ۳۱ صفحه به زبان آلمانی بر کتاب نوشته است که کاش ترجمه آن در تصحیح حاضر آورده می‌شد. مقدمه ۳۷ صفحه‌ای ملامحمد جعفر قزاداغی اهری نیز دلیل آن که «نادرست و غیرقابل اعتماد» بوده در این چاپ آورده نشده است (تعبیر مصحح). مصحح محترم چاپ حاضر را از روی همان چاپ دارن - البته با اندک اصلاحاتی از فصل دهم به بعد فراهم آورده است. (ص. بیست و یک).

۳۱- سعید (متخلص به محرابی، مشهور به خطیب):



سرخیلان، سادات، حقه‌بازان، خیال‌بازان، شاهنامه‌خوانان، شیگردان، طاس‌بازان، قصه‌خوانان، کلانتران، کشتی‌گیران، لولیان، معرکه‌آرایان... دُکری به میان آمده است. (ص ۲۸)، علاوه بر این‌ها، کتاب حاضر حاوی مطالب سودمند دیگری نیز هست از جمله: بیان ناامنی؛ قتل و غارت‌ها و توصیف تکاپوهای سیستماتیک برای ادامه حیات و بقای خود. کتاب حیات‌الملوک به دلیل احتواء بر چنین مطالبی، برای شناخت تاریخ سیستماتیک در قرن یازدهم بسیار ارزشمند و پرفایده است.

نسخه منحصر به فرد این اثر اکنون در موزه لندن در بریتانیا است. مصحح محترم از روی نسخه عکسی آن که در کتابخانه ملی موجود بوده به تصحیح آن همت گماشته است.

۳۴- محمدبن ابراهیم: تاریخ کرمان؛ سلجوقیان و غز در کرمان، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، طهوری، تهران، ۱۳۴۳، نود و چهار + ۲۷۰ ص، همراه با نقشه، کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل (سه - نود چهار)، متن کتاب (ص ۲۳۴ - ۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۲۶۹۰ - ۲۳۵).

توضیح: کتاب حاضر از معدود سلجوقنامه‌های بجا مانده است که برای شناسایی تاریخ عصر سلاجقه می‌تواند بسیار مفید باشد. مولف این کتاب مقارن حکومت طولانی گنجعلی خان - منصوب به حکومت کرمان از طرف شاه‌عباس اول صفوی در ۱۰۰۴ ق - در آن شهر می‌زیسته است. بنا به استدلال‌هایی که دکتر مهدی بیانی در مقدمه تصحیح تاریخ افضل یا بدایع‌الزمان فی وقایع کرمان آورده‌اند نشان داده‌اند که مؤلف این کتاب (محمدبن ابراهیم) قسمت اعظم مطالب اثر خود را با اشاره و گاه بدون اشاره از کتاب بدایع‌الزمان افضل‌الدین کرمانی اقتباس کرده‌اند. استاد باستانی پاریزی با به کار بردن تعبیر «امانت‌دار» و نه «غارتگر» (تعبیر مهدی بیانی) به دفاع از محمدبن ابراهیم برخاسته است. وی می‌نویسد: محمدبن ابراهیم «در بیشتر صفحات کتاب خود، هر جا از افضل مطالبی نقل کرده، نام او را به صراحت برده است و در فضایل او نیز شرحی پرداخته و بنابراین همان کاری را کرده است که امروز مورخین دقیق و امانت‌دار می‌کنند.» (ص: پنجاه و شش). گفتنی است که اثر حاضر نخستین بار توسط مستشرق معروف - هوتسما (M. Th. Houtsma) تحت عنوان تواریخ آل سلجوق در لیدن به چاپ رسیده است (در ۲۰۱ صفحه به قطع رقیعی و ۱۵ صفحه مقدمه به زبان فرانسه و ۱۲ صفحه توضیحات و اضافات و مجموعاً ۲۳۷ صفحه) و سپس قسمتی از همین کتاب توسط آقای دکتر مهدی بیانی مورد تحقیق و تتبع قرار گرفته و به نام

عشایر و طوایف لر و کرد و بختیاری، معتبرترین مأخذ قابل اعتماد به شمار می‌رود. به همین جهت همیشه مورد توجه مورخین معتبر و معروف بوده و همواره از مأخذ عمده تألیفات ایشان به شمار می‌رفته است. (ص هشتاد و نه) کتاب حاضر بنا به اهمیت بسیار زیاد از اواسط قرن نوزدهم مورد توجه مستشرقان اروپایی از جمله برای نخستین بار در سال ۱۸۶۰ م (۱۲۷۶ ق) توسط ولادیمیر ملقب به ولیامینوف زرنوف (V. Veliaminof - zernof) تصحیح و در پترزبورگ با این مشخصات به چاپ رسید: کتاب شرف‌نامه، دو جلد در یک مجلد، جلد اول: (صص ۴۰۹ - ۱) + ۲۳ صفحه مقدمه به زبان فرانسه؛ جلد دوم: (ص ۳۰۸ - ۱) اختلاف نسخ (ص ۷۸ - ۱) + ۱۰ صفحه مقدمه به زبان فرانسه.

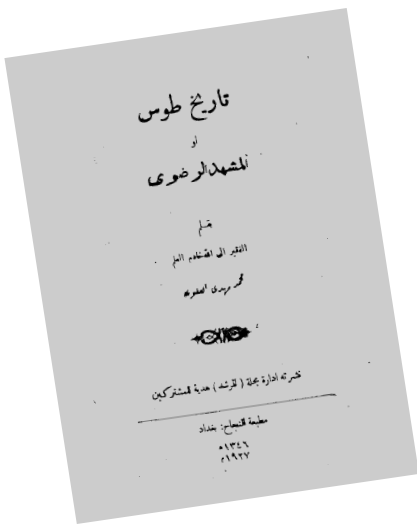
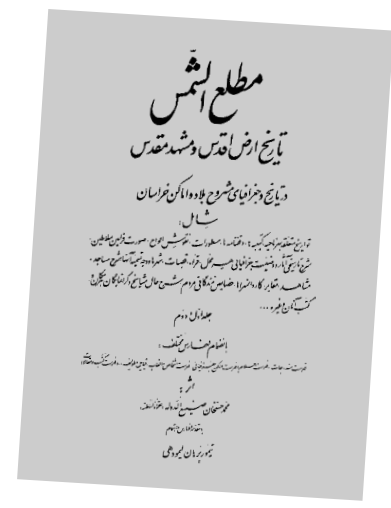
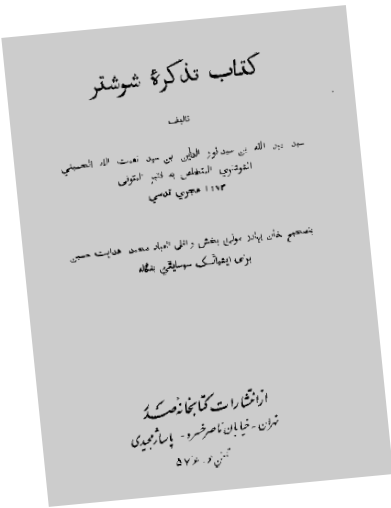
بخش‌هایی از این کتاب توسط مستشرقان به زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. از جمله: شارل شفر (Schefer) آن را به فرانسه، ولوکف (Volkov) بعضی از قسمت‌های آن را به روسی، بارب (Barb) به آلمانی و مورلی (Morlay) به انگلیسی و ملا جلیل‌بندی روز بیانی تمام آن را به عربی ترجمه کرده‌اند. (ر. ک: تاریخ در ایران، ص ۸۵).

استاد عباسی، اثر حاضر را بر اساس نسخه‌های متعدد و معتبر که شرحی از آنها را در مقدمه آورده‌اند (صدو سه - صدو هفت) تصحیح نموده‌اند.

۳۳- ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمدبن شاه محمود سیستماتیک: احیاءالملوک^{۳۱} (شامل تاریخ سیستماتیک از ادوار باستانی تا سال ۱۰۲۸ ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۴، ۴۷ + ۶۱۷ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (صص ۱۵-۴۷)، دیباچه و مقدمه مؤلف (ص ۲۲ - ۱)، فصل اول (صص ۵۴ - ۲۳)، فصل دوم (ص ۱۰۸ - ۵۵)، فصل سوم (ص ۴۴۸ - ۱۰۹)، خاتمه (ص ۵۲۴ - ۴۴۹)، تعلیقات و فهرست‌های متعدد (ص ۶۱۷ - ۵۲۱).

توضیح: کتاب حاضر در سال ۱۰۲۸ ق در زمان شاه‌عباس اول (سلطنت: ۱۰۳۸ - ۹۸۹ ه.ق) تألیف شده است. به عقیده علامه قزوینی این اثر مکمل و متمم کتاب تاریخ سیستماتیک (مجهول المؤلف) است و هیچ‌کدام مغنی از دیگری نیست (ص ۲۱). هدف مؤلف چنان که از نام کتاب برمی‌آید، احیاء نام ملوک سیستماتیک بوده است، ولی از زیر قلم او مطالبی بیرون آمده که برای شناسایی طبقات مختلف اجتماعی سیستماتیک آن روز بسیار مفید و مؤثر است. در این کتاب گذشته از نام ملوک و میران، از میرزاییان، نقیبان، یاران، پاداران، منشیان، کتابداران، تیرگران، رئیسان،



امروز از نظر آشنایی با تشکیلات حسابداری آن زمان و نحوه وصول و خرج کردن مالیات و عواید دولتی به کار اهل تتبع خواهد آمد. چون خود عبدالفتاح نویسنده و بازرس حساب بوده، هر یک از این اصطلاحات را بسیار بجا و دقیق به کار برده است. (ص: دوازده). در این کتاب مصطلحات دیوانی و اداری و نیز اصطلاحات محلی فراوان به کار رفته است. جای خوشبختی است که نویسنده تاریخ گیلان از ذکر بعضی از آداب و رسوم گیلان در کتاب خود دریغ نورزیده است. این گونه مطالب و نیز آگاهی‌های بسیار دیگر که کتاب دربردارنده آنهاست، موجب می‌شود که این اثر را در زمره یکی از غنی‌ترین منابع تاریخ محلی قلمداد کنیم.

این اثر نخستین بار در سال ۱۲۷۴ قمری [۱۸۵۸ م.] توسط برنهارد دارن از روی نسخه نیکلا خانیکوف به چاپ رسیده است. مصحح محترم این نسخه چاپی را با نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران و دو نسخه خطی کتابخانه ملی ملک مقابله و متن را تنقیح و تصحیح و پس از پنج سفر به صفحات فومن و گیلان بیدپس، آن را چاپ و منتشر ساخته‌اند. (ص: ده).

۳۷- گیلانی، ملا شیخعلی: تاریخ مازندران (تألیف ۱۰۴۴ق.)، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۲، هفده + ۱۴۲ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: نه - هفده) متن کتاب (ص ۱۰۶ - ۳). تعلیقات و فهرست‌ها (ص ۱۴۲ - ۱۰۹).

توضیح: ملا شیخعلی در این کتاب بخشی از سوانح و رویدادهای خطه مازندران در عصر شاه عباس اول (سلطنت: ۱۰۳۸-۹۹۶ق.) را ثبت و ضبط کرده است. اگر مؤلف همت به نگارش چنین کتابی نمی‌نمود مسلماً یک دوره تاریک کوتاهی در تاریخ مازندران به وجود می‌آمد.

این اثر بیشتر از آن جهت که اطلاعاتی سودمند درباره وضع زندگی اجتماعی در مازندران و روابط ساکنان این دیار و سنن گذشته آنان دارد، بسیار حائز اهمیت است. (ص: شانزده). مصحح محترم، این اثر را از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملک تصحیح نموده و تعلیقات و توضیحات مفیدی نیز بر آن افزوده است.

۳۸- صفی‌الدین محمدبن محمدهاشم حسینی قمی: خلاصه‌البلدان (تألیف ۱۰۷۹ق.)، به تصحیح حسین مدرسی طباطبایی، انتشارات حکمت، قم، بی‌تا؛ تاریخ انتهایی مقدمه ۱۳۹۶ق [۱۳۵۵ش]، ص ۳۱۹.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۱۴ - ۵)، متن کتاب (ص ۲۹۳ - ۱۷) تعلیقات (ص ۳۱۳ - ۲۹۵)، فهرست اعلام (ص ۳۱۹ - ۳۱۵).

تاریخ افضل انتشار یافته است. از آنجا که نسخه چاپی لیدن بسیار مغلوپ به چاپ رسیده و اول و آخر آن هم افتاده است، مصحح محترم مجدداً به تصحیح و انتشار کتاب اقدام کرده‌اند. (ص: چهل و هشت).

۳۵- حسینی شوشتری مرعشی، علاءالملک: فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن، به تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۲، ۲۶۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۵۲ - ۱)، عکس صفحه‌های از نسخه خطی، متن کتاب (ص ۱۴۴ - ۱)، تعلیقات مصحح (ص ۲۳۱ - ۱۴۵)، فهرست‌های راهنما (ص ۲۵۲ - ۲۳۴).

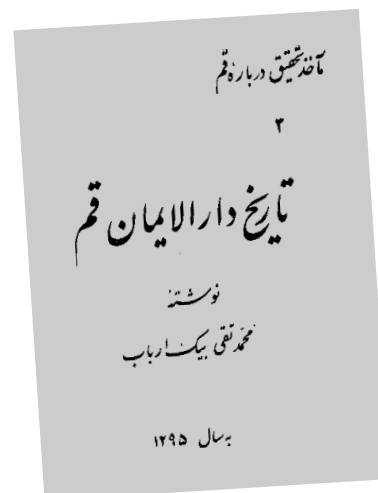
توضیح: مؤلف کتاب حاضر از علمای قرن یازدهم هجری قمری و فرزند عالم معروف شیعی قاضی نورالله شوشتری بوده است. کتاب «تاریخچه‌ای است برای شوشتر و تذکره‌ای است برای برخی از مشاهیر آن بوم و بر». مصحح درخصوص اهمیت کتاب می‌نویسد: «این کتاب اگر چه بر حسب صورت ظاهر کوچک به نظر می‌آید لیکن از جهت معنی و باطن بسیار بزرگ است زیرا مشتمل است بر ذکر جماعتی از فضلاء شوشتر که تراجم ایشان در کتب دیگر به نظر نمی‌رسد و مخصوصاً اطلاعاتی را در شرح حال [...] قاضی نورالله شوشتری و معرفی خاندان [او]... دارند و همچنین تراجم برخی از اساتید قاضی نامبرده و سوانح حیاتی ایشان را در اختیار اهل تتبع و تحقیق می‌گذارد که آن تراجم و اطلاعات به هیچ وجه از کتب دیگر بدست نمی‌آید...» (ص ۱۶).

مصحح دانشمند، مرحوم ارموی، کتاب را از روی یگانه نسخه‌ای که خود در اختیار داشته تصحیح نموده است.

۳۶- فومنی گیلانی، ملاعبدالله الفتاح: تاریخ گیلان* (در وقایع سال‌های ۹۲۳ - ۱۰۳۸ق) به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، بیست و سه + ۳۸۴ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: نه - بیست و سه)، مقدمه مؤلف (ص ۷ - ۳)، متن کتاب (ص ۱۱ - ۲۸۷)، ذکر موارد اختلاف کتاب با نسخه کتابخانه ملک و فهرست‌های متعدد (ص ۳۸۴ - ۲۹۱).

توضیح: نویسنده کتاب حاضر در دوره صفویه به کارهای دیوانی اشتغال داشته است. او در سال ۱۰۲۱ق از سوی شاه عباس (سلطنت: ۱۰۳۸-۹۹۶ق) برای تصدی امور دیوانی خطه گیلان منصوب شده است. اشتغالات دیوانی - اداری مؤلف تا حد زیادی در نوع مطالب مندرج در تاریخ گیلان تأثیر داشته است. چنان که در این کتاب صدها اصطلاح حسابداری دوران صفویان آمده است که



توضیح: مؤلف کتاب حاضر از نوادگان مورخ و سرگذشت نگار معروف اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم یعنی قاضی احمد قمی (۱۰۱۵-۹۵۳ ق) بوده است. وی به اقتضای نیای خویش اقدام به تألیف (۱۰۷۹ ق) کتابی در تاریخ و جغرافیای شهر قم و هشت شهر و منطقه دیگر که از لحاظ مذهب شیعه دارای مرتبه خاص هستند؛ نموده است. این مناطق عبارتند از: مکه، مدینه، کوفه، قم، آبه، کاشان، کربلا، نجف و موضع غدیر خم. (ص ۹). چنان که پیدایست کتاب خلاصه‌البلدان از نظری، تاریخی نو برای شهر قم در سده یازدهم هجری است و از دیدی دیگر کتابی است در فن «مسالك و ممالک».

به اعتقاد مصحح محترم «مطالبی که در این اثر درباره قم می‌خوانیم بیشتر از «ترجمه کتاب قم» گزیده و تلخیص شده و مطالبی که درباره سایر شهرها و نقاط در آن هست بیشتر از مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری گرفته شده است. با این همه در بخش‌های گوناگون این نوشته جا به جا نکات و مطالبی هست که کاملاً تازه و منحصر است و از این رو باید این کتاب را به عنوان اثری ارزنده قابل ستایش در تاریخ و جغرافیای قم و به نحو اجمال چند شهر مذهبی دیگر در دوره صفوی شناخت.» (ص ۹).

چاپ کتاب براساس عکس نسخه اصل (محفوظ در موزه لندن) انجام گرفته است.

۳۹- باقی، محمد مفیدین محمود (مستوفی بافقی): جامع مفیدی^{۳۳} (تألیف میان سال‌های ۱۰۹۰-۱۰۸۲ ق)، به تصحیح ایرج افشار، کتابفروشی اسدی، تهران، ۴۲ و ۱۳۴۰، جلد ۳.

جلد اول: ج ۲۲۹ + ص، جلد دوم چاپ نشده است. جلد سوم: دوازده + ۹۴۲ ص.

کتاب مشتمل است بر (ج ۱) مقدمه کوتاه مصحح (دو صفحه)، متن کتاب (ص ۲۱۰-۱)؛ فهرست‌های راهنما (ص ۲۲۹-۲۱۳)؛ جلد سوم شامل مقدمه مصحح (پنج - بیست و یک)، متن کتاب (ص ۱-۸۸۴)، فهرست‌های اعلام (ص ۹۴۲-۸۸۵).

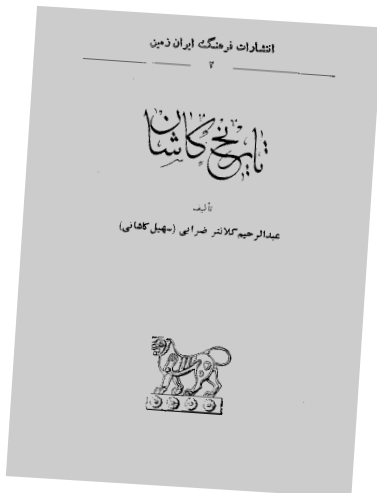
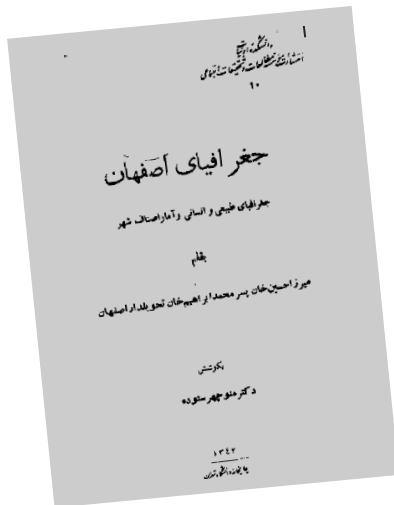
توضیح: مؤلف کتاب حاضر چند سالی در دوره شاه سلیمان صفوی (سلطنت: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) در امور دیوانی صاحب مقام بوده است. در ۱۰۷۷ ق مستوفی اوقاف یزد و در ۱۰۷۹ ناظر اوقاف یزد بود. در ۱۰۸۱ ق دست از نظارت اوقاف کشیده به اصفهان، بصره و عتبات رفت و سپس عازم هندوستان شد. باقی اثر حاضر را در میان سال‌های ۱۰۹۰-۱۰۸۳ ق تألیف کرده است. جلد اول، تاریخ یزد از عهد اسکندر تا آخر عهد تیموریان. جلد دوم: تاریخ یزد پس از آن تا دوران شاه سلیمان که مؤلف معاصر او بوده است. جلد سوم که با اهمیت‌تر از دو جلد دیگر است اختصاص به

شرح احوال رجال (اعم از دیوانیان و مستوفیان و کلانتران و شاعران و هنرمندان و قضایان و فقیهان و دیگر اصناف) و وصف نواحی یزد از لحاظ تاریخی و جغرافیایی و ابنیه و آثار داخل شهر دارد. (ج ۳، ص: هفت). مؤلف اثر دیگری نیز در جغرافیا با الحاق بعضی مطالب تاریخی که بیشتر به تاریخ ائمه و پادشاهان صفوی ارتباط دارد در میان سال‌های ۱۰۸۷ تا ۱۰۹۱ ق، تحت عنوان مختصر مفید تألیف کرده است. قسمتی از مختصر مفید مربوط به شهرها و بناهای جنوبی را ژان اوبن (Jean Aubin) فرانسوی در جلد ششم فرهنگ ایران زمین (صص ۱۷۷-۱۶۴) با مقدمه‌ای به طبع رسانیده است. مصحح محترم درخصوص فواید جامع مفیدی در مقدمه مطالبی آورده‌اند که نقل آنها - در اینجا - برای شناسایی بیشتر این کتاب ضروری است، می‌نویسند: «جامع مفیدی علاوه به آن که در تاریخ یزد و جلد سوم آن اختصاصاً محتوی بر ترجمه احوال رجال و وصف ابنیه و آثار شهر است تألیفی است که به سبب احتوا و اشتمال بر اصطلاحات دیوانی و مناسب شرعی و عرفی و تشریح اصناف و طبقات مردم و وضع اوقاف و طرز عزل و نصب حکام و وزراء و ناظران و متصدیان حکومت و چگونگی مراتب و مدارج امور لشکری و اداری و به طور کلی بیان اوضاع جامعه عهد صفوی در تحقیقات تاریخی و تتبعات اجتماعی فوق‌العاده مفید واقع می‌شود... از لحاظ جغرافیای تاریخی، کتاب جامع مفیدی تألیف کم‌مانندی است. بنابر محتویات این کتاب، یزد به هفده محله تقسیم می‌شده است. فصلی مفصل از کتاب به تاریخ احداث دیه‌ها و قنات‌ها و آب‌انبارها و مسجدها و مدرسه‌ها اختصاص داده شده است.» (ج ۳، ص یازدهم).

جامع مفیدی غیر از اشتمال بر تاریخ یزد و مضافات و گذشته از احتواء بر تراجم علما و رجال آن ولایت، برای اطلاع بر احوال اجتماعی و اداری ایران در عهد صفویه نیز مفید است. (زرین کوب: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۶۱).

کتاب‌های قرن دوازدهم:

۴۰- جزائری، سید عبدالله (متخلص به فقیر): تذکره شوشتر (تألیف در سال‌های ۱۱۶۹-۱۱۶۷ ق) به تصحیح خان بهادر مولی بخش و محمدهدایت حسین، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، بی‌تا، ۱۶ + ۱۹۳ + Xi ص. مصور. کتاب مشتمل است بر مقدمه‌ای در شرح حال مؤلف به قلم سید محمد جزائری (ص ۱۶-۳)، متن کتاب (ص ۱۹۳-۱)، پیشگفتار و مقدمه مصححین به زبان انگلیسی (I-Xi). توضیح: سید عبدالله شوشتری (۱۱۷۳-۱۱۱۲ ق) در



شاه به تهران از طریق نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان و در خاتمه ورامین و چلگه خوار و ورود به تهران است که ضمناً شرح کامل احوال و آثار بزرگان هر یک از این شهرها را نیز در بر دارد. (ص. شانزده و هفده)

چنان که پیداست کتاب عظیم و حجیم مطلع الشمس در حقیقت دائرةالمعارف بزرگی است که به لحاظ دارا بودن اطلاعات بسیار گسترده و متنوع در جغرافیا و تاریخ و فرهنگ و هنر در زمینه‌های گوناگون، از اهمیت و اعتباری بی‌مانند برخوردار است. (ص: سی و سه). اعتماد السلطنه در تألیف این کتاب علاوه بر مشاهدات و شنیده‌ها نه تنها از منابع و متون تاریخ و جغرافیای قدیم بهره برده بلکه از تحقیقات و سفرنامه‌های سیاحان متعدد خارجی نیز استفاده کرده است. ۴۲- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: تاریخ طبرستان (التدوین فی احوال جبال شروین) به تصحیح میترا مهرآبادی، با مقدمه محمد جواد مشکور و احسان اشراقی، انتشارات ذبیای کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، یب + سی و هشت + ۴۰۶ ص.

کتاب مشتمل بر مقدمه دکتر مشکور (الف - ج)، مقدمه دکتر اشراقی (د - ه)، پیشگفتار مصحح (و - یب)، فهرست و مشخصات ۲۵۵ مقاله پیرامون مازندران، گیلان و گرگان، (یک - سی و هشت)، پیشگفتار و مقدمه مولف (ص ۷-۱)، متن کتاب (ص ۳۴۶-۸)، فهرست اعلام (ص ۴۰۶-۳۴۸). توضیح: اعتماد السلطنه تألیف کتاب حاضر را در سال ۱۳۱۲ ق به انجام رسانده است. مؤلف در این کتاب به بیان تاریخ و جغرافیای منطقه پرداخته و در ضمن نکاتی جالب در باب اوضاع اجتماعی آنجا، مباحثی در باب تاریخ پیش از اسلام طبرستان، اقوام آن سامان، چگونگی ورود اسلام به طبرستان و سلسله‌های مختلف آن تا حدود و عصر صفوی را ذکر می‌کند. و در پایان نیز تراجم احوال رجال و علمای سوادکوه، به اضافه جدولی از مدت سلطنت سلسله‌های طبرستان آورده است. (ص: ز)

گفتنی است که تصحیح دیگری نیز از این کتاب با مشخصات زیر انتشار یافته است: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه مازندران)، به تصحیح مصطفی احمدزاده، انتشارات فکر روز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ۴۹۶ ص. این چاپ فاقد مقدمه مصحح است.

۴۳- نادر میرزا: تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات ستوده، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۳، شصت و چهار + ۶۸۸ ص.

کتاب مشتمل است بر عناوین و مقدمه مصحح (بیست و شش - شصت و یک)، عکس سه نمونه از صفحه اول نسخه دستنویس، متن کتاب (ص ۵۰۳ - ۱)، توضیحات و

شوستر زاده شد، مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفت و سپس برای تکمیل معلومات خود به سیر و سفر در شهرهای ایران و روم پرداخت. تا پایان عمر به تدریس و تألیف پرداخت و آثار متعددی از خود بجا گذاشت. کتاب حاضر یکی از مهمترین تألیفات اوست که در اوایل سال ۱۱۶۷ ق تألیف آن را آغاز و تا سال ۱۱۶۹ ق تدریجاً به تکمیل آن پرداخت. کتاب شامل چهل و چهار فصل در شرح علماء و شعراء و حکام و مساجد و مدارس و بقاع الخیر و نسب بعضی از سادات و وقایع مهمه‌ای است که در عصر مؤلف واقع شده است. (ص ۱۱).

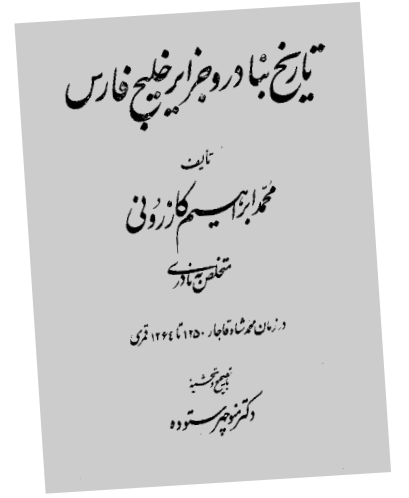
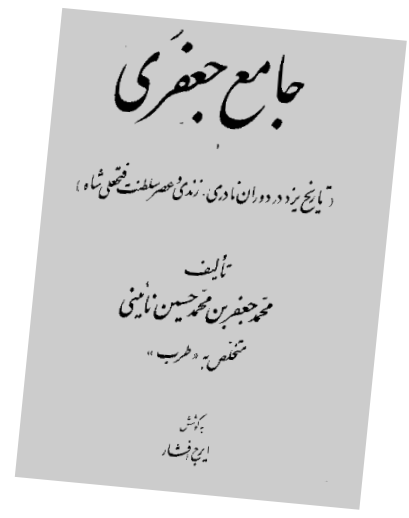
کتاب حاضر نخستین بار توسط مصححین یاد شده برای جامعه آسیایی در بنگال تصحیح شده و در سال ۱۸۴۸ م انتشار یافته است و بار دیگر در ۱۹۲۴ م با مقدمه انگلیسی منتشر شده است. چاپ حاضر عیناً مطابق با چاپ کلکته است.

کتاب‌های قرن سیزدهم:

۴۱- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان: مطلع الشمس یا تاریخ ارض اقدس (در جغرافیا و تاریخ مشروح بلاد و اماکن خراسان بویژه مشهد مقدس)، به کوشش تیمور برهان لیموده‌ی، انتشارات یساولی «فرهنگسرا» تهران، ۱۳۶۲، قطع رحلی، جلد ۱ و ۲ در یک مجلد، چهل + ۷۹۰ ص، جلد ۳ از ۷۹۱ تا ۱۴۴۱. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوشنده (شانزده - چهل)، متن کتاب (ص ۷۹۰-۱) و (ص ۱۲۵۸-۷۹۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۴۴۱-۱۲۶۵).

توضیح: کتاب حاضر که در واقع تتمه مرآة البلدان است، یکی از آثار معتبر و پرارزش در تاریخ و جغرافیای منطقه خراسان، بویژه مشهد به شمار می‌آید. این کتاب نخستین بار در سال‌های (۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ ق) به هنگامی که اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات بوده در سه مجلد در قطع رحلی منتشر شده است. جلد اول وضع جاده تهران به مشهد از لحظه خروج ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.) از تهران تا ورود به مشهد از راه دماوند و فیروزکوه و بسطام و بجنورد و قوچان را منزل به منزل وصف می‌کند و اوضاع هر یک از شهرها و روستاها را از جمیع جهات به‌طور مبسوط و همه‌جانبه شرح می‌دهد. جلد دوم وصف شهر مقدس مشهد، آثار و ابنیه و شرح اماکن متبرکه این شهر و اطراف آن، و زندگی‌نامه بزرگان و مفاخر آن بویژه شرح زندگانی امام هشتم (ع) است. همچنین فهرست منظمی نیز از کتاب‌های کتابخانه آستانه قدس رضوی را در علوم مختلفه در بخش پایانی خود به‌همراه دارد. جلد سوم شرح بازگشت ناصرالدین



سودمندی است. رساله‌ها بر حسب زمان تألیف چنین اند:

۱- روزنامه سفر استرآباد - شرح مسافرت شخصی است که در سال ۱۲۶۳ ق به همراه حاکم وقت میان طویف یموت و کولان سفر کرده است (ص ۱۰۳ - ۹۳)؛ ۲- شرح حال علما و ادبای استرآباد تألیف محمد صالح بن محمدتقی بن محمد اسماعیل استرآبادی متخلص به برهان (تألیف ۱۲۹۴ ق) (ص ۲۱۳ - ۱۰۷)؛ ۳- ترجمه سفرنامه‌ای از کلنل بدسفر لوات (C. Bedesford Lovett) کنسول انگلیس در استرآباد که در سال ۱۲۹۹ - ۱۲۹۸ ق به رشته تحریر درآورده است (ص ۲۶۲ - ۲۱۸)؛ ۴- نخبه سیفیّه تألیف محمدعلی قورخانچی صولت نظام که از طرف دولت در سال‌های ۲۱ - ۱۳۲۰ ق مأمور استرآباد بود و به مناسبت آن که حاجی سیف‌الدوله حکومت آن ناحیه را داشت رساله مفید خود را به نام او موسوم ساخت (ص ۹۰ - ۳)؛ ۵- متن سه وقفنامه، وقفنامه آب شهرآباد، وقفنامه مدرسه دارالشفاء و عراقی محله، وقفنامه روشن‌آباد (ص ۲۹۰ - ۲۶۷). در پایان کتاب فهرست‌های متعددی گنجانده شده است. (ص ۳۱۹ - ۳۹۱).

۴۶- تجویلداد، حسین بن محمدابراهیم: جغرافیای اصفهان (جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر)، (تألیف ۱۲۹۴ ق) به کوشش منوچهر ستوده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ۱۳۴۲، ۱۵۰ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح و یادداشتی از جلال‌آل احمد (ص ۴ - ۱)، متن کتاب (ص ۱۳۱ - ۷)، فهرست اعلام (ص ۱۵۰ - ۱۳۲).

توضیح: مطالب این کتاب محدود به مطالب جغرافیای طبیعی نیست. بلکه مولف بیشتر به جغرافیای انسانی پرداخته است. به اعتقاد مصحح محترم هیچ مؤلفی تاکنون، خاندان‌ها و خانواده‌های اصفهان را تا این درجه از دقت مورد بررسی قرار نداده است. در این کتاب اصناف مختلف مردم را به ۱۹۹ نوع تقسیم کرده است و در ذیل هر یک شرح کاملی از آنها آورده است. (ص ۳).

لازم به ذکر است که یکی از ایران‌شناسان برجسته معاصر - ویلم فلور - که در رشته جامعه‌شناسی دانش آموخته و در تاریخ ایران دوران صوفیه به بعد تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، قسمتی از کتاب حاضر را در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۱ ش) به انگلیسی ترجمه نموده و در پایان نامه خود - اصناف ایران در دوران قاجار - گنجانده است. (ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۲، ش ۱۲، مهر ۱۳۷۸، شماره پیاپی ۲۴ ص ۱۸).

در همین جا باید از مأخذ دیگری درباره جغرافیای اصفهان که با کتاب حاضر قابل قیاس است یاد کرد:

تعلیقات (ص ۶۲۷ - ۵۰۵) معنی پاره‌ای لغات و فهرست‌های راهنما (ص ۶۸۸ - ۶۲۹).

توضیح: نادر میرزا (۱۳۰۳ - ۱۲۴۳ ق) یکی از شاهزادگان با فرهنگ و دانش دوست قاجار است که چهل سال از عمر خود را در تبریز سپری کرد. او در طول این چهار دهه شاهد حوادث و وقایع بسیاری - بوده که در دوران ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳ - ۱۲۶۴ ق.) در تبریز اتفاق افتاده است. با این حال کتاب حاضر تنها شرح و بیان وقایع و رخداد‌های تبریز در دوره مزبور نیست بلکه مؤلف مباحث مبسوط و متنوع دیگری نیز در کتاب خود آورده است. از جمله بیان چگونگی تقسیم قنوت تبریز، بیان اسامی محله‌های شهر در قدیم و جدید، ذکر شعرا و حکما و معرفی حکام و فرماندهان تبریز در روزگار قاجار، اشاره به محصولات و تولیدات تبریز، معرفی خاندان‌های بزرگ و دست‌آورد مطالبی در خروج طغیان شیخ عبدالله و اکراد و نیز مطالب جزئی‌تر دیگر.

گفتنی است که کتاب حاضر یک بار در سال ۱۳۵۱ شمسی توسط محمد مشیری به صورت افست چاپ شده است. اما چاپ حاضر براساس، نسخه چاپ سنگی و دو نسخه خطی تصحیح و با کیفیتی بسیار مطلوب انتشار یافته است.

۴۴- بیک ارباب، محمدتقی: تاریخ دارالایمان قم، به کوشش [حسین] مدرسی طباطبایی، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۳، ۱۴۴ ص.

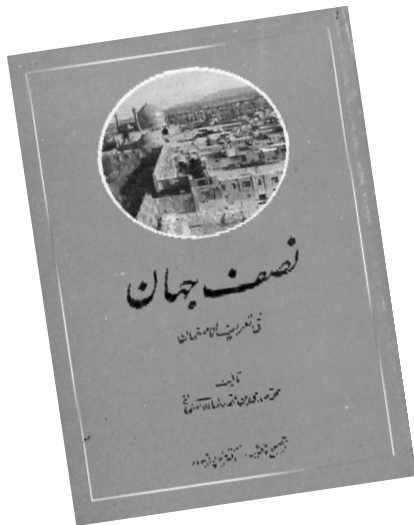
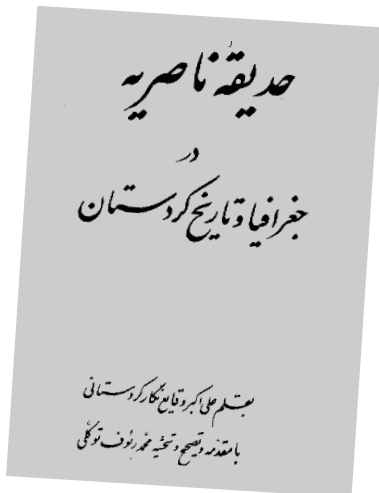
کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه کوشنده، متن کتاب (ص ۱۱۶ - ۷)، حواشی و فهارس (ص ۱۴۴ - ۱۱۹).

توضیح: نویسنده این کتاب از ادبا و فضایی قم در دوره ناصرالدین شاه بوده که به خواهش میرزا سید مهدی حکمران قم در سال ۱۲۹۵ ق اقدام به نگارش این اثر نموده است. این رساله همچنان که در دیباچه آن یاد می‌شود از نوشته‌هایی است که به منظور تدوین مرآة البلدان ناصری برای دارالتألیف همایونی نگارش یافته و در مجلد چهارم آن کتاب که به سال ۱۲۹۶ ق تدوین و چاپ شده از آن به عین الفاظ بهره گرفته شده است. (ص ۴) و نیز ر. ک: مدرسی طباطبایی: کتابشناسی آثار مربوط به قم، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۳، ص ۸۱ - ۷۳.

۴۵- استرآباد نامه؛ به کوشش مسیح ذبیحی، با همکاری ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۴۸، د + ۳۱۹ ص.

بعد از مقدمه‌های کوتاه از استاد ایرج افشار (الف - د) متن پنج رساله آورده شده است.

توضیح: کتاب حاضر حاوی پنج رساله ارزشمند است که هر یک در رابطه با استرآباد واجد اطلاعات و آگاهی‌های



به منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از نواحی مختلف کشور برای تدوین مرآت البلدان که مروج و مشوق حقیقی آن مانجی مذکور بوده، فراهم آمده است (ص. چهار). این اثر در واقع یگانه کتابی است که در تاریخ و جغرافیا و رجال شهر کاشان تألیف شده است. زیرا از اوایل دوران اسلامی تا دوره نادرشاه کاشان در جزو حکومت قم و اصفهان بوده از این رو کتاب مستقلی در تاریخ و جغرافیای آن پدید نیامده است.

تاریخ کاشان در بردارنده فواید عیدیه‌ای است. بویژه می‌توان از آن به عنوان منبعی مستند و معتبر درباره اوضاع اجتماعی ایران عصر قاجار یاد کرد.

۴۸- شوشتری، میرعبداللطیف خان: تحفة العالم و ذیل التحفة^{۲۶}، به تصحیح صمد موحد، چاپ گلشن، تهران، ۱۳۶۳، ۵۲۶ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۲۸-۱۱)، متن تحفة العالم شامل ۱۹ فصل (صص ۴۶۶-۳۱)، متن ذیل التحفة (ص ۴۸۲-۴۶۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۲۲-۴۸۶).

توضیح: سید عبداللطیف (۱۲۲۰-۱۱۷۲ ق) بعد از کسب علوم از افاضل عصر خود، به قصد (سیرو سیاحت، زادگاه خود - شوشتر - را به سوی عراق ترک نمود. او در سی سالگی عازم هند گردید. و در محرم ۱۲۰۳ ق وارد کلکته شد و تا هنگام مرگش (۱۲۲۰ ق) در حیدرآباد هندوستان زیست. او شرح سفر و دیده‌ها و شنیده‌های خود در هند را به تفصیل در تحفة العالم و ذیل آن آورده است (ص ۴۸۲-۲۳۸). اما ۲۳۸ صفحه نخست کتاب در واقع بیان تاریخ و جغرافیای تاریخی و وضع برخی از شهرهای خوزستان (بویژه شوشتر) و عراق و مناطق غرب ایران است. فصلوی نیز به شیوه تذکره‌ها به ذکر سادات شوشتر و احوال مؤلف و اسلافش اختصاص یافته است. این آگاهی‌ها و اطلاعات اگر چه از منظر تاریخ محلی بسیار سودمند است ولیکن بنا به اعتقاد مرحوم کسروی این مطالب تراوش قلم سیدعبداللطیف نبوده بلکه او به کتاب ارزشمند عمومی خود - سید عبدالله جزایری - یعنی تذکره شوشتر مکرر دستبرد زده و لذا بیشتر مطالب کتاب خود را از تذکره شوشتر برداشته است. چنان که عبارات نیز عبارات همان کتاب است. (ر. ک: کاروند کسروی، ص ۲۵۷ - و نیز مقدمه مصحح بر تحفة العالم، ص ۲۲). گفتنی است که مصحح محترم، کتاب حاضر را براساس چاپ سنگی تحفة العالم و نیز دو نسخه خطی آن تصحیح نموده و به طرز بسیار مطلوب منتشر کرده است. ۴۹- طرب نائینی، محمد جعفر بن محمدحسین: جامع جعفری (تاریخ یزد در دوران نادری، زندی و عصر

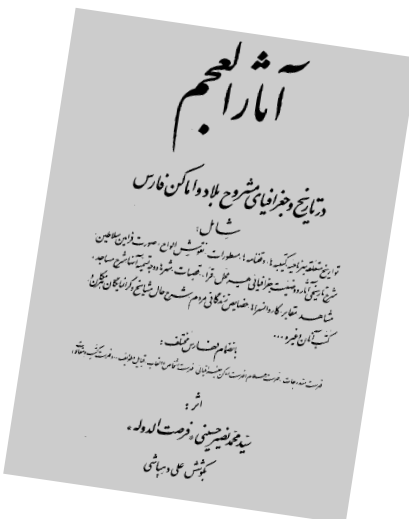
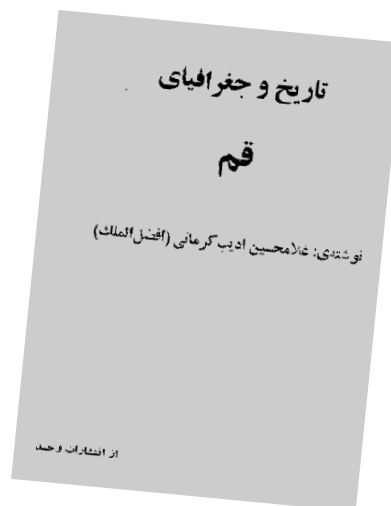
«کتابچه جغرافیای دارالسلطنه اصفهان و بلوکات و توابع» که به دستور ظل السلطان در سال ۱۲۹۹ ق به سعی و اهتمام میرزا سلیمان خان رکن‌الملک نایب‌الحکومه فراهم شده و گویا جزء ثبت‌ها و کتاب‌هایی است که به منظور تألیف مرآت البلدان ناصری برای دارالتألیف همایونی تألیف گردیده است. حسین مدرسی طباطبایی راجع به همین اثر در مقاله‌ای تحت عنوان «مأخذی تازه برای تحقیقات مربوط به اصفهان» (ر. ک: مجله وحید ۱۲ (۱۳۵۳) - ۳۷۵ - ۳۷۱) می‌نویسد: «کتاب مورد بحث از نظر موضوع و عنوان با «جغرافیای اصفهان» میرزا حسین تحویلدار (چاپ ستوده) یکی است جز آن که از رهگذر احتواء بر احصائیه و امار دقیق نفوس و اماکن شهر اصفهان و بلوکات و توابع آن بسیار مهمتر است همچنان که آن دیگری از نظر وصف اوضاع اجتماع آن دوره اصفهان بر این اثر مزیت و برتری نمایان دارد...» (ص: ۳۷۲، ۳۷۱).

وی درخصوص ضرورت نشر این کتاب می‌نویسد: «از آنجا که این نسخه از نظر به دست دادن دقیق وضع جغرافیایی و بسیاری نکات تاریخی یک قرن پیش اصفهان اثری ارزنده و مهم است و از سویی دیگر تاکنون در جایی شناسانده نشده دیباچه کوتاه و فهرست اجمالی مطالب آن در اینجا آورده می‌شود به این امید که صاحب همتی از فضلالی آن شهر به نشر آن اهتمام ورزد...» (ص. ۳۷۲) برای بررسی اجمالی دیگری از همین اثر بنگرید به: رجائی زفره‌ای، محمدحسین: جغرافیای دارالسلطنه اصفهان، وحید، ۱۲ (۱۳۵۳) - ۴۷۸ - ۴۷۷.

۴۷- ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم بن صادق ضرابی (متخلص به سهیل کاشانی): تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، به انضمام یادداشت‌هایی از اللهیار صالح، انتشارات ابن‌سینا، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۱، بیست و یک + ۶۱۴ ص. مصور.

کتاب محتوی است بر مقدمه مصحح (سه - یازده)، متن کتاب (ص ۴۵۸-۲) تعلیقات و توضیحات (ص ۵۶۴-۴۵۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۶۱۴ - ۵۶۵) تصاویر (بیست مورد).

توضیح: نام اصلی کتاب حاضر مرآت القاسان است. این کتاب در جواب سؤالاتی تهیه شده که از مرکز مملکت به تشویق مانجی لیمجی هاتریا پارسی از حاکم کاشان خواستار بوده‌اند و حاکم وقت که جلال‌الدین میرزا احتشام‌الملک بوده است حصول این امر مفید و مهم را از عبدالرحیم کلانتر ضرابی درخواست کرده است. مؤلف در سال ۱۲۸۷ ق تألیف کتاب را آغاز و در سال ۱۲۸۸ ق به اتمام رسانده است. این کتاب نیز همانند نصف جهان فی تعریف الاصفهان (تألیف محمد مهدی اصفهانی)، در واقع



دریای فارس از بندر محمره [خرمشهر] که در کنار شط کارون واقع است تا بندر مینا و...»

باب دوم: «در چگونگی و حقایق جزایری که در بندر خلیج فارس واقع است و ذکر هر جزیره را در مقابل هر بندر که واقع است متعرض می‌گردد. هر یک از این دو باب نیز مفصل می‌شوند به فصول متعدد، به قدر آبادی و خرابی و جمعیت و پریشانی آن بندر و جزیره» (ص ۲۵ و ۲۶).

کتاب حاضر براساس سه نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی ملک، مجلس سنای سابق و مجلس شورای اسلامی تصحیح شده است.

۵۱ - رشوند، محمدعلی خان: مجمل رشوند (شرح وقایع و گزارش‌های تاریخی منطقه رودبار و الموت، نواحی اطراف آن و قزوین در سال‌های ۱۲۷۱ - ۱۲۷۶ قمری). به تصحیح منوچهر ستوده، عنایت‌الله مجیدی، نشر میراث مکتوب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، پنجاه و شش + ۳۸۷ ص. مصور، عکس، نمونه.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصححان (یک - پنجاه و شش)، متن کتاب (ص ۲۰۳ - ۱)، تعلیقات (ص ۲۵۱ - ۲۰۶)، فهرست‌های راهنما (ص ۴۱۵ - ۲۵۵).

توضیح: کتاب حاضر بخش دوم از کتاب مجمل است که حاوی مسائل تاریخی و وضعیت اجتماعی مردم رودبار و الموت و نواحی اطراف آن و حتی شهر قزوین در بین سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۶ ق است. مؤلف آگاهی‌های ارزشمندی در باب موضوع‌های گوناگون به دست می‌دهد: وضعیت ایل رشوند و شیوه زندگی این ایل، طایفه‌ها، خاندان‌ها و ایل‌های دیگر منطقه، چگونگی تربیت و تجهیز سرباز و سوار نظام، جغرافیایی محلی این سامان، محصولات و طرز گردآوری مالیات‌ها و مصارف آن، نحوه برخورد حکام و شاهزادگان با رعایا و کشاورزان، موضوع پیشکشی و تعارف‌های معمول دوران قاجار، بعضی بیماری‌ها و چگونگی درمان آنها، اعیاد و مراسم رایج در بین مردم و مطالب و گزارش‌های بسیاری از چگونگی احوال نواحی اطراف رودبار، نیز مردان سیاسی و دینی آن روزگار قزوین - علاوه بر این‌ها گزارشی نیز از شرکت سوار نظام ایل رشوند در جنگ هرات و بازگشت آنها به منطقه نیز آورده شده است. غالب اطلاعات و مطالب مجمل انحصاری است و در هیچ اثر تاریخی و جغرافیایی دیگر، مشابه آنها را نمی‌توان یافت. با توجه به این که تاکنون کتاب مستقل و جامعی در باب مردم این منطقه وسیع کوهستانی تألیف نشده، اثر محمدعلی خان رشوند را باید ارج نهاد. (ص. سه و چهار).

۵۲ - وزیر کرمانی، احمدعلی خان: تاریخ کرمان (سالاریه) ۲۷ به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی،

سلطنت فتحعلی شاه): به تصحیح ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳، بیست و هشت + ۹۲۹ ص. مصور، یک برگ نقشه.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (یک بیست و هشت)، عکس برگی از نسخه خطی و تصاویر متعدد، متن کتاب (ص ۸۷۷ - ۱). توضیحات و فهرست‌های متعدد راهنما (ص ۹۲۹ - ۸۸۱).

توضیح: طرب نائینی در ۱۲۲۰ ق، در اصفهان تولد یافت، علوم ادبی و دینی رایج زمان را در نزد بزرگان آموخت. توانایی وی در نویسندگی موجب اشتغال او در امور دیوانی شد. زمانی که محمد ولی میرزا به مدت هفت سال (۱۲۳۶ الی ۱۲۴۳) والی یزد بود، طرب نائینی سمت دفتر انشاء شاهزاده را بر عهده داشت. حتی پس از آن که عبدالرضا خان قیام کرد و به حکومت یزد رسید، طرب سمت منشیگری را در دستگاه عبدالرضا خان حفظ کرد. (ص هفده).

طرب در سال ۱۲۵۴ ق به تألیف این اثر همت گماشت. کتاب به «طور اختصاص اخبار و وقایع مربوط به دوران حکومت «خوانین» این شهر [یزد] و حالات افرادی چند ازین خاندان مقتدر راه که از سال ۱۱۶۱ ق تا برافتادن بساط حکمرانی عبدالرضا خان، در خاک یزد حاکم و فرمانروای بانفوذ بوده و منشأ حفر قنوات متعدد و آبادانی‌ها و تأسیسات شهری زیاد بوده‌اند، در بر دارد در افواه به کتاب تاریخ خوانین نیز شهرت یافته است.» (ص نه) کتاب متضمن فواید عدیده‌ای است از جمله ضبط نحوه اجرای اصول حکومتی در ولایات که از عین دستورالعمل شاهزاده محمدولی میرزا عاید می‌شود. نظیر این دستورالعمل در مراجع دیگر دیده نشده است، وجود اصطلاحات نادر، به دست دادن مفاهیم بعضی از اصطلاحات، ضبط اصطلاح در باب حرف و اصناف یزد و نیز صاحبان مناصب و مقامات حکومتی و... (ص: بیست).

۵۰ - کازرونی، محمد ابراهیم (متخلص به نادری): تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، به تصحیح منوچهر ستوده، مؤسسه فرهنگی جهانبگیری، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، هفت + ۱۸۵ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (پنج - هفت)، متن کتاب (ص ۱۴۹ - ۱). فهرست‌های راهنما (ص ۱۸۶ - ۱۵۱). تصاویر.

توضیح: مؤلف کتاب حاضر در زمان محمدشاه قاجار (سلطنت: ۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ق.) مأموریت یافته تا وضعیت بنادر و جزایر خلیج فارس را مطالعه و بررسی کند. این اثر در واقع حاصل سفر دور و دراز مؤلف به مناطق مزبور است. کتاب بعد از مقدمه دارای دو باب است.

باب اول: «در حقیقت و چگونگی بنادر واقعه در سواحل

آثار عجم

محمّد نصیر فرست شیوازی

(۱۲۳۹ - ۱۲۷۱ هجری لری)

تصحیح و تفسیر
از:
منصور رستگار فسانی
(چند جلد)



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۷۲

می آید. به ویژه آن که مؤلف خود از دست اندرکاران دستگاه حکومتی در عهد قاجار بوده است. دقت نظر مؤلف باعث شده که قسمت‌های زیادی از تاریخ کردستان از خطر فراموشی مصون ماند.

کلیفات قرن چهاردهم:

۵۴ - ارباب، محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی: نصف جهان فی تعریف الاصفهان^{۴۸} (تألیف ۱۳۰۰ ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۰، ع + ۳۷۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - بیج =) ۱۳ ص؛ خطبه کتاب (ص ۳-۱)، مقدمه مؤلف (ص ۳-۶) و شش فصل. فصل اول: در بیان کلیات حالات اصفهان و ناحیه آن و تغییرات اسمی و نسبی که در آن روی نموده است. (ص ۲۰-۷)؛ دوم: در قسمت این ناحیه به شهر و بلوک و غیر آن و وضع شهر و حدود آن. (ص ۲۹-۲۱)؛ سوم: در اجزای صنایع اصفهان و امور متعلقه به آن (ص ۸۱-۳۰)؛ چهارم: در امور طبیعی اصفهان (ص ۱۲۸-۸۲)؛ پنجم: در تاریخ اصفهان و ابتدای بنای آن و وجه تسمیه آن بدین اسم (ص ۱۲۹-۲۹۵)؛ ششم: ذکر بلوکات اصفهان (ص ۳۳۶-۲۹۶). فهرست‌ها (ص ۳۷۳-۳۳۷).

توضیح: بنا به گفته مصحح محترم اثر حاضر جزء کتابهایی است که برای تنظیم مرآت البلدان ناصری در دوران ناصرالدین شاه تهیه و تنظیم شده است. این دسته از کتب نتیجه دقت و بررسی‌های افرادی بوده که پایه علمی و ادبی داشته‌اند و نتیجه مطالعات چندین ساله و مشاهدات محلی خود را به صورت کتابی تقدیم ناصرالدین شاه کرده‌اند تا مطلعین و اهل فن آنها را مورد مطالعه قرار دهند و مطالبی از آنها را برای تألیف مرآت البلدان ناصری برگزینند. (ص: الف).

تألیف کتاب حاضر در سال ۱۳۰۰ ق. اتمام یافته و به نظر دستگاه دولتی رسیده است. مؤلف در تألیف این اثر تنها به مشاهدات و اطلاعاتی که از دیگران کسب کرده اکتفا نکرده بلکه از بسیاری کتب و رسائل موجود درباره اصفهان نیز بهره برده است. برخی از مطالب کتاب در نوع خود چنان دقیق و مفصل است که در هیچ منبع دیگری نمی‌توان یافت.

نسخه منحصر به فرد این اثر جزء کتبی بوده که شیندلر (Schindler) هنگام مسافرت به ایران خریداری کرده است. ادوارد براون در ۱۹۱۷ م کتاب مزبور را برای دانشگاه کمبریج ایتالیایی نمود و پس از مطالعه آن، هفت مورد از

انتشارات کتابخانه خاندان فرمانفرمائیان، تهران، ۱۳۴۰، ۱۳۷۱، قعب + ۵۶۴ ص + ۷-۱، مصور.

کتاب محتوی است بر مقدمه مفصل و طولانی مصحح شامل «نظر اجمالی به حوادث تاریخ کرمان (ط تا عح [= ۷۰ ص]، «منابع و مأخذ تاریخ کرمان (عح تا قحج [= ۶۴ ص]»، «وزیری و تاریخ او (قحج تا قعب [= ۲۹])؛ متن کتاب (ص ۴۵۶-۱)، توضیحات و اضافات (ص ۴۹۴-۴۵۷)، تصاویر و فهراس عدیده (ص ۴۹۴-۵۶۴) مقدمه حافظ فرمان فرمائیان به انگلیسی (۷-۱-P).

توضیح: احمدعلی خان وزیری (۱۲۹۴-۱۲۲۵ ق) در کرمان زاده شد، در آنجا به تحصیل پرداخت و با آن که کسالتش همه از دیوانیان بودند، او به فلاحت مشغول شد. وی در سال‌های ۳- ۱۲۹۱ ق. کتاب حاضر را که شامل وقایع کرمان از آغاز تا زمان آغامحمدخان قاجار می‌باشد، به رشته تحریر درآورد. پس از مرگ وی پسرش علی محمد ملقب به آقاخان دنباله تاریخ را تا زمان حسام‌الملک (سال ۱۳۱۷ ق) نوشته است و به نام فرمانفرما سالار لشکر، سالاربه نامیده است، وزیری کتاب دیگری نیز در جغرافیای کرمان نوشته است که به کوشش استاد باستانی پاریزی در سال ۱۳۵۳ در ۲۸۶ صفحه انتشار یافته است. مطالب کتاب حاضر از آن جهت که در برخی موارد از منابعی اقتباس شده که اکنون در اختیار نیست، حائز کمال اهمیت است. همچنین امتیاز مهم دیگر کتاب در آن است که مؤلف وقایع دوره‌های افشاریه، زندیه و اوایل قاجاریه را دقیقاً از این و آن شنیده و اسامی افراد و امکنه را به دقت و رویدادها را با جزئیات تمام و کمال بیان نموده است و از این جهت منحصر به فرد شمرده می‌شود. (ص: قحج)

۵۳ - وقایع نگار کردستانی، علی اکبر: حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان، به تصحیح محمد رفوف توکلی، چاپخانه ارژنگ تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ۳۴۴ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۹-۱)، چند کلیشه از نسخه‌های خطی، متن کتاب (ص ۱۴-۳۲۳)، فهرست اعلام (ص ۳۴۴-۳۲۶).

توضیح: مؤلف کتاب، عموزاده مستوره کردستانی، شاعره و صاحب تاریخ اردلان (در تاریخ کردستان) می‌باشد. وی در دستگاه حکمرانان اردلان و والیان کردستان علاوه بر سمت منشیگری و وقایع نگاری، سمت مشاور و آمارگر و وصول کننده مالیات را نیز داشته است. به گفته خودش این کتاب خلاصه کتاب دیگری است که آن را تاریخ الاکرد نامیده و به خاطر تقدیم به ناصرالدین شاه قاجار (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.)، نام حدیقه ناصریه را بر آن نهاده است. (ص ۸) کتاب از منابع معتبر تاریخ کردستان به حساب

تحفة ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان

تألیف
میرزا شکرالله سنندجی (فخرالکتاب)
با
مطالعه و تصحیح، حواشی و تعلیقات

به اهتمام
بنیاده دربار فیلد کره
از
دکتر حشمت‌الله طبعی



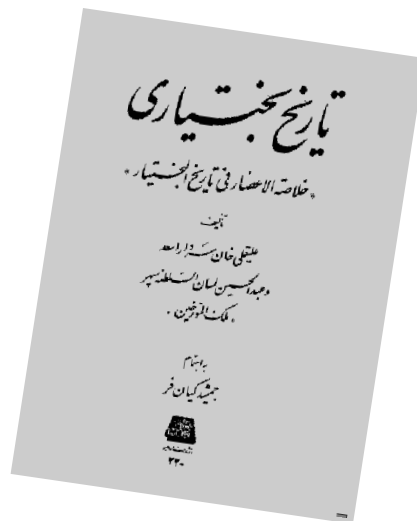
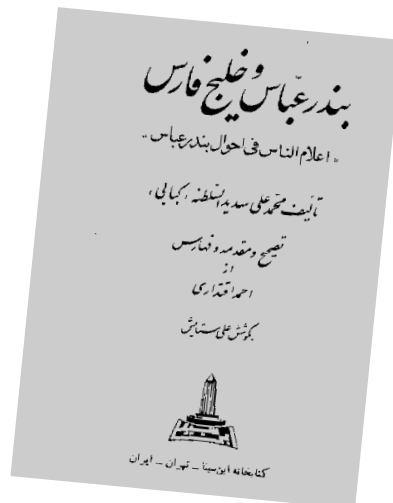
مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۶۶

حاج میرزا حسن خان جابری ناصری

تاریخ اصفهان

ترتیب و تصحیح و تعلیق
چشمید مظفهری (سرمدی)

۱۳۷۸



نکات مهم کتاب را بر روی ورق اول آن یادداشت کرده است. مصحح محترم از روی نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اقدام به تصحیح این اثر کرده است.

۵۵ - ادیب کرمانی، میرزا غلامحسین (ملقب به افضل الملک): تاریخ و جغرافیای قم، [به تصحیح حسین مدرس طباطبایی]، انتشارات وحید، تهران، بی تا، تاریخ مقدمه: ۱۳۵۴ ش، ۲۷۱ ص.

کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه مصحح (۲ ص)، معرفی اجمالی مؤلف و کتاب به قلم سیف الله وحیدنیا (ص ۱۴-۴)، متن کتاب (ص ۲۷۱-۱).

توضیح: افضل الملک (۱۳۴۸-۱۲۷۹ ق) بعد از تحصیل علوم متداول زمانه، در دستگاه حکومتی قاجار عهده دار مشاغل عده ای گردید. از جمله چندی پیشکار مالیات قم و ساوه و زرنند بود. همچنین به فرمان دولتی به رتبه استیفاء نائل آمد. در ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه به موجب فرمان دولتی مأمور گردید تا هر ساله تاریخ دولتی و وقایع سلطنتی، تغییر و تعیین وزراء و حکام را به راستی و درستی بنگارد. وی از اعضای دارالتألیف ناصری بود. روزنامه های عربی را که از مصر و اسلامبول می رسید برای ناصرالدین شاه ترجمه می کرد. همراه وی سفرهای متعددی نمود که حاصل آن نگارش برخی سفرنامه ها بوده است. در مدت اقامت در مازندران کتابی در تاریخ قدیم و جدید آن خطه با عنوان رکن الاسفار نوشت. وی در سال ۱۳۰۴ قمری در ملازمت شاهزاده علی نقی میرزا حکمران قم و ساوه و زرنند به قم آمد و هفده ماه در این شهر اقامت داشت و چون در دستگاه حکومتی بود «از روی کتابچه جزو جمع و استفسار از بعضی آگاهان و رفتن به بلوکات رساله ای با نام «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم» در ۱۳۰۵ ق تدوین و به منظور استفاده در یکی از کتاب های جغرافیا حضور اعتمادالسلطنه تقدیم کرد. (ص ۲)

افضل الملک در تعریف از کیفیت تألیف خود می نویسد: «بحمدالله تاریخ حالیه و ژغرافیای قم نوشته شده هیچ نکته ای فروگذار نکردیم و یک سطر هم از روی تاریخ معروف قدیم قم درج نکردیم... و خوشه چین خرمن هیچ یک از مورخین و ژغرافیادان های قدیم نشده کار را به آن پایه رساندیم که هیچ کس به آن پایه ارتقاء نجسته است.» (ص ۲۵۳)

۵۶ - حسینی فسائی، حاج میرزا حسن: فارسانه ناصری^{۳۹}، به تصحیح منصور رستگار فسائی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۹۷۴ ص، مصور، نقشه، جدول، عکس.

کتاب مشتمل است بر مقدمه بسیار مفصل و سودمند

مصحح (ص ۱۶۴-۹)، متن کتاب، جلد اول: (ص ۸۶۶-۱۶۷)، جلد دوم: (ص ۱۶۷۶-۸۷۱)، فهرست های راهنما (ص ۱۹۷۴-۱۶۷۹).

توضیح: فسائی (۱۳۱۶-۱۲۳۷ ق) از جمله بزرگان علم و دانش خطه فارس در قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری بوده است. او را از طبیبان نامدار فارس نیز دانسته اند. وی کتاب حاضر را به فرمان ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) در تاریخ و جغرافیای فارس در میان سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۱ ق نوشته و آن را فارسانه ناصری نامیده است.

کتاب مشتمل است بر تاریخ، جغرافیا و جغرافیای تاریخی فارس. مؤلف مباحث و مطالب کتاب را به دو گفتار [جلد] تقسیم کرده است، در گفتار [جلد] نخست، احوال پادشاهان و فرمانروایان و اعیان مملکت فارس را از صدراسلام تا سال ۱۳۰۰ ق. آورده و در گفتار [جلد] دوم به بیان صفحه زمین فارس و آنچه را خدای تعالی بر آن آفریده یا مردم در آن ساخته اند، اختصاص داده و به ترتیب ضمن مقدمات علمیه به ذکر تقسیم فارس در دوره پیش از دولت اسلام، خصائص شیراز و محلات شیراز، علما، شعراء، وزراء، بقاع، مساجد، مدارس، بساتین شیراز پرداخته و سپس به ترتیب الفبایی به شرح بلوکات فارس، آب و هوا و محصولات و مشاهیر و آثار آنها پرداخته و در پایان از ایلات مملکت فارس، به ترتیب الفبایی، جزایر خلیج فارس، چشمه ها و دریاها و دریاچه های فارس، رودخانه ها، صحراها و طوایف متفرقه، قلعه های کوهی، کوه ها و معدن های فارس سخن رانده و فهرست دهات بلوکات فارس را ضمیمه آن ساخته است. (ص ۳۵) علاوه بر اینها فسائی در جلد اول کتاب خود دقیقاً اوضاع و احوال اجتماعی و حوادث و وقایعی را که دیگر تاریخ نویسان متذکر آن نشده یا از آن ها به تسامح گذشته اند، مشروحاً و دقیقاً مطمح نظر قرار داده است. (ص ۹۱).

گفتنی است که بخش قاجار جلد نخست فارسانه به وسیله پروفیسور هربرت بوسه (Herbert Busse) به انگلیسی ترجمه شده و تحت عنوان History of Persia under Qajar rule در سال ۱۹۷۲ م در سلسله انتشارات میراث ایران: (Persian Heritage) انتشار یافته است. این کتاب دارای مقدمه و پیشگفتاری در ۳۹ صفحه و متنی در ۴۹۴ صفحه مشتمل بر ذیل، کتابشناسی و فهرست راهنما می باشد.

۵۷ - نصیر حسینی، میرزا سیدمحمد (ملقب به فرصت الدوله و متخلص به فرصت): آثار العجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس. به کوشش علی دهباشی، انتشارات فرهنگسرا، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲

تاریخ لارستان

از: سید علاء الدین مورخ لاری

تصحیح و تحشیه محمد باقر وثوقی

میرزا قاجار که مرحوم فرصت آن را با خط و نقاشی خود در کتاب «دریای کبیر» آورده و مصحح محترم آن را عیناً در پایان این کتاب گنجانده است، فهرست اعلام دو جلد (ص ۱۱۵۴-۱۰۴۵) یک برگ نقشه فارسی به نگارش مرحوم فرصت به تاریخ ۱۳۱۱ ق.

۵۸ - سندی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب): تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به تصحیح حشمت الله طیبی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ن + هفتاد و سه + ۵۹۱ ص.

کتاب مشتمل بر پیشگفتار مصحح (ح - ن = [۱۷])، کلیشه چند صفحه از دو نسخه خطی، مقدمه مصحح شامل پنج مقاله تحقیقی: ۱- منشاء نژادی کرد، ۲- مهاجرت قبایل کرد به غرب ایران، ۳- زبان کردی، ۴- دین و مذهب در کردستان، ۵- تصوف و عرفان در کردستان (سه - هفتاد و دو)، متن کتاب (ص ۴۲۸-۱)، حواشی و تعلیقات (ص ۵۳۹-۴۳۱)، فهرست اعلام (ص ۵۹۱-۵۴۳).

توضیح: میرزا شکرالله فخرالکتاب در سال ۱۲۷۵ ق، در سنجند به دنیا آمد و در سال ۱۲۹۳ ق در سن هیجده سالگی به عنوان منشی شرف الملک به خدمت در حکومت کردستان درآمد و تا زمان حکومت ناصرالملک قراگوزلو (۱۳۲۳-۱۳۱۹ ق) در حکومت کردستان عهده‌دار مشاغل مختلفی بود. تألیف این کتاب را در سال ۱۳۱۹ ق به پایان رساند و به مظفرالدین شاه پیشکش نمود. کتاب حاضر علاوه بر جغرافیای مختصر کردستان، ذکر تاریخ فرمانروایی ولایت اردلان است. از آنجا که مؤلف از سنین جوانی وارد دستگاه حکومت کردستان شده و در حدود سی سال (تا سال ۱۳۱۹ ق) در حکومت مزبور مصدر برخی مناصب و مشاغل بوده و خود از نزدیک شاهدی صادق بر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خطه کردستان بوده؛ کتاب او به عنوان یک منبع سودمند در تاریخ محلی، حاوی آگاهی‌ها و اطلاعات ارزشمندی درباره کردستان است.

وی می‌نویسد: «مورخ باید صادق و بی‌غرض و عاری از تعلق باشد و رفتار و کردار هر طبقه را از روی حقیقت و درستی بنویسد.» (ص ۶۶) بنابر همین نظرگاه است که وی در جای جای اثر خود به بیان خصوصیات اخلاقی مردم، به ویژه طبقه اعیان و اشراف و علمای کردستان پرداخته، از جور و تعدی حکام و مباحثین و ناپسامانی‌های اجتماعی و ردایب اخلاقی مردمان همزمانش شکایت می‌کند. بخش دیگری از کتاب که به جغرافیای کردستان اختصاص دارد برای شناخت ایلات و عشایر کرد حائز اهمیت بسیار است. (صفحه: ک)

۵۹ - جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان: تاریخ اصفهان^۵، به تصحیح جمشید مظاهری (سروشیار)، نشر

قطع رحلی، افست از روی چاپ سنگی طبع بمبئی هند، شانزده + ۶۵۳، مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه علی دهباشی (ده - شانزده)، متن کتاب (ص ۶۰۴-۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۶۵۳-۶۰۵).

توضیح: فرصت‌الدوله (۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق) بخش اعظم عمر خود را به تحصیل علوم و تألیف کتب پرداخت. اندکی بعد از مشروطیت به ریاست معارف فارس منصوب شد، و مدتی بعد رئیس عدلیه فارس گردید. مؤلف در سبب تألیف کتاب می‌نویسد: در سال ۱۳۱۰ قمری نظام السلطنه حاکم وقت فارس فرمودند در فارس امکنه بسیار هست که هنوز کسی قدمی در آنها نگذاشته و نقشه بر نداشته. باید همتی نموده نقشه برداشته بنیاد و تلیف کتابی نمایم. (ص ۴) فرصت‌الدوله در پی این فرمان از تهران عازم فارس شده و با سیر و سفر در جای جای این منطقه به ثبت و ضبط دیده‌های خود می‌پردازد. او می‌نویسد: «مطالبی را که در عرض راه سفر، روز به روز به هنگام برداشتن نقشه آثار قدیمه نوشتیم و به هر مکانی که می‌رسیدیم در اوراق متفرقه یادداشت می‌نمودم، آنها را به عینه در این دفتر جمع‌آوری کرده مجموعه‌ای ساختم و آن را موسوم نمودم به آثار العجم.» (ص ۴) مؤلف علاوه بر نوشتن مشروح گزارش اماکن مورد بازدید، به ترسیم نقشه‌هایی نیز پرداخته است. ضمن آن که از آثار باستانی با هنرمندی تمام تصاویری نیز فراهم آورده است. به همین جهت فراهم آورنده کتاب از او به عنوان «اولین باستان‌شناس ایرانی» (ص ۱۴) یاد کرده است. در مجموع از این اثر ارزشمند آگاهی‌های فراوانی درخصوص تاریخ و جغرافیای استان فارس می‌توان یافت از قبیل: تواریخ متعلقه به هر ناحیه، کتیبه‌ها، وقف‌نامه‌ها، مسطورات، نقوش الواح، صورت فرامین سلاطین، شرح تاریخی آثار و بناهای باستانی وضعیت جغرافیایی هر محل، قراء، قصبات، شهرها و وجه تسمیه آنها، شرح مساجد، مشاهد، مقابر، کاروانسراها، خصایص زندگانی مردم، شرح حال مشایخ و گرانمایگان هر مکان، کتب آنان و غیره... گفتنی است که در سال‌های اخیر استاد رستگار فسایی آثار عجم را به صورت منقح و مطلوب تصحیح نموده و با مقدمه‌ای مفصل منتشر کرده‌اند. با این مشخصات: آثار عجم، به تصحیح منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ۲ جلد، مصور، نقشه؛ جلد اول شامل مقدمه مصحح (ص ۱-۴)، زندگینامه فرصت شیرازی به قلم مصحح (ص ۵-۱۳۴)، متن کتاب (ص ۳۳۵-۱)؛ جلد دوم شامل متن کتاب (ص ۷۰۱-۴۳۷) شیرازنامه [جزء دوم آثار عجم]، (ص ۱۰۰۳-۷۰۳)، تعلیق شامل متن «نامه خسروان» از جلال‌الدین

الاصفهان

نویسنده
میرزا علی
ابن شهرآورد

به کوشش
محمد رضا ریاضی

سازمان میراث فرهنگی کشور
۱۳۷۶

تاریخ طوس

أو
نشد الرضوی

مترجم
الدیور الی‌الافتدیه الم
محمد مرشد العسری

مطبعة قنصلیة: همدان
۱۳۴۶
۱۹۲۷

مشعل، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۸، ۴ جلد در یک مجلد، سیزده + ۷۱۷ ص - مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص یک - سیزده)، جلد نخست: مهمات مباحث اصفهان (ص ۳-۴۵)، یادداشت‌های جلد نخست (ص ۴۹-۱۰۳)، جلد دوم شرح پاره‌ای مبانی ملتی و دولتی (ص ۱۰۷-۱۸۲)، یادداشت‌های جلد دوم (ص ۱۸۵-۲۲۶)، جلد سوم: سرگذشت ناموران هنری (ص ۲۶۹-۳۴۸)، یادداشت‌های جلد سوم (ص ۳۵۱-۴۱۲)، جلد چهارم: جغرافیای شهر و نواحی (ص ۴۵۶-۴۱۵)، یادداشت‌های جلد چهارم (ص ۴۵۹-۴۸۱)، فهرست راهنما، گزیده منابع یادداشت‌ها، عکس‌ها (ص ۷۱۷-۴۸۳). توضیح: جابری انصاری (۱۳۵۵-۱۳۴۹ ق) از فضلاء و علمای قرن اخیر است که در دوران عمر طولانی خود آثار بسیار زیادی را به رشته نگارش درآورد. وی در دوران مشروطیت با دفاع و حمایت از این نهضت در زمره مشروطه خواهان درآمد. بیشتر مطالبی که او در دوران نهضت مشروطه نگاشته عمدتاً معطوف به «ترقی دولت و ملت ایران» است.

کتاب حاضر یکی از آثار ارجمند نویسنده درباره تاریخ اصفهان است. جلد اول و دوم و چهارم این مجموعه، برگرفته از کتاب مشهور وی، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان و جلد سوم، رساله‌ای است که مؤلف در اواخر ایام عمر با عنوان جلد سوم تاریخ اصفهان دست‌اندرکار طبع آن بوده که در اواسط کار در گذشته است. در مجموع هر چهار اثر مورد اشاره در خصوص تاریخ اصفهان آگاهی‌های ارزشمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۶۰ - سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان (مشهور به کبابی): بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس) در جغرافیای تاریخی بندرعباس و جزائر خلیج فارس، به تصحیح احمد اقتداری، به کوشش علی ستایش، کتابخانه ابن سینا، تهران ۱۳۴۲، شانزده + ۷۳۶ نود و پنج ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (چهار - شانزده)، متن کتاب (ص ۱-۷۳۶)، فهرست مطالب و اعلام (یک - نود و پنج).

توضیح: سدیدالسلطنه کبابی (۱۳۶۲-۱۲۹۱ ق / ۱۳۲۰-۱۲۴۹ ش) در حدود هفتاد سال از زندگی خود را در خدمات دیوانی و دولتی و مسافرت‌های تحقیقی و تتبع در مسایل مختلف خلیج فارس به خصوص جغرافیای تاریخی بندرها و جزیره‌های آن به سر آورد. خدمات اداری و دولتی وی عموماً در خلیج فارس بوده و به مشاغل از قبیل فتح بندر لنگه و طرد محمدبن خلیفه در بندر مزبور در سال ۱۳۱۶ ق و ریاست تذکره خلیج فارس در ۱۳۱۷ ق و کفالت

و کارگزاری بنادر در ۱۳۱۸ ق و برخی مشاغل دیگر در منطقه بندرعباس و خلیج فارس اشتغال داشته است. (ص: هفت) وی در طول زندگی آثار متعددی به رشته نگارش درآورده است.

از جمله کتاب حاضر را در سال ۱۳۲۴ ق آغاز و در ۱۳۲۹ ق در دو جلد به پایان رسانده است. باتوجه به اشتغال هفتادساله نویسنده در منطقه بندرعباس و خلیج فارس نوشته‌های او در خصوص مناطق مزبور از دقت نظر زیادی برخوردار است.

۶۱ - سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان^{۵۱}: سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان (مغاض اللئالی و مناراللئالی)، استخراج، تنظیم، تحشیه و تعلیقات: احمد اقتداری، انتشارات جهان معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱، ۴۲۳ ص.

کتاب مشتمل است بر فهرست موضوعات (ص ۱۵-۵)، مقدمه مصحح (ص ۱۹-۱۷)، دیباچه نویسنده (ص ۲۱)، متن کتاب (ص ۴۱۶-۲۳)، فهرست راهنما (ص ۴۲۳-۴۱۹). توضیح: سدیدالسلطنه بعد از اتمام نگارش دو کتاب مفاتیح الادب فی تواریخ العرب [تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، تصحیح: احمد اقتداری، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰] و اعلام الناس فی احوال بندرعباس [ر. ک. شماره ۶۰ همین کتاب‌شناسی] در سال ۱۳۳۱ ق، اقدام به جمع‌آوری یادداشت‌ها و نوشته‌های سال‌های قبل خود نموده و تألیف اثر حاضر را در دو قسم ترتیب داده و آن را مغاض اللئالی و مناراللئالی نامیده است. (دیباچه مؤلف، ص ۲۱). مصحح محترم کتاب را در دو جلد تنظیم کرده است. جلد نخست تحت عنوان سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان (کتاب حاضر) و جلد دوم با نام سرزمین‌های جنوبی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش. در این مجلد به مسقط، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و بصره پرداخته شده است. (این جلد ظاهراً تاکنون انتشار نیافته است).

اما جلد نخست یعنی کتاب حاضر علاوه بر اشتغال بر آگاهی‌های تاریخی و سیاسی، در بردارنده اطلاعات ارزشمندی از حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ بومی، آداب و رسوم، باورها و سنت‌ها و... است.

در هریک از فصول بیست و دوگانه کتاب به این شهرها و مناطق پرداخته شده است. بوشهر، خوزستان، شبیکویه، بندرلنگه، بندر خمیر، بستک لارستان، بندرعباس، میناب، چاه‌بهار و گودار و پسابندر، و از جزیره‌های ایرانی واقع در دریاهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان با عناوین قشم، هرموز و لارک، هنگام، کیش، تمب (تمب

کوچک و بزرگ) لاوان و اندرآبی، ابوموسی، سیری (سری) فرور (فرور و نابیوفرور) و خارک سخن رفته است و مطالب سودمندی ثبت و ضبط شده است.

۶۲ - سردار اسعد، علیقلی خان؛ لسان السلطنه سپهر، عبدالحسین: تاریخ بختیاری^{۵۲} به اهتمام جمشید کیانفر، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ۷۶۶ ص مصور. کتاب مشتمل است بر مقدمه فراهم آورنده (ص ۴۴-۱۷)، متن کتاب (ص ۶۱۳-۴۵)، ضمائم و تعلیقات (ص ۶۶۲-۶۱۷)، فهرست‌های راهنما (ص ۷۶۶-۶۴۳).

توضیح: کتاب حاضر نخستین اثر تألیفی مستقل درباره بختیاری است. برخی فصول آن در حوزه تاریخ سیاسی بختیاری، برخی فصول آن روشن‌کننده جغرافیای تاریخی قلمرو بختیاری و فصولی نیز حاوی آگاهی‌هایی است که تنها در منابع مربوط به تاریخ‌های محلی می‌توان یافت. کتاب به دستور علیقلی خان سردار اسعد بختیاری توسط عبدالحسین لسان السلطنه سپهر تألیف و به عبارتی تحریر یافته است، چرا که کتاب اصولاً حاصل یک کار گروهی است. مصحح محترم هریک از مؤلفان و مترجمان را در مقدمه کتاب به خوبی شناسانده‌اند. در مجموع، کتاب حاضر منبع بسیار سودمندی است برای شناخت تاریخ و سرزمین بختیاری و حالات و روحیات بختیاری‌ها.

۶۳ - مورخ لاری، سیدعلاءالدین: تاریخ لارستان، به تصحیح محمدباقر وثوقی، انتشارات راهگشا، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۱، ۲۰۲ ص، مصور، نقشه.

کتاب مشتمل است بر دیباچه مؤلف، مقدمه مصحح (ص ۲۱-۱۵)، یادداشتی از مصطفی کشفی، متن کتاب (ص ۱۹۲-۲۴)، تصاویر.

توضیح: مورخ لاری (تولد ۱۳۱۲ ق / ۱۲۷۳ ش) در دیباچه کتاب می‌نویسد: بنا به خواهش جمعی از دوستان و همشهریان، با جدّ و جهد زیاد و کاوش و مطالعات در کتب تاریخی قدیم، مخصوصاً تاریخ خطی قدیم لار که کهنه و مندرس شده بود، و نیز مشهودات و مسموعات خود نگارنده در آن سرزمین مبادرت به تألیف کتابی به نام تاریخ لارستان و فارس و مشروطیت نمود (ص ۱۴).

مصحح محترم در پایان برخی فصول حواشی مفیدی آورده‌اند که به فهم بهتر مطالب کتاب کمک می‌کند.

۶۴ - جناب، میرسیدعلی: الاصفهان (تألیف ۱۳۴۲ ق / ۱۳۰۲ ش) به اهتمام عباس نصر، انتشارات گل‌ها، اصفهان، ۱۳۷۱، سیزده + ۳۵۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوشنده (ص نه تا سیزده)، متن کتاب (ص ۳۵۶-۲۵۶)، ترجمه سفرنامه شاردن توسط جناب (ص ۳۱۵-۲۵۹)، فهرست راهنما (ص ۳۵۳-۳۱۸). مشخصات چاپ دیگر همین اثر چنین است:

ترویج اسلام، ناطق اسلام. مؤلف سه روزنامه را بهتر از بقیه دانسته است: خورشید از مرتضی میرزا، ناطق اسلام از ادیب شیخ حسین تربتی، آزاد از نویسنده آزاده عبدالقدیر سبزواری.

۶۶ - ناصرالشریعه، شیخ محمدحسین: تاریخ قم، با مقدمه و تعلیق و اضافات به قلم علی دوانی، چاپ حکمت، قم، [تاریخ مقدمه ۱۳۴۲ ش، غ + ۳۲۲ + چهارص. مصور. (همین کتاب برای بار نخست توسط مؤلف در سال ۱۳۲۴ ش. تحت عنوان «تاریخ قم موسوم به مختارالبلاد» توسط انتشارات اسلامیة در قطع جیبی انتشار یافته است). کتاب مشتمل است بر مقدمه علی دوانی (الف - غ [ص ۲۷ =])، متن کتاب (ص ۱-۲۸۴)، اضافات (ص ۳۲۲-۲۸۶)، فهرست مطالب (یک - چهار).

توضیح: شیخ محمدحسین ناصرالشریعه (۱۳۳۹-۱۳۷۲ ش.) از علمای قرن اخیر قم بوده که علوم مقدماتی را نزد آخوند ملاعبده که از اجله علمای قم بوده فرا گرفته و سپس از محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم به کسب علم پرداخته است. مؤلف بنا به علاقه‌ای که به شهر قم داشته، در تاریخ این شهر به غور و تفحص پرداخته و در نهایت به تالیف «تاریخ قم» همت گماشته است. برخی از مطالب و آگاهی‌های مربوط به یک سده اخیر قم به ویژه اطلاعات مربوط به حوزه علمیه، علما و طلاب که در این کتاب آمده است، واجد ارزش و اهمیت زیادی است. محض نمونه در جایی اشاره می‌کند که بعد از شهریور ۱۳۲۰ طلاب علوم دینی از هر سو به منظور تحصیل روبه حوزه علمیه قم آوردند چنان که مراجع وقت امر به ساخت منازل و مدارس جدیدی کردند (ص ۲۹۰). در مجموع کتاب حاضر حاوی این مطالب است: قم در ازمنه قدیم، فضیلت شهر قم، قم را چرا قم می‌گویند؟ بنای شهر قم، ورود اشعریان به قم، روایات ائمه اطهار راجع به قم، ... مساجد قم، مدارس قم، فقها و محدثین قم، ... علما و فقها و محدثین قم، مدارس قم و ...

پی نوشت‌ها:

۱- یکی از ابوالحسن احمدبن سیار بن ابوب مروزی (متوفی ۲۶۸ ق) و دیگری از ابو رجاء سنجی (متوفی ۳۰۹ ق). اگرچه هر دو کتاب اکنون در دست نیست اما بخش‌هایی از اولی در معجم‌البلدان یاقوت و دومی در الاصابه ابن حجر محفوظ مانده است. ر.ک: سرگین: المجلد الاول الجزء الثاني، ص ۲۲۹-۲۳۳؛ آیین‌وند: ج ۱، ص ۱۶۳ و ۳۵۳.

۲- یکی از جعفرین احمد مروزی (م ۲۷۴) و دیگری از ابن خردادیه (م ۳۰۰). اولی در دست نیست اما دومی چند بار تصحیح و نشر شده از جمله در سال‌های اخیر دو ترجمه از آن به فارسی

یکی از باارزش‌ترین منابع مربوط به تواریخ محلی درواخر عهدقاجار و یکی دو سال اول پهلوی است.

۶۵- علوی سبزواری، محمد مهدی: تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی، نشر مطبعة النجاح، بغداد، ۱۹۲۷ م [۱۳۰۶ ش]، ص ۲۸.

توضیح: درباره تاریخ و جغرافیای شهر مشهد در قرن گذشته و حاضر کتاب‌های چندی نوشته شده است. در این خصوص هم کتاب حجیم و سه جلدی مطلع الشمس اعتمادالسلطنه را سراغ داریم و هم کتاب مختصر ولی بسیار مفید حاضر را که البته نایاب است، می‌شناسیم. کتاب به جهت آن که درست در اوایل سلطنت رضاشاه نوشته شده [۱۳۰۵ ش] از لابلای سطور آن می‌توان سیمای سنتی شهر مشهد را در آن سال‌ها دریافت و با تغییر و دگرگونی‌های بعدی آن که در دوران پهلوی صورت گرفته مقایسه کرد. از توضیحی که ناشر داده است معلوم می‌شود محمد مهدی علوی فرزند ابراهیم بن معصوم (متوفی ۱۳۱۵ ق.) است که نسیب به امام صادق (ع) می‌رسد و تولد او در ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ ق. در سبزواری بوده و در سال ۱۳۲۷ ق. به عراق رفته و در عتبات در محضر علمای بزرگ به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۳ ق. سفری به ایران کرده و مدتی در سبزواری مانده و این کتاب را در سال ۱۳۴۵ ق [۱۳۰۵ ش] تالیف کرده است. خود او هدف از تالیف کتاب را چنین دانسته است: «منظور من ذکر حقایق و نکته‌های مهم تاریخی بوده و به همین جهت سعی کرده‌ام استوار بنویسم و مطلبی را بدون ماخذ ذکر نکنم و خرافات را در نوشته‌هایم راه ندهم.» (بینش، ص ۹ و ۸). کتاب حاضر نخستین بار در آذر سال ۱۳۴۸ توسط آقای تقی بینش ترجمه شده و در نشریه فرهنگ خراسان انتشار یافته است. (دوره هفتم، شماره اول) با نقل انگیزه مترجم از ترجمه آن می‌توان به محتوی پرارزش کتاب بخوبی پی برد. بینش می‌نویسد: هنگامی که مقاله «مشهد» را از دایرةالمعارف اسلام برای نشریه فرهنگ خراسان ترجمه می‌کردم (شماره ۷-۶ دوره سوم و شماره ۵-۶ دوره چهارم، چاپ مستقل در سال ۱۳۴۷) متوجه شدم که در آنجا مکرر به کتاب علوی سبزواری اشاره و استناد شده است، لذا متوجه ارزش و سودمندی آن شدم و به ترجمه آن اقدام ورزیدم، محتوی کتاب از این قرار است: تاریخچه اجمالی طوس، مساجد، مقابر مشهور، مدارس علمی قدیم، مدارس جدید، چاپخانه‌ها، خیابانها، والی‌های معروف، وقایع مهم طوس، حرم رضوی، صحن کهنه، صحن نو، خاتمه در شرح حال امام رضا(ع). مؤلف از ذکر روزنامه‌های منتشره در شهر نیز غفلت نورزیده و اسامی و عنوان ۱۳ روزنامه [هفتگی] را ذکر کرده است: چمن، خورشید، آزاد، فکر آزادی، طوس، صاعقه شرق، طلیعه شرق، آفتاب شرق، صدای شرق، منیر،

الاصفهان، میرسیدعلی جناب، به کوشش محمدرضا ریاضی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۶، ۲۸۷ ص در قطع بزرگ. در این چاپ چند بخش افزوده نیز درباره اصفهان دیده می‌شود. کتاب شامل: فهرست مطالب و پیشگفتار کوشنده (ص ۱-۲۱)، بخش اول: متن اصلی کتاب (ص ۲۷-۱۵۷)، ترجمه سفرنامه شاردن توسط جناب (ص ۱۹۵-۱۵۹)، یادداشت‌های بخش اول و دوم (ص ۲۰۹-۱۹۶)، بخش سوم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از اطلس سیاحتنامه شاردن (ص ۲۲۸-۲۱۱)، بخش چهارم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب سفرنامه فلاندن و کست (ص ۲۴۹-۲۲۹)، بخش پنجم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب ابنیه و آثار جدید ایران تألیف پاسکال کُست (ص ۲۷۹-۲۵۱)، بخش ششم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب توصیف ارمنستان، ایران و بین‌النهرین تألیف تکسیه (ص ۲۸۶-۲۸۱) یک برگ نقشه در شهر اصفهان.

توضیح: میرسیدعلی جناب (۱۳۰۹ ش / ۱۳۴۹ ق - ۱۲۸۸ ق) از روحانیون اهل فضل و دانش اصفهان بوده که در فقه و اصول تبحر داشته و زبان فرانسه، ریاضیات قدیم و جدید و هیئت قدیم و نجوم جدید را به خوبی می‌دانسته است. وی کتاب‌الاصفهان را در سال ۱۳۰۲ شمسی تألیف و یک سال بعد در ۱۳۰۳ در اصفهان در قطع رحلی و به صورت چاپ سنگی منتشر کرده است.

عباس نصر کتاب را پرمحتوی و در حقیقت آن را دایرةالمعارف اصفهان دانسته است، از دید وی، مؤلف در زمان خود «به مطالعه وسیع بر روی شهر پرداخته است. پاره‌ای اطلاعات منحصر به فرد و آمار موجود در این کتاب برای مقایسه با وضع کنونی و ترسیم منحنی رشد این شهر طی ۷۰ سال گذشته بسیار جالب است.» (ص یازده) کتاب بعد از مقدمه مؤلف، به ترتیب، وجه تسمیه، تاریخ اصفهان، اوضاع جغرافیایی و طبیعی، مذهب مردم اصفهان، فهرست مساجد، حمام‌ها، کاروانسراها، فهرست مدارس قدیم و جدید، علم و دانش، اخلاق و عادات، اصناف، روزنامه‌ها، مقیاسات رایج، صادرات و واردات، معادن، و تغییرات مکانی شهر اصفهان را مورد گفت‌وگو قرار می‌دهد. به اعتقاد محمدرضا ریاضی «در بخش اخلاق و عادات مردم اصفهان، مؤلف با موشکافی خصوصیات اخلاقی مردم اصفهان را مورد بحث قرار می‌دهد و نکات مثبت و منفی آن را یادآور می‌شود، در بحث بعدی حدود ۲۲۰ گروه شغلی و صنفی را با ذکر نظرات هر صنف معرفی می‌کند. سپس به مقیاس وزن و زمان می‌پردازد و در این بحث اطلاعات با ارزشی پیرامون اوزان و مقیاسات در اواخر دوره قاجاریه به دست می‌دهد.» (ص ۱۸ و ۱۹). کتاب حاضر در مجموع

نشر شده است. ر.ک: یادداشت شماره ۲۴.

به عنوان نمونه می‌توان از کتاب فتوح جبال طبرستان اثر ابوالحسن علی بن محمد (متوفی ۲۲۵ ق) یاد کرد که اکنون در دست نیست و این نخستین تاریخ طبرستانی است که اسم آن در تألیفات دیگران ذکر شده است. ر.ک: سلسله مقالات سیداحمد تبریزی [کسروی] راجع به تواریخ طبرستان مندرج در روزنامه نوبهار از شماره ۱۲ به بعد (سال ۱۳ دوره ۵) ۲۰ قوس [آذر] ۱۳۰۱=۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳ ق.

۳- علاوه بر دو کتاب المسالک و الممالک مذکور، از دیگر منابع مهم جغرافیای تاریخی این قرن می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب الخراج و صناعة الكتابة اثر قدامة بن جعفر، البلدان اثر یعقوبی، الاعلاق النفیسه اثر ابن رسته، مختصر البلدان اثر ابن فقیه همدانی.

۴- البته این نکته به معنای آن نیست که از قرن چهارم احساسات جهان وطنی اسلامی به کلی از بین رفت چرا که دقیقاً از همین قرن به بعد نگارش منابع جغرافیای تاریخی با نگرش مزبور در کنار تاریخ‌های محلی همچنان ادامه یافت. غرض ما در اینجا، تنها اشاره به وقوع تحول در نگرش مزبور و نیز تأکید کردن بر یکی از انگیزه‌های اساسی در شکل‌گیری تاریخ‌های محلی در ممالک اسلامی از جمله ایران است.

۵- قمی، حسن بن محمد بن حسن: تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به تصحیح سیدجلال‌الدین طهرانی، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۴.

۶- آیینه وند: ج ۱، ص ۳۵۱.

۷- روزنتال: ج ۱، ص ۱۷۳. البته روزنتال با آوردن قید «نخستین بار» که ما آن را نیاوردیم، بر این باور بوده که برای اولین بار مافوقی در تألیف تاریخ محلی از خود گرایش حب الوطنی بروز داده است. در ردّ باور او همین بس که - چنانچه اشاره شد - حدود یک سده پیش از او، مؤلف تاریخ قم و بعد مؤلف تاریخ جرجان، ملهم از چنین گرایشی به تألیف آثار خود پرداخته بودند. جالب است که حتی مترجم محاسن اصفهان در عصر ایلخانان (قرن ۸) دقیقاً با گرایش حب الوطنی به ترجمه اثر مذکور پرداخته است. مترجم در مقدمه خود یکی از ابیات معروف سعدی را آورده است:

سعدیا حُب وطن گرچه حدیثیست صحیح

نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم

مترجم در ستایش از اقدامات اصلاحی - عمرانی خواجه

رشیدالدین فضل‌الله همدانی چنین سروده است:

... ملک ایران سال‌ها ویران بُد از جور فلک

بنگر از آثار عدلت زیب عمران یافته

در میان هفت کشور خاص بر ملک عجم

اصفهان از اهتمامت فضل رجحان یافته...

(ر.ک: ترجمه محاسن اصفهان: ص ۷)

۸- السخاونی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۹۲۰-۸۳۱ ق): أَلْعَانُ بِالتَّوْبِيخِ لِمَنْ دَمَّ أَهْلَ التَّارِيخِ، به نقل از روزنتال، ج ۲، ص ۱۳۷.

۹- روزنتال: ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۰- البته این نظر تعبیر دیگری است از رأی ایران‌شناس مشهور - پرفسور ادوارد براون. وی دقیقاً یکصدسال پیش (۱۹۰۰ م) در مقدمه ترجمه محاسن اصفهان به انگلیسی، درخصوص ارزش و جایگاه تاریخ‌های محلی چنین اظهار نظر کرده است. (عین عبارت وی:)

As these Local histories are often of very great important in supplementing the larg general histories, ...: p.۴۱۱.

مرحوم علامه قزوینی در مقدمه تاریخ بیهق راجع به اهمیت تاریخ‌های محلی نظری ابراز نموده‌اند که با نظر براون دقیقاً یکی است. (ر.ک: تاریخ بیهق، صفحه ۵).

۱۱- افشار، ایرج: بیاض سفر، توس، تهران، ۱۳۵۴، ص ۵۱۶.

۱۲- مقدمه مرحوم کسروی بر «تاریخ رویان» اثر اولیاء الله آملی به کوشش عباس خلیلی، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۸۳ ق، کسروی در ادامه همان مطلب درخصوص داده‌های نادر موجود در این کتاب می‌نویسد: «... این خبرها را جز در کتاب این مؤلف در جای دیگری پیدا نتوان کرد و این است که ما برای تکمیل تاریخ مازندران حاجت به داشتن این کتاب داشته‌ایم.» ص ۵.

۱۳- ر.ک: مقدمه مصحح (شیخ عبدالرحمن الیمانی) بر تاریخ جرجان ص: ج.

۱۴- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ ۴، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۸.

۱۵- لمبتون، آن، کی، اس: مالک و زارع در ایران، ترجمه

منوچهر امیری، علمی و فرهنگی، ج ۳، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵.

۱۶- همو: همان، ص ۹ و ۱۰. با نگاهی آماری به فهرست

منابع و مأخذ مالک و زارع در ایران چنین بر می‌آید که مؤلف برای تألیف این اثر بیشترین بهره را به ترتیب از منابع مربوط به تاریخ‌های محلی و بعد از منابع جغرافیای تاریخی برده است:

منابع تاریخ‌های محلی: ۴ مورد خطی، ۲۷ مورد سنگی و چاپی.

منابع جغرافیای تاریخی: ۲ مورد خطی، ۱۶ مورد سنگی و چاپی.

۱۷- تاریخ انتشار مقاله سال ۱۹۷۱ میلادی است.

۱۸- Historical studies Today: Edited by felix Gilbert and Stephen R. Graubard.

w.w. Norton Company New York. London.

۱۹۷۱، pp. ۳۰۲-۳۰۴.

کتاب حاضر حاوی مجموعه مقالاتی است در حوزه مباحث

نظری تاریخ، مشخصات یکی دیگر از مقالات مختصر و مفید و مرتبط با گفتار حاضر کتاب مزبور چنین است:

Lawrence Stone: English and United States Local History. pp.۳۱۵-۳۱۹.

۱۹- روزنتال: ج ۱، ص ۱۹۵-۱۷۳؛ آیینه‌وند تعبیر تاریخ‌های محلی دینی و عمومی را به کار برده است. ر.ک: ج ۱، ص ۱۶۶-۱۵۳.

۲۰- روزنتال: ج ۱، ص ۱۹۱.

۲۱- همو: ج ۱، ص ۱۸۵.

۲۲- سوازه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی (تحلیلی کتابشناختی) به اهتمام کلود کاهن، ترجمه نوش آفرین انصاری (محقق)، نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۱ و ۵۲.

۲۳- روزنتال: ج ۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲۴- نگارنده پیش از این مبادرت به تهیه و تدوین، «کتابشناسی جغرافیای تاریخی اسلام و ایران» نموده است (ر.ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا: ج ۳، ش ۳۱، اردیبهشت ۱۳۷۹) و حال برای تکمیل آن، کتابشناسی حاضر فراهم آمده است.

۲۵- برای آگاهی از مجموع منابع مربوط به تواریخ محلی تألیف شده در جهان اسلام از قرن سوم به بعد - اعم از مفقود یا موجود - می‌بایست به سیاهه تواریخ محلی که توسط - ابن حزم، ابن فُندق، ابن خطیب، ابن فوطی، سبکی، ابن حجر و به ویژه جامع‌ترین سیاهه که توسط سخاوی و نیز حاجی خلیفه فراهم آمده است، رجوع کرد. برای سیاهه سخاوی بنگرید به ترجمه «أَلْعَانُ بِالتَّوْبِيخِ لِمَنْ دَمَّ أَهْلَ التَّارِيخِ» که در جلد دوم اثر روزنتال به طور کامل آمده است، ج ۲، صفحه ۲۸۹ تا ۳۲۶.

۲۶- برای یک بررسی و معرفی اجمالی این اثر [از این پس به اختصار: بررسی] بنگرید به: خانمحمدی، علی اکبر: قم نامه، کیهان فرهنگی، س ۳ (۱۳۶۵)، ش ۶: ۱۹-۱۸.

۲۷- بررسی: فروزانی، سیدابوالقاسم: تاریخ بخارای نرشخی (نمونه‌ای نفیس از تاریخ‌های محلی): کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۱۶ (س ۲، ش ۴) ص ۲۹-۲۷.

۲۸- بررسی:

Lambton. Ann, K.S.: An Account of the Tarkhi Qumm.: Bulletin of the school of orientia studies (BSOAS) Vol XII: Parts ۳ and ۴. ۱۹۴۸. pp. ۵۸۶-۵۹۶.

صدری افشار، غلامحسین: تاریخ قم، چیستا، ۳ (۱۳۶۴):

۷۵-۷۳.

۲۹- بررسی: صادقی، علی اشرف: تاریخ نيسابور، منتخب

من السیاق: نشر دانش، ۴ (۱۳۶۳)، ش ۵: ص ۴۵-۳۶.

۳۰- بررسی: عبدالرحمن بن یحیی الیمانی: تاریخ جرجان

و نویسنده آن، ترجمه خدابخش داورنژاد، کارنامه، تهران، ۱۳۶۶،

انصاری]. کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۳۱ (س ۳، ش ۳) ص ۳۸-۳۹.

۵۱ - برای یک بررسی اجمالی از آثار مؤلف بنگرید به: افشار، ایرج: آثار سدیدالسلطنه کبابی، راهنمای کتاب، ۱۸ (۱۳۵۴) ص ۵۳-۵۷؛ یا حسینی، سیدقاسم: نقش احمد اقتداری در احیاء آثار سدیدالسلطنه کبابی، فصلنامه فارس شناخت، سال ۲، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۲۰-۳۱، در این مقاله مجموعه آثار چاپ شده و چاپ نشده سدیدالسلطنه اجمالاً معرفی شده است.

۵۲ - بررسی: تبریزنیا، مجتبی: تاریخ بختیاری یا خلاصه‌الاعصار فی تاریخ البختیار، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) شماره ۶ و ۷ (سال اول) ص ۲۰۳-۳۱

منابع و مأخذ (منابعی که در تهیه این کتاب شناسی از آنها بهره گرفته شده است.)

- ۱- آینه‌وند، صادق: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۲- افشار، ایرج: فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، ج ۵.
- ۳- بروکلان، کارل: تاریخ الأدب العربی، الجزء الثانی، نقل الی العربیة، عبدالحمید التجار، الطبعة الرابعة - دارالمعارف، القاهرة، بی‌تا.
- ۴- حافظ قرآنی، مهین دخت: کتاب شناسی تاریخ ایران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۵۷.
- ۵- روزنتال، فرانتس: تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸، ج ۲.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷- سزگین، فؤاد: تاریخ التراث العربی، المجلد الاول، الجزء الثانی (التدوین التاريخی)، نقل الی العربیة د. محمود فهمی حجازی و راجعة د. عرفه مصطفی و د. سعیدعبدالرحیم، مکتبة آية العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۱۲ق.
- ۸- صدیقی افشار، غلامحسین: تاریخ در ایران: شرح احوال و معرفی آثار مورخان و جغرافیدانان ایران. ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵.

فهرست کزآب‌ها، اشخاص و مکان‌ها

نمایه کتاب‌ها:

- تذکر:
- ۱ - اعلام مقدمه و یادداشت‌ها در این نمایه لحاظ نشده است.
 - ۲ - شماره ارجاعات به شماره ردیف کتابها است.
- آثارالعجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن

۱۲۴؛ باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، تاریخ یزد، یغما، ۱۳ ص ۴۰۹-۴۱۱.

۴۱ - بررسی: عمادی، عبدالرحمن: تاریخ گیلان و دیلمستان. راهنمای کتاب، ۱۴ (۱۳۵۰)، ص ۳۶۳-۳۷۴، ص ۵۶۷-۵۵۵؛ عمادی، عبدالرحمن: بررسی تاریخ گیلان و دیلمستان، نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ۲ (۱۳۵۳)، ص ۴۵۸-۴۸۵.

۴۲ - بررسی: باستانی پاریزی، محمدابراهیم: احیاءالملوک، راهنمای کتاب، ۹ ص ۴۹۴-۵۰۰ و ص ۶۱۶-۶۱۱؛ سیستانی، محمداعظم: نگاهی بر کتاب احیاءالملوک، آریانه، ج ۲۷ (۱۳۴۸) ش ۳ ص ۵۰-۴۲؛ برادره، گریگوری (و) لیدیپ. اسمیرنوا: احیاءالملوک و تاریخ تألیف آن. ایران نامه، ۶ (۱۳۶۷) ص ۴۳۴-۴۱۷.

* بررسی: شایسته، فریدون: جایگاه کتاب تاریخ گیلان در مطالعات دوره صفوی، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) ش ۴، ص ۳۷-۳۸، آذر ۱۳۷۹، ص ۱۲۱-۱۱۸.

۴۳ - بررسی: محیط طباطبایی، محمد: از خلاصه التواریخ تا خلاصه البلدان، گوهر ۳ (۱۳۵۴) ص ۱۷۳-۱۷۷ و ص ۲۶۰-۲۵۶؛ همو: خلاصه البلدان یا کتابی درباره قم سده یازدهم، گوهر ۲ (۱۳۵۳) ص ۶۱۰-۶۰۷ و ص ۶۹۶-۶۹۲.

۴۴ - بررسی: ستوده، منوچهر: جامع مفیدی، راهنمای کتاب، ۵، ص ۱۶۸-۱۶۵؛ محبوبی اردکانی، حسین: جامع مفیدی، راهنمای کتاب، ۷، ص ۹۶-۸۷؛ باقی، محمد مفید: جزیی از جلد دوم جامع مفیدی، فرهنگ ایران زمین، ۱۱، ص ۲۲۸-۱۹۳.

۴۵ - بررسی: قدسی، محمدعلی: نادر میرزا و تاریخ تبریز، یادگار، ج ۲، ش ۵، ص ۲۶-۱۵؛ کیوان، مهدی: تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز اثری از دوره قاجاریه دریا تاریخ و جغرافی تبریز، مجله رشد آموزش تاریخ، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۷۸، ص ۵۸-۵۶.

۴۶ - بررسی: موحد، صمد: تحفة العالم. کتاب شناخت، تهران ۱۳۶۳، ص ۹۳-۷۵؛ ذکواتی فراگوزلو، علیرضا: تحفة العالم و ذیل التحفة، نشر دانش، ۵ (۱۳۶۴) ص ۳۳۳-۳۳۰.

۴۷ - بررسی: افشار، ایرج: تاریخ کرمان (سالاریه)، راهنمای کتاب، ۴، ص ۲۸-۱۰۲۴؛ دانش پژوه، محمدتقی: تاریخ کرمان (سالاریه)، یغما، ۱۵، ص ۱۸۶-۱۸۴؛ ستوده، منوچهر: تاریخ کرمان (سالاریه) سخن، ۱۲، ص ۱۰۹۱-۱۰۸۹.

۴۸ - بررسی: محجوب، محمدجعفر: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، سخن، ۱۲، ص ۱۲۷۳-۱۲۷۰.

۴۹ - بررسی: حکمت، حسینی (بخرد): فارسنامه ناصری، وحید، ج ۱، ش ۳ ص ۴۸-۴۱؛ فرمانفرمایان، حافظ: ترجمه فارسنامه ناصری [ترجمه هربرت بوسه]، ترجمه قدرت الله روشنی، آینده، ۵ (۱۳۵۸) ص ۸۷۶-۸۷۴؛ خیراندیش، عبدالرسول: حاج میرزا حسن فسائی، فارسنامه ناصری و سلسله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) سال ۴، شماره ۳ (پیاپی ۳۹) دی ۱۳۷۹، ص ۱۷-۱۳.

۵۰ - بررسی: معصومی، علی: تاریخ اصفهان [از جابری

ص ۱۴۹-۱۳۹؛ عطاران، فاطمه: تاریخ جرجان و خاندان مهلبه کتاب (ماه تاریخ و جغرافیا)، شماره ۲۷. (س ۳، ش ۳) ص ۲۱-۱۸.

۲۱ - بررسی: سلیم، عبدالامیر: بررسی اجمالی کتاب ذکر اخبار اصفهان، تألیف حافظ ابونعمیم در زمینه فرهنگ و تاریخ و تمدن ایران. مجله دانشکده ادبیات تبریز، ۲۶ (۱۳۵۳): ص ۲۱۲-۱۹۷؛ صادقی، علی اشرف، تاملی در دو تاریخ قدیم اصفهان [ذکر اخبار اصفهان و طبقات المحدثین]. مجله باستان شناسی و تاریخ. ش ۹/۸ (زمستان ۱۳۶۹) ص ۴۵-۲۷.

۳۲ - بررسی: اسکارچی، یک مسأله فریبنده متن تاریخ سیستان، ترجمه علی صفری، آریانه، ج ۲۵، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۲۱؛ روح الامینی، محمود: بوجه سیستان در دوره خلفای عباسی به روایت تاریخ سیستان. مجله آینده، ۱۲ (۱۳۶۵) ص ۷۲۰-۷۰۷؛ راستا. م: چوب برگ شکسته. مجله زبانشناسی، ۳ (۱۳۶۵) ش ۲، ص ۶۴-۶۱ (در عبارتی از تاریخ سیستان)؛ ده مرده، برات: نگاهی به سبک تاریخ‌نگاری تاریخ سیستان، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۲۳ (س ۲، ش ۱۱) ص ۱۷-۱۴؛ مبین، ابوالحسن: سیری در تاریخ سیستان، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۸ (سال اول) ص ۱۷-۱۵.

۳۳ - بررسی: قزوینی، محمد: تاریخ بیهق، مقالات قزوینی ۵ (۱۳۶۶) ص ۱۳۶۴-۱۳۴۲.

۳۴ - بررسی: افشار، ایرج: عقدالعلی، راهنمای کتاب، ۱۹ (۱۳۵۵) ص ۹۱۲-۹۱۰.

۳۵ - بررسی: حبیبی، عبدالحی: فضایل بلخ، آریانه، ج ۲۸ (۱۳۴۸/۹)، ش ۱، ص ۱۰۳؛ زرین‌چیان، غلامرضا: فضائل بلخ [چاپ عبدالحی حبیبی] راهنمای کتاب، ۱۶ (۱۳۵۲) ص ۶۸۴-۶۷۷؛ حبیبی، عبدالحی: در پاسخ انتقاد بر فضائل بلخ. راهنمای کتاب، ۱۷ (۱۳۵۳) ص ۶۰۱-۵۹۳؛ خیراندیش، عبدالرسول: بلخ و تاریخ پرفراز و نشیب آن، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال اول، شماره دوم (آذر ۱۳۷۶) ص ۴-۲.

۳۶ - بررسی: تجلیل، جلیل: بررسی و نقدی در تاریخ طبرستان [ابن اسفندیار]، مجله دانشکده ادبیات تبریز، ۲۲ (۱۳۴۹) ص ۱۸۵-۱۶۸.

۳۷ - بررسی: قزوینی، محمد: بعضی فواید لغوی و تاریخی و رجالی التدوین رافعی از یادداشت‌های مرحوم محمد قزوینی. گردآوری ایرج افشار، مجله دانشکده ادبیات، ج ۲، ش ۴، ص ۱۱۰-۱۰۵؛ ج ۳، ش ۲، ص ۸۶-۷۶.

۳۸ - بررسی: (مؤلف؟): بختی در تواریخ محلی، لرغونی هرات، ۱ (۱۳۵۹) ش ۱، ص ۴۳-۳۵ (بیشتر درباره تاریخنامه هرات است).

۳۹ - بررسی: شهشهانی، احمد: شیراز نامه زرکوب شیرازی، یغما ۲۵ (۱۳۵۱)، ص ۱۲۲-۱۲۰.

۴۰ - بررسی: محجوب، محمدجعفر: تاریخ یزد، سخن، ۱۱، ص ۱۲۷-۱۲۴؛ ستوده، منوچهر: تاریخ یزد، سخن، ۱۱، ص ۱۲۷-

- فارس ۵۷
- احیاء الملوک ۳۳
- ارشاد الزراعة ۲۹
- استرآباد نامه ۴۵
- اعلام الناس فی احوال بندرعباس ۶۰، ۶۱
- الاصفهان ۶۴
- التدوین فی احوال جبال شروین ۴۲
- التدوین فی اخبار قزوین ۱۴
- السیاق ۳
- السیاق التاریخ نیسابور ۳
- المزارات ۲۰
- المضافات الی بدایع الزمان ۱۰، ۱۱
- المنتخب من السیاق ۳
- بدایع الزمان فی وقایع کرمان ۹، ۱۱، ۳۴
- بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس) ۶۰
- تاریخ آل سلجوق ۱۰، ۳۴
- تاریخ اردلان ۵۳
- تاریخ ارض اقدس ۴۱
- تاریخ اصفهان ۵۰
- تاریخ افضل ۱۰، ۳۴
- تاریخ الاکراد ۵۳
- تاریخ بخارا ۱۱
- تاریخ بختیاری ۶۲
- تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس ۵۰
- تاریخ بیهق ۸
- تاریخ جدید یزد ۲۵
- تاریخ جرجان او کتاب معرفة علماء اهل جرجان ۴
- تاریخ خانی ۳۰
- تاریخ خوانین ۴۹
- تاریخ دارالایمان قم ۴۴
- تاریخ در ایران ۲۶، ۳۲
- تاریخ رویان ۱۹
- تاریخ سیستان ۷، ۳۳
- تاریخ شاهی خواجه شهاب‌الدین ابوسعید ۱۵
- تاریخ طبرستان ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۴۲
- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۲۶
- تاریخ طوس اوالمشهد ۶۵
- تاریخ قم ۲، ۶۶
- تاریخ قم موسوم به مختارالبلاد ۶۶
- تاریخ کاشان ۴۷
- تاریخ کردستان ۵۳
- تاریخ کرمان ۱۱، ۱۵
- تاریخ کرمان (سالاریه) ۵۲
- تاریخ کرمان، سلجوقیان و غز در کرمان ۳۴
- تاریخ گیلان ۳۶
- تاریخ گیلان و دیلمستان ۲۶، ۲۷، ۳۰
- تاریخ لارستان ۶۳
- تاریخ مازندران ۱۹، ۳۷
- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران ۶۱
- تاریخ مفصل کردستان ۳۲
- تاریخ ملازاده ۲۲
- تاریخ نامه هرات ۱۶
- تاریخ نیشابور ۳
- تاریخ و جغرافیای قم ۵۵
- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ۴۳
- تاریخ یزد جعفری ۲۵
- تتمه صوان الحکمة ۸
- تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان ۵۸
- تحفة العالم و ذیل التحفه ۴۸
- تذکره شوشتر ۴۰، ۴۸
- تذکره هزار مزار ۲۱
- تذکره الاولیاء محرابی ۳۱
- ترجمه محاسن اصفهان ۶
- جامع الخیرات ۱۷
- جامع جعفری ۱۰
- جامع مفیدی ۳۹
- جغرافیای اصفهان ۴۶
- جغرافیای تاریخی بندرعباس و جزائر خلیج فارس ۶۰
- جغرافیای دارالسلطنه ۴۶
- حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان ۵۳
- خزائن العلوم ۱
- خلاصة البلدان ۳۸
- دائرة المعارف ۴۱
- دائرة المعارف اسلام ۶۵
- دائرة المعارف اصفهان ۶۴
- دائرة المعارف فارسی ۳۲
- ذکر اخبار اصفهان ۵
- رساله طریق قسمت آب قلب ۲۹
- رسالة الارشاد در احوال صاحب بن عباد ۶
- رکن الاسفار ۵۵
- روضات الجنات فی اوصاف مدينة الهرات ۲۸
- زبدة التواریخ ۱۰
- سرزمین‌های جنوبی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش ۶۱
- سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان ۶۱
- سفرنامه شاردن ۶۴
- سفرنامه فلاندن و کست ۶۴
- سمط العلی للحضرة العلیا ۱۰، ۱۵
- سیاحتنامه شاردن ۶۴
- سیاق التاریخ ۳
- شد الازار فی حطّ الأوزار عن زوّار المزار ۲۰، ۲۱
- شرفنامه ۳۲
- شیرازنامه ۱۸
- صلاح الصحاح فی طب ۹
- طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها ۵
- عقد العلی للموقف الاعلی ۹، ۱۰، ۱۵
- فارسنامه ناصری ۱۸، ۵۶
- فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن ۳۵
- فضائل بلخ ۱۲
- فهرست اسماء الرجال مذکورة احوالهم فی کتاب التدوین ۱۴
- کاروند کسروی ۴۸
- کتاب آب‌بخشی ۲۹
- کتاب اصفهان ۶۴
- کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم ۵۵
- کتابچه جغرافیای دارالسلطنه اصفهان و بلوکات و توابع ۴۶
- مجالس المؤمنین ۳۸
- مجمع التواریخ ۱۰
- مجمل رشوند ۵۱
- محاسن اصفهان ۶
- مختصر مفید ۳۹
- مرأة القاسان ۴۷
- مرأة البلدان ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۴
- مزارات بخارا ۲۲
- مزارات شیراز ۲۰، ۲۱
- مزارات کرمان ۳۱
- مزارات هرات ۲۴
- مطلع الشمس ۴۱، ۶۵
- مغاص اللثالی و منار اللیالی ۶۱
- مفاتیح الادب فی تواریخ العرب ۶۱
- مقصود الاقبال و مرصداً مال ۲۴
- منتخب کتاب السیاق ۳
- نخبه سیفیه ۴۵
- نصف جهان فی تعریف اصفهان ۴۷، ۵۴
- وسيلة الشفاعات ۲۴

نمایه اشخاص

آخوند ملا عبدالله ۶۶
 آژند، یعقوب ۲۶
 آغامحمدخان قاجار ۵۲
 آقاخان ۵۲
 آل احمد، جلال ۴۶
 آملی، مولانا اولیاءالله ۱۹، ۲۶
 ابراهیم بن معصوم ۶۵
 ابن اسفندیار ۱۳، ۱۹
 ابن شهاب یزدی ۱۰
 ابن فندق ۸
 ابوالشیخ اصفهانی ۵
 ابوالقاسم کاشانی ۱۰
 ابوحامد محمدبن ابراهیم ۱۰
 ابوسعید بهادرخان ۶، ۱۵
 ابوعبدالله حاکم نیشابوری ۳
 ابومحمد نوح بن نصر سامانی ۱
 ابونعمین احمدبن عبدالله ۵
 ابونعمین اصفهانی ۵
 ابی القاسم احمدبن محمدالحسینی القوبایء الاصفهانی ۶
 احمدزاده، مصطفی ۴۲
 ادیب کرمانی، میرزا غلامحسین ۵۵
 ارباب، محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی ۵۴
 ارموی، میرجلال الدین (محدث) ۳۵
 اسفزاری، معین الدین محمد زمجی ۲۸
 اسکندر ۳۹
 اشراقی، احسان ۴۲
 اصفهانی، محمد مهدی ۴۷
 اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۵۵، ۶۵
 افشاره، ایرج ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۴۹
 افضل الدین کرمانی، ابوحامد: ۹، ۱۰، ۱۱
 افضل الملک ۵۵
 اقبال، عباس ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۰
 اقتداری، احمد ۶۰، ۶۱
 السهمی، حمزه بن یوسف ۴
 اللهبیار صالح ۴۷
 الیمانی، شیخ عبدالرحمان ۴
 امام، سیدمحمد کاظم ۲۸
 امیر تیمور ۲۴
 امیرنوح ۱

اوبن، ژان، (Jean Aubin) ۳۹
 اوزن حسن ۲۴
 اولجایتو ۱۵
 ایسن قتلغ نویان ۱۵
 بارب (Barb) ۳۲
 باریه دومینار (Barbier De meynar) ۲۸
 باستانی پاریزی، محمد ابراهیم ۹، ۳۴، ۵۲
 بافقی، محمدمفید بن محمود ۳۹
 بدسفرود لوات (Bedesford Lovett) ۴۵
 بدلیسی، امیر شرفخان ۳۲
 براون، ادوارد (E. G. Browne) ۶، ۱۳، ۵۴
 برهان لیمودهی، تیمور ۴۱، ۴۵
 بوسه، هربرت (Herbert Busse) ۵۶
 بهار، ملک الشعراء ۷
 بهرامی، تقی ۲۰
 بهمنیار ۸
 بیانی، مهدی ۱۰، ۳۴
 بیک ارباب، محمدتقی ۴۴
 بینش، تقی ۶۵
 بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید ۸
 تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم ۴۶
 تربتی، شیخ حسین ۶۵
 ترشخی، ابوبکر محمدبن جعفر ۱
 تسبیجی، محمد حسین ۲۶
 تقی الدین ابواسحاق ابراهیم الصریفینی ۳
 توکلی، محمد رؤف ۵۳
 جابری انصاری، حاج میرزا حسین خان ۵۹
 جزائری، سیدعبدالله (فقیر) ۴۰
 جناب، میرسیدعلی ۶۴
 جنید شیرازی، معین الدین جنید بن محمود ۲۰
 حاجی سیف الدوله ۴۵
 حافظ ابرو ۱۰
 حبیبی، عبدالحی ۱۲
 حسام الملک ۵۲
 حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ۲
 حسین بن علی بن بابویه قمی ۲
 حسین بن محمدبن ابی الرضا آوی ۶
 حسینی شوشتری مرعشی، علاءالملک ۳۵
 حسینی فسائی، حاج میرزا حسین ۵۶
 حسینی، قاری سیدکلیم الله ۸
 حسینی یزدی، سید رکن الدین ۱۷
 خان بهادر خلیفه محمداسدالله ۱۶
 خان بهادر مولی بخش ۴۰

خانیکوف، نیکلا ۳۶
 خسروپاشا ۳۲
 خلیلی، عباس ۱۹
 خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ۶
 خواجه محمد پارسا ۲۲
 خواجه نظام الملک ۶
 دارمستتر (Darmesteter) ۱۳
 دارن، برنهارد (Bernhard Dorn) ۱۳، ۳۰، ۳۶
 دانش پزوه، محمدتقی ۱۷، ۴۵
 دد رینگ (Dedering) ۵
 دوانی، علی ۶۶
 دهباشی، علی ۲۰، ۵۷
 ذبیحی، مسیح ۴۵
 ذوقی ۲۹
 رابینو (Rabino) ۲۶، ۲۷
 رافعی قزوینی، عبدالکریم ۱۴
 رجائی زفره‌ای، محمدحسن ۴۶
 رستگار فسائی، منصور ۵۶، ۵۷
 رشوند، محمدعلی خان ۵۱
 رضاشاه ۶۵
 ریاضی، محمدرضا ۶۴
 ریو، چارلز (Charlse Rieu) ۱۳، ۲۸
 زرکوب شیرازی، احمدبن ابی الخیر ۱۸
 زرین کوب، عبدالحسین ۲۰، ۳۱، ۳۹
 ستوده، منوچهر ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۴
 سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان ۶۰، ۶۱
 سردار اسعد، علیقلی خان ۶۲
 سروشیار ۵۹
 سعدالدین منجم غوری ۱۶
 سعید (محرابی = خطیب) ۳۱
 سلطان ابوسعید گورکانی ۲۴
 سلطان احمدخان اول ۳۰
 سلطان حسین میرزا بایقرا ۲۸
 سلطان مراد سوم ۳۲
 سنندجی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب) ۵۸
 سهیل کاشانی ۴۷
 سید اصیل الدین عبدالله واعظ ۲۴
 سید امیر کیای ملاطی ۲۷
 سید ظهیرالدین مرعشی ۳۰
 سید عبدالله جزایری ۴۸
 سید قوام الدین مرعشی ۲۶
 سیفی ۱۶
 شاه سلیمان ۳۹

- شاه طهماسب ۳۲
شاه عباس اول ۲۶، ۳۴، ۳۶، ۳۷
شرف الملک ۵۸
شفر، شارل (Charles Schefer) ۱
شقیعی کدکنی، محمدرضا ۳
شوشتری، میرعبداللطیف خان ۴۸
شیخ صدوق ۲
شیخ عبدالله ۴۳
شیندلر، هوتم (Houtum Schindler) ۵۴
صاحب بن عباد ۲، ۶
صادقی، علی اشرف ۵
صدیقی، محمد زبیر ۱۶
صریفینی ۳
صفوة الدین ۱۵
صفی الدین بلخی، عبدالله بن عمر ۱۲
صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی ۳۸
ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم بن صادق
ضرابی ۴۷
طباطبایی مجد، غلامرضا ۴۳
طیبی، حشمت‌الله ۵۸
طرب نائینی، محمد جعفر بن محمد حسین ۴۹
طهرانی، سیدجلال الدین ۲، ۶
ظل السلطان ۴۶
عامری نائینی، علیمحمد ۹
عباسی، محمد ۳۲
عبدالرحمان مساح ۲۹
عبدالرضا خان ۴۹
عبدالقادر فارسی ۳
عبدالقدیر سبزواری ۶۵
عبدالله حسینی بلخی ۱۲
عبدالله محمد بن حسینی بلخی ۱۲
عبدالله بن ابوسعید هروی ۲۴
عطاران، فاطمه ۴
عطاردی، عزیزالله ۱۴
علوی سبزواری، محمد مهدی ۶۵
علی بن جمال الدین رویانی ۲۶
علی محمد ۵۲
علی نقی میرزا ۵۵
عموزاده مستوره کردستانی ۵۳
عیسی بن جنید شیرازی ۲۱
فاضل هروی ۲۹
فخرالدوله دیلمی ۲
فرای، ریچارد (Richard Frye) ۱، ۳
فرصت‌الدوله ۵۷
فرمانفرمایان ۵۲
- فرمانفرما سالار لشکر ۵۲
فلور، ویلم (Willem Floor) ۴۶
فومنی گیلانی، ملاعبدالله الفتاح ۳۶
قاسم بن یوسف ابونصری هروی ۲۹
قاضی احمد قمی ۳۸
قاضی نورالله شوشتری ۳۸
قاضی نورالله شوشتری ۳۵
قباوی ۱
قزوینی، محمد (علامه قزوینی) ۸، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۳
قمی، حسن بن محمد بن حسن ۲
کاتب، احمد بن حسین بن علی کاتب تبریزی ۲۵
کارکیا سلطان محمد ۲۶
کازرونی، محمد ابراهیم ۵۰
کبابی (سیدالسلطنه) ۶۰
کریمی، بهمن ۳، ۱۸
کسای، نورالله ۵
کست، پاسکال ۶۴
کسروی، سید احمد ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۴۸
کشفی، مصطفی ۶۳
کوهی کرمانی، حسین ۳۱
کیانفر، جمشید ۶۲
کیانی مازندرانی، تقی ۱۳
گلچین معانی، احمد ۲۲
گنجعلی خان ۳۴
گیلانی، ملاشیخعلی ۳۷
لاهوری، محمد شفیع ۸
لاهیجی، علی بن شمس الدین بن حاجی حسین ۳۰
لسان‌السلطنه سپهر، عبدالحسین ۶۲
لیکوشین ۱
مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد ۶
مانکجی لیمجی هاتریا ۴۷
مایل هروی، نجیب ۲۴، ۲۹
مجتهد شبستری، محمد ۵
مجیدی، عنایت‌الله ۵۱
محدث ارموی، جلال الدین ۱۴
محمد اسحاق ۲۸
محمد بن ابراهیم ۳۴
محمد بن زفر بن عمر ۱
محمدشاه قاجار ۵۰
محمد صالح بن محمدتقی بن محمداسماعیل
استرآبادی ۴۵
محمدعلی قورخانچی صولت نظام ۴۵
محمد کاظم المحمودی ۳
محمد ولی میرزا ۴۹
محمد هدایت حسین ۴۰
- مدرس رضوی ۱
مدرس صادقی، جعفر ۷
مدرسی طباطبایی، حسین ۳۸، ۴۴، ۴۶، ۵۵
مرتضی میرزا ۶۵
مرعشی، سید ظهیرالدین ۱۳، ۲۶، ۲۷
مرعشی نجفی ۲۶
مستوفی باقی ۳۹
مشکوره، محمد جواد ۲۶، ۴۲
مشیری، محمد ۴۳
مظاهری، جمشید ۵۹
معتمد الملک ۱۳
معین الفقراء ۲۲
ملا محمد جعفر قراداغی اهری ۳۰
ملک دینار ۹
ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه
محمود سیستانی ۳۳
ملکشاه سلجوقی، جلال الدین ۶
ملک غیاث‌الدین کرت ۱۶
ملک کیومرث رستم‌داری ۲۶
موحد، صمد ۴۸
مورخ لاری، سیدعلاءالدین ۶۳
مورلی (Morlay) ۳۲
مهرآبادی، میترا ۴۲
میرزا ابوالقاسم بابر ۲۴
میرزا سلیمان خاک رکن‌الملک ۴۶
میرزا سید مهدی ۴۴
میرعبدالحکیم بادمغانی ۲۹
نادر میرزا ۴۳
نادری ۵۰
ناصرالدین شاه قاجار ۴۱، ۴۳، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
ناصرالدین محمد غوری ۱۵
ناصرالدین منشی کرمانی ۱۵
ناصرالشریعه، شیخ محمد حسین ۶۶
نصر، عباس ۶۴
نصرة‌الدین ابوالفتح فخرالملک ۶
نصیر حسینی، میرزا سید محمد ۵۷
نظام‌السلطنه ۵۷
نقیسی، سعید ۲۰
نیشابور ۱
نیشابور، محمد بن حسین خلیفه ۳
واعظ جوادی، اسماعیل ۱۸
وثوقی، محمد باقر ۶۳
وحیدنیا، سیف‌الله ۵۵
وزیری کرمانی، احمد علی خان ۵۲
وشمگیر بن زیار ۱۳

قزوین ۵۱، ۱۴	تبریز ۴۳
قشم ۶۱	ترکیه ۱۵، ۳
قطر ۶۱	تمب ۶۱
قم ۲، ۳، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۵۵، ۶۶	جرجان ۴
قوچان ۴۱	جلگه خوار ۴۱
کاشان ۳۸، ۴۷	چاه بهار ۶۱
کربلا ۲۸	حجاز ۵
کردستان ۳۲، ۵۳، ۵۸	حیدرآباد ۴، ۴۸
کرمان ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۳۱، ۳۴، ۵۲	خارک ۶۱
کلکته ۱۶، ۲۸، ۴۸	خراسان ۵، ۲۲، ۲۸، ۴۱، ۶۵
کوفه ۳۸	خرمشهر ۵۰
کویت ۶۱	خلیج فارس ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۶۱
کیش ۶۱	خوزستان ۴۸، ۶۱
گرگان ۴، ۵	دامغان ۴۱
گوادر ۶۱	دکن ۴
گیلان ۱۳، ۲۷، ۳۰، ۳۶	دماوند ۴۱
گیلان بیه پس ۳۶	دیلمستان ۲۷
لار ۶۳	رشت ۲۷
لارستان ۶۳	رم ۱۱، ۴۰
لارک ۶۱	رودبار ۵۱
لاوان ۶۱	رویان ۱۹، ۲۶
لندن ۶، ۸، ۱۵، ۲۷، ۳۳، ۳۸	زرنند ۵۵
لیدن ۵، ۱۳، ۳۴	ساوه ۵۵
مازندران ۲۶، ۳۷، ۴۲، ۵۵	سبزوار ۴۱
ماوراءالنهر ۲۲، ۲۳	سمنان ۴۱
محمره ۵۰	سندج ۵۸
مدینه ۳۸	سوادکوه ۴۲
مسقط ۶۱	سیاکله رود ۲۶
مشهد ۴۱، ۶۵	سیری (سری) ۶۱
مصر ۵۵	سیستان ۵، ۷، ۳۳
مکه ۳۸	شط کارون ۵۰
میناب ۶۱	شوشتر ۳۵، ۴۰، ۴۸
نجف ۳۸	شیبکویه ۶۱
نخجوان ۳۲	شیراز ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۵۶، ۵۷
نیشابور ۳، ۴۱	شیروان ۳۲
واتیکان ۱۱	طبرستان ۱۳، ۲۶، ۴۲
ورامین ۴۱	عتبات ۳۹، ۶۵
هرات ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹	عراق ۵، ۴۸، ۶۵
هرمز ۶۱	عمان ۶۱، ۶۵
هلند ۵	غدیرخم ۳۸
هند، هندوستان ۱۴، ۱۶، ۳۹، ۴۸	فارس ۱۸، ۲۰، ۵۶، ۵۷
هنگام ۶۱	فردوس ۳۵
یزد ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۳۹، ۴۹	فرور (فرور نابیوفورور) ۶۱
	فومن ۳۶
	فیروزکوه ۴۱

وقایع نگار کردستانی، علی اکبر ۵۳
ولادیمیر (ولیامینوف زرنوف Zernof veliaminof) ۳۲
ولوکف (Volkov) ۳۲
هاشمی کرمانی، سید محمد ۳۱
هروی، سیف بن محمد بن یعقوب ۱۶
هوتسما (Houtsma) ۳۴

نمایه جای ها

آبه ۲۸
آذربایجان ۲۳
آکسفورد ۴
آمل ۱۳
ابوموسی ۶۱
اردلان ۵۳، ۵۸
ارمنستان ۶۴
استرآباد ۴۵
اسلامبول ۵۵
اصفهان ۵، ۶، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۶۴
الموت ۵۱
اندرآبی ۶۱
انگلیس ۴۵
بجنورد ۴۱
بحرین ۶۱
بخارا ۱، ۲۲
بختیاری ۶۲
بدلیس ۳
برلین ۸
بریتانیا ۲۰، ۳۳
بسطام ۴۱
بصره ۳۹
بصره ۶۱
بلخ ۱۲
بندرعباس ۶۰
بندرلنگه ۶۰
بنگال ۴۰
بودلیان ۴
بورسا ۳
بوشهر ۶۱
بیروت ۱۴
بین النهرین ۶۴
بیهق ۸
پاریس ۶، ۲۸
پسابندر ۶۱
پطرزبورغ ۲۶، ۳۰
تاشکند ۸، ۱